

حَمْدُ اللَّهِ
أَكْرَمُ النَّامِ

مناسک حج

مطابق با فتاویٰ آیت الله العظمیٰ کریمی جهرمی رحمته الله

 <p>دفتر تنظیم و نشر آثار آیة الله العظمی کریمی جهرمی <small>رحمۃ اللہ علیہ</small></p>
مناسک حج، مطابق با فتاوی
آیة الله العظمی کریمی جهرمی <small>رحمۃ اللہ علیہ</small>
نشر: راسخون
صفحه آرا و گرافیک: محمد عباس زاده
نوبت چاپ: اول
سال چاپ: ذی القعدة ۱۴۴۴ - تابستان ۱۴۰۲
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / بهاء: ۷۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۱۸۲-۱-۸
مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۲۴۷۶۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عمل به رساله شریفه مناسک حج
مجزی ومبری ذمه است ان شاء الله تعالی
یازدهم ذی القعدة الحرام ۱۴۴۴

علی کریمی کریمی




❖ اقسام حجّ ۱۷

❖ وجوب حجّة الاسلام ۱۷

❖ فصل اول / شرایط وجوب حجّة الاسلام ۱۹

❖ شرط اوّل: بلوغ ۲۱

❖ شرط دوّم: عقل ۲۲

❖ شرط سوّم: حرّیت ۲۲

❖ شرط چهارم: استطاعت ۲۲

❖ اوّل: استطاعت مالی ----- ۲۲

❖ دوّم: داشتن وقت کافی ----- ۲۲

❖ سوّم: توانایی بدنی ----- ۲۳

❖ چهارم: بازبودن راه و امنیّتِ طریق حجّکننده ----- ۲۳

❖ پنجم: رجوع به کفایت ----- ۲۳

❖ فصل دوم / عمره تمتّع ۲۵

❖ ۱- احرام ۲۷

❖ گفتار اوّل: میقات ----- ۲۷

• (۱) مکان احرام از طریق مدینه منوره ----- ۲۷

• (۲) مکان احرام از طریق عراق و نجد ----- ۲۷

• (۳) مکان احرام از طریق طائف ----- ۲۸

• (۴) مکان احرام از طریق یمن ----- ۲۸

• (۵) مکان احرام از طریق شام و مصر ----- ۲۸

• (۶) مکان احرام کسانی که از یکی از مواقیع و یا مُحاذی نزدیک آنها

عبور نکرده‌اند ----- ۲۸

احکام میقات ----- ۲۸

- الف) هنوز وارد حرم نشده است؛ ----- ۲۹
- ب) وارد حرم شده باشد؛ ----- ۲۹
- * گفتار دوّم: واجبات احرام ----- ۳۱
- اوّل: نیت ----- ۳۱
- دوّم: پوشیدن دو جامهٔ احرام ----- ۳۱
- سوّم: تلبیه ----- ۳۳
- * گفتار سوّم: محرمات احرام ----- ۳۴
- الف: محرمات مشترک بین مردان و زنان ----- ۳۴
- ۱) شکار ----- ۳۴
- ۲) هرگونه استمتاع و لذت جنسی بردن از بانوان ----- ۳۵
- ۳) عقد کردن ----- ۳۵
- ۴) شاهد عقدِ نکاح شدن ----- ۳۵
- ۵) استمنا ----- ۳۶
- ۶) استعمال بوی خوش ----- ۳۶
- ۷) سرمهٔ سیاه کشیدن ----- ۳۷
- ۸) نگاه کردن در آینه ----- ۳۷
- ۹) فسوق ----- ۳۷
- ۱۰) جدال ----- ۳۸
- ۱۱) کشتن جانوری که در بدن به وجود می‌آید ----- ۳۸
- ۱۲) انگشتر به دست کردن برای زینت ----- ۳۸
- ۱۳) روغن مالی بدن ----- ۳۹
- ۱۴) زایل کردن مواز بدن ----- ۳۹
- ۱۵) بیرون آوردن خون از بدن ----- ۴۰
- ۱۶) ناخن گرفتن ----- ۴۰
- ۱۷) مسلّح شدن به اسلحه ----- ۴۰

- ۱۸) کندن گیاه حرم ----- ۴۰
- ۱۹) کندن دندان ----- ۴۱
- ب: محرمات مخصوص مردان ----- ۴۱
- ۱) پوشیدن لباس دوخته ----- ۴۱
- ۲) پوشاندن سرو گوش‌ها ----- ۴۱
- ۳) سایه بر سر قرار دادن ----- ۴۲
- ۴) پوشاندن روی پا ----- ۴۲
- ج: محرمات مخصوص بانوان ----- ۴۳
- ۱) پوشاندن صورت ----- ۴۳
- ۲) استفاده از زینت آلات برای بانوان ----- ۴۳
- ۳) تزئین لباس بانوان ----- ۴۴
- احکام محرمات احرام ----- ۴۴
- ۲. طواف ۴۶
- شرایط طواف ----- ۴۶
- ۱) طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر ----- ۴۶
- ۲) پاک بودن بدن و لباس ----- ۴۷
- ۳) ختنان برای مردان ----- ۴۸
- ۴) ستر عورت ----- ۴۸
- ۵) مباح بودن لباس ----- ۴۸
- ۶) نیت ----- ۴۸
- واجبات طواف ----- ۴۹
- ۱) ابتدا و ختم طواف به حجرالاسود ----- ۴۹
- ۲) سمت چپ قرار گرفتن خانه کعبه ----- ۴۹
- ۳) داخل نمودن حجر اسماعیل در طواف ----- ۴۹
- ۴) خارج بودن تمام بدن از حجر اسماعیل ----- ۵۰

- (۵) خارج بودن تمام بدن از بیت و هر چیزی که از بیت شمرده می شود
-----۵۰
 - (۶) انجام طواف بین خانه خدا و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) ۵۰
 - (۷) انجام طواف در هفت شوط -----۵۰
 - (۸) موالات در طواف -----۵۱
 - * احکام طواف -----۵۱
 - * (۳) نماز طواف۵۵
 - * (۴) سعی۵۷
 - * واجبات سعی -----۵۸
 - (۱) نیت -----۵۸
 - (۲) ابتدای سعی از صفا -----۵۹
 - (۳) ختم سعی در مروه -----۵۹
 - (۴) انجام سعی در هفت شوط -----۵۹
 - (۵) انجام سعی در طریق معمول -----۵۹
 - (۶) توجه به صفا و مروه در حال سعی -----۵۹
 - (۷) مباح بودن لباس و مرکب -----۶۰
 - (۸) ترتیب -----۶۰
 - * احکام سعی -----۶۰
 - * (۵) تقصیر۶۲
 - * احکام تقصیر -----۶۳
 - * احکام بین عمره و حج تمتع -----۶۴
- * فصل سوم/ حج تمتع۶۵**
- * (۱) احرام حج تمتع۶۷
 - * احکام احرام حج تمتع -----۶۸

- ۶۹ * (۲) وقوف در عرفات.....
- ۷۰ * (۳) وقوف در مشعرالحرام.....
- ۷۲ * اقسام درک وقوف عرفات و مشعر-----
- ۷۲ الف: درک وقوف عرفات از ظهر تا غروب روز نهم-----
- ۷۲ ب: درک وقوف اضطراری عرفات-----
- ۷۳ ج: فوت شدن وقوف اختیاری و اضطراری عرفات-----
- ۷۳ * احکام وقوف در مشعرالحرام-----
- ۷۴ * (۴) رمی جمره عقبه (واجب اول منا).....
- ۷۵ * شرایط سنگ رمی-----
- ۷۵ اول: سنگریزه بودن-----
- ۷۵ دوم: از حرم بودن-----
- ۷۶ سوم: بکر بودن-----
- ۷۶ چهارم: مباح بودن-----
- ۷۶ * واجبات رمی جمره-----
- ۷۶ اول: نیت-----
- ۷۶ دوم: رمی هفت سنگ-----
- ۷۷ سوم: پرتاب کردن سنگ-----
- ۷۷ چهارم: تدریج در رمی-----
- ۷۷ پنجم: پرتاب با دست-----
- ۷۷ * احکام رمی جمره-----
- ۷۸ * (۵) قربانی روز عید (واجب دوم منا).....
- ۷۹ * شروط قربانی-----
- ۸۱ * شرط ذابح-----
- ۸۱ * احکام قربانی-----
- ۸۴ * (۶) حلق و تقصیر (واجب سوم منا)-----

- واجبات حلق و تقصیر ----- ۸۴
- ۱) نیت ----- ۸۴
- ۲) ترتیب ----- ۸۵
- ۳) انجام حلق و تقصیر در منا ----- ۸۵
- احکام حلق یا تقصیر ----- ۸۵
- ✽ ۷) طواف زیارت ۸۷
- ✽ ۸) نماز طواف زیارت ۸۷
- ✽ ۹) سعی بین صفا و مروه ۸۷
- ✽ ۱۰) طواف نساء ۸۸
- ✽ ۱۱) نماز طواف نساء ۸۸
- ✽ احکام متفرقه اعمال مکه مکرمه ۸۹
- ✽ ۱۲) بیتوته در منا ۹۲
- ✽ احکام بیتوته در منا ----- ۹۳
- ✽ ۱۳) رمی جمرات در ایام تشریق ۹۴
- ✽ احکام رمی جمرات ----- ۹۵
- ✽ ۱۴) نفر (کوچ) از منا ۹۶
- ✽ عمره مفرده ۹۶

✽ فصل چهارم / مستحبات و مکروهات حج ۹۹

- ✽ مستحبات سفر ۱۰۱
- ✽ مستحبات احرام ۱۰۲
- ✽ مکروهات احرام ۱۰۵
- ✽ لَبِيكْ هَايِ مُسْتَحَبِّ ۱۰۵
- ✽ مستحبات ورود به حرم ۱۰۶
- ✽ مستحبات ورود به مکه معظمه ۱۰۷

- ۱۰۸..... * مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام
- ۱۱۱..... * مستحبات طواف
- ۱۱۳..... * مکروهات طواف
- ۱۱۴..... * مستحبات نماز طواف
- ۱۱۴..... * مستحبات سعی
- ۱۱۸..... * مستحبات احرام حج
- ۱۱۹..... * مکروهات احرام حج
- ۱۲۰..... * مستحبات عرفات
- ۱۲۵..... * مستحبات وقوف در مشعرالحرام
- ۱۲۷..... * مستحبات در جمع آوری سنگریزه‌ها
- ۱۲۷..... * مستحبات رمی جمرات
- ۱۲۸..... * مستحبات قربانی
- ۱۲۹..... * مستحبات حلق و تقصیر
- ۱۲۹..... * مستحبات مکه مکرمه
- ۱۳۰..... * مستحبات منا
- ۱۳۱..... * مستحبات مسجد خیف
- ۱۳۱..... * مستحبات بازگشت به مکه
- ۱۳۲..... * مستحبات ورود به کعبه شریفه
- ۱۳۴..... * استحباب نوشیدن آب زمزم
- ۱۳۴..... * مستحبات مکه مکرمه
- ۱۳۶..... * زیارت قبور شریفه مکه مکرمه
- ۱۳۷..... * مسجد غدیر خم
- ۱۳۸..... * مستحبات وداع کعبه
- ۱۴۰..... * اعمال عرفه
- ۱۴۰..... * دعای شب عرفه

- ۱۴۴-----بقیه اعمال عرفه -----*
- ۱۴۴-----دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه -----*
- ۱۵۵-----دعای حضرت سجاد علیه السلام در روز عرفه -----*
- ۱۶۴-----زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه -----*
- ۱۶۸.....* اعمال مدینه منوره.....*
- ۱۶۸-----فضیلت زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله -----*
- ۱۶۹-----حدّ حرم مدینه النبی صلی الله علیه و آله -----*
- ۱۶۹-----مستحبات مدینه منوره -----*
- ۱۷۰-----زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله -----*
- ۱۷۰-----زیارت اول: -----*
- ۱۷۱-----زیارت دوم: -----*
- ۱۷۱-----زیارت سوم: -----*
- ۱۷۲-----زیارت چهارم: -----*
- ۱۷۳-----زیارت پنجم: -----*
- ۱۷۶-----* زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راه دور -----*
- ۱۷۶-----زیارت اول: -----*
- ۱۷۷-----زیارت دوم: -----*
- ۱۷۷-----زیارت سوم: -----*
- ۱۸۱-----• دعا در روضه شریفه -----*
- ۱۸۲-----* خواندن نماز در جایگاه نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله -----*
- ۱۸۳-----• خواندن نماز و دعا نزد ستون ابولبابه -----*
- ۱۸۴-----• روزه گرفتن برای برآورده شدن حوائج به مدت سه روز -----*
- ۱۸۴-----• زیارت حضرت صدیقۀ طاهره، فاطمۀ زهرا علیها السلام -----*
- ۱۸۵-----زیارت اول: -----*
- ۱۸۶-----زیارت دوم: -----*

- زیارت سوّم:----- ۱۸۷
- * بقیه مستحبات مسجد النبی ﷺ ----- ۱۸۹
- نماز و دعا در مقام جبرئیل ----- ۱۸۹
- اعتکاف در مسجد النبی ﷺ ----- ۱۹۰
- زیارت ائمه بقیع علیهم السلام ----- ۱۹۱
- زیارت فاطمه بنت اسد ----- ۱۹۲
- زیارت ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ ----- ۱۹۳
- * مساجد و مشاهد مشرفه اطراف مدینه منوره ----- ۱۹۵
- مسجد قبا ----- ۱۹۵
- مسجد فضیخ ----- ۱۹۵
- مشربۀ أم ابراهیم ----- ۱۹۶
- مساجد أحد ----- ۱۹۶
- * زیارت انصار رسول الله ﷺ ----- ۱۹۸
- * وداع پیامبر اکرم ﷺ ----- ۱۹۹
- * وداع با ائمه بقیع علیهم السلام ----- ۲۰۰

✽ فهرست آثار علمی حضرت ایت الله العظمی کریمی جهرمی رحمته الله ۲۰۳

- الف) فقه ----- ۲۰۳
- ب) تفسیر و معارف قرآن کریم ----- ۲۰۴
- ج) شرح حدیث و دعا ----- ۲۰۴
- د) سیره اهل بیت علیهم السلام ----- ۲۰۵
- ه) مهدویت ----- ۲۰۶
- و) تراجم و سیره علما ----- ۲۰۷
- ز) اخلاق و معارف دین ----- ۲۰۷



❖ اقسام حجّ

حجّ دوگونه است: واجب و مستحب، و حجّ واجب نیز سه قسم است:

* **اَوَّل:** حجّة الاسلام؛ و آن حجّی است که بر هر شخص

دارای شرایط استطاعت، یک بار در طول عمر شرعاً

واجب است.

* **دوّم:** حجّی که با نذر و عهد و قسم واجب شود.

* **سوم:** حجّی که با اجیر شدن واجب شود.

و در غیر موارد مذکور، حجّ مستحب است.

❖ وجوب حجّة الاسلام

حجّ از ارکان دین اسلام است و وجوب آن بر کسی که شرایط

استطاعت را داشته باشد، از ضروریات بین مسلمانان است و در

قرآن کریم نیز به آن تصریح شده است و انکارش موجب کفر است.

ترک حجّ اگر به جهت سبک شمردن آن باشد، به منزله کفر، و

در صورتی که ترک آن، به جهت سبک شمردن حجّ نباشد، از گناهان

کبیره محسوب می شود.

مسئله ۱. حجّ در تمام عمر، شرعاً یک بار واجب است و بیش از

یک بار، اگرچه شخص متمکن باشد، وجوب عینی ندارد.

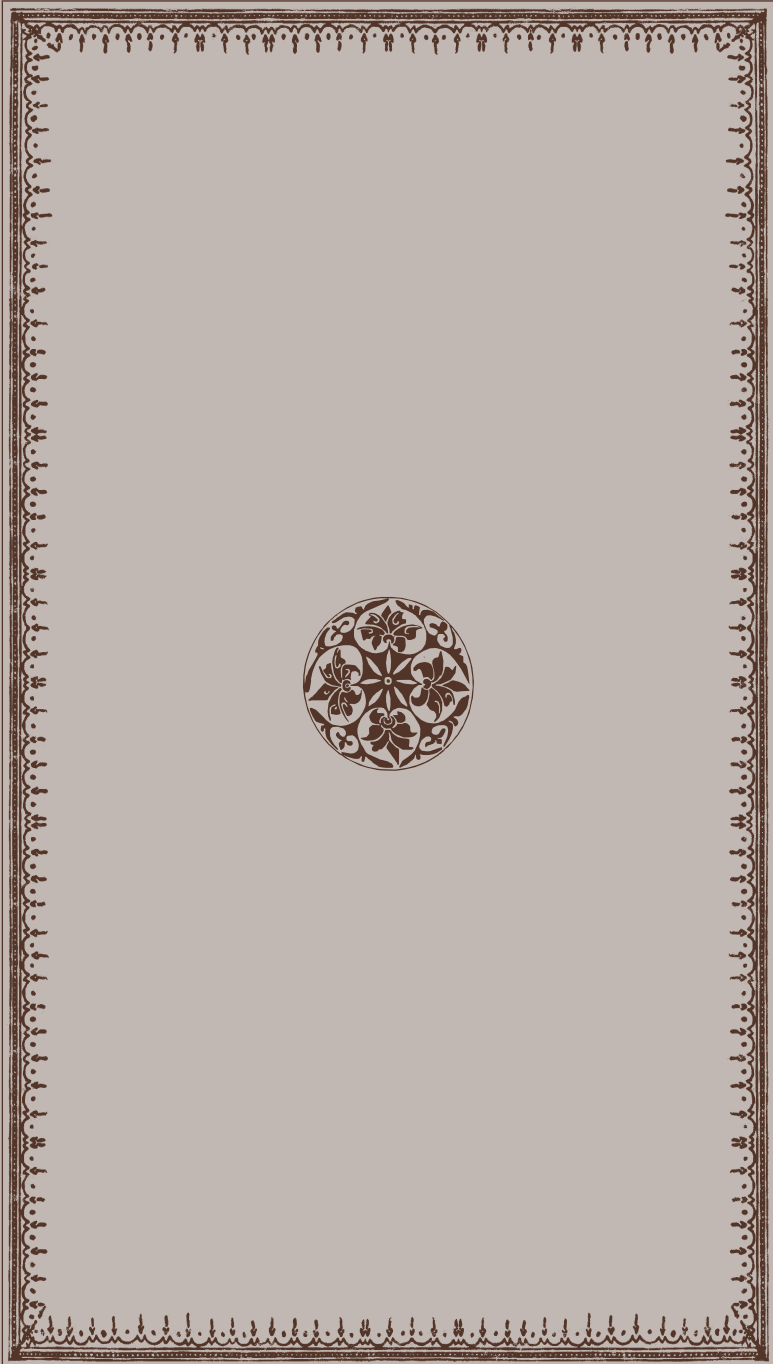
مسئله ۲. اگر مکه مکرمه خالی از حاجی بماند، بر هر شخص مکلف متمکن، بنا بر احتیاط واجب، رفتن به حجّ و جوب کفایی دارد، اگرچه قبلاً نیز به حجّ رفته باشد.

مسئله ۳. وجوب حجّ برای واجدین شرایط، فوری است و به تأخیر انداختن آن، از همان اولین سال استطاعت حرام است، و از گناهان کبیره به شمار می‌آید و در صورت نافرمانی و ترک آن در سال اول استطاعت، در سال دوم نیز وجوب فوری دارد و ترک آن مانند سال اول، گناه کبیره است و حکم آن نسبت به سال‌های بعد تا آخر عمر نیز چنین است.

مسئله ۴. بر شخص مستطیع واجب است که مقدمات سفر از قبیل: ثبت نام، گرفتن گذرنامه، تعیین کاروان، گرفتن بلیط هواپیما، و دیگر لوازم سفر را به موقع و هرچه زودتر فراهم سازد، به طوری که عرفاً در تهیه مقدمات حجّ، سهل‌انگار شمرده نشود تا بتواند حجّ را در موقع خود انجام دهد.

ف م ل اول

شرایط وجوب حجۃ الاسلام



مسئله ۵. وجوب حجّ بر انسان متوقف بر تحقق چهار شرط است و بدون وجود تمامی آنها، حجّ واجب نیست. این شرایط عبارتند از: عقل، بلوغ، حریت و استطاعت.

❖ شرط اول: بلوغ

مسئله ۶. اگر شخص کودک باشد و مراحل قبل از بلوغ را می‌گذراند، هرچند دوران تازۀ جوانی و نزدیک بلوغ او باشد، حجّ بر او واجب نیست، اگرچه همه شرایط دیگر را داشته باشد.

مسئله ۷. مستحب است ولیّ طفل غیر ممیّز، او را مُحرم نماید، و بنابراین ولیّ دو جامه احرام را بر او بپوشاند و او را امر به گفتن لبیک بنماید و اگر نتوانست بگوید، خود به نیابت از او تلبیه بگوید و او را از محرّمات احرام دور بدارد و او را به عرفات و مشعر ببرد و به همین منوال اعمال را به پایان برساند. و مشهور میان اصحاب آن است که در این مسئله فرقی میان دختر و پسر نیست.

❖ شرط دوم: عقل

مسئله ۸. حج بر دیوانه واجب نیست، مگر اینکه جنون او دوره به دوره باشد و دوران عاقل بودن او به اندازه‌ای باشد که بتواند مناسک حج را به جا آورد، که در این صورت اگر سایر شرایط مانند استطاعت هم موجود باشد، باید حج را انجام دهد.

❖ شرط سوم: حریت

مسئله ۹. حج و عمره بر مملوک واجب نیست، هر چند مالک به او اجازه داده باشد و امکانات لازم را هم برای او فراهم کرده باشد. البته در این صورت، حج او صحیح است، ولی کفایت از حجّه الاسلام نمی‌کند؛ پس اگر زمانی آزاد شد و استطاعت داشت، باید حج دیگری به عنوان حجّه الاسلام به جا آورد.

❖ شرط چهارم: استطاعت

مسئله ۱۰. در تحقق استطاعت چند چیز معتبر است که عبارتند از: استطاعت مالی، داشتن وقت کافی، توانایی بدنی، بازبودن راه و امنیت طریق حج‌کننده و رجوع به کفایت.

❖ اول: استطاعت مالی

مسئله ۱۱. «استطاعت مالی» یعنی داشتن وسایل سفراعلم از مواد خوراکی و مرکب و غیر اینها، یا داشتن پول یا مالی که تأمین‌کننده این نیازها و وسایل و غیر اینها باشد.

❖ دوم: داشتن وقت کافی

مسئله ۱۲. «داشتن وقت کافی» یعنی وقت لازم برای رفتن به مکه و انجام

مناسک عمره و حجّ داشته باشد. بنابراین اگر در زمانی قدرت مالی پیدا کند که وقت کافی برای رفتن به مکه و انجام اعمال نداشته باشد، حجّ براو واجب نیست.

مسئله ۱۳. اگر از نظر وقت در شرایطی باشد که رفتن به حجّ و انجام اعمال با مشقت فراوان و زحمت زیاد، که به شکل عادی قابل تحمل نیست، امکان پذیر باشد، در این صورت نیز حجّ واجب نیست.

❖ سوّم: توانایی بدنی

مسئله ۱۴. داشتن «توانایی بدنی» یعنی بیمار، دردمند و ناتوان نباشد و بتواند به حجّ برود و اعمال را انجام دهد و بازگردد.

مسئله ۱۵. اگر از سال‌های قبل، حجّ بر کسی مستقر شد و در انجام آن کوتاهی نمود تا اینکه بیمار شد و از سفر و اعمال حجّ، ناتوان گردید، در این صورت واجب است نایب بگیرد.

❖ چهارم: بازبودن راه و امنیت طریق حجّ کننده

مسئله ۱۶. باید مسیر حجّ کننده در رفت و برگشت، خالی از موانع، مانند خطر مالی و جانی و آبرویی، باشد.

مسئله ۱۷. اگر در مسیر حجّ، چه در رفتن و چه در برگشتن، خطری نباشد و لکن در خود مکه یا در هنگام انجام اعمال حجّ، امنیت نبود و خطر او را تهدید می‌کرد، این هم مانند عدم امنیت در طریق است و با آن یک حکم دارد.

❖ پنجم: رجوع به کفایت

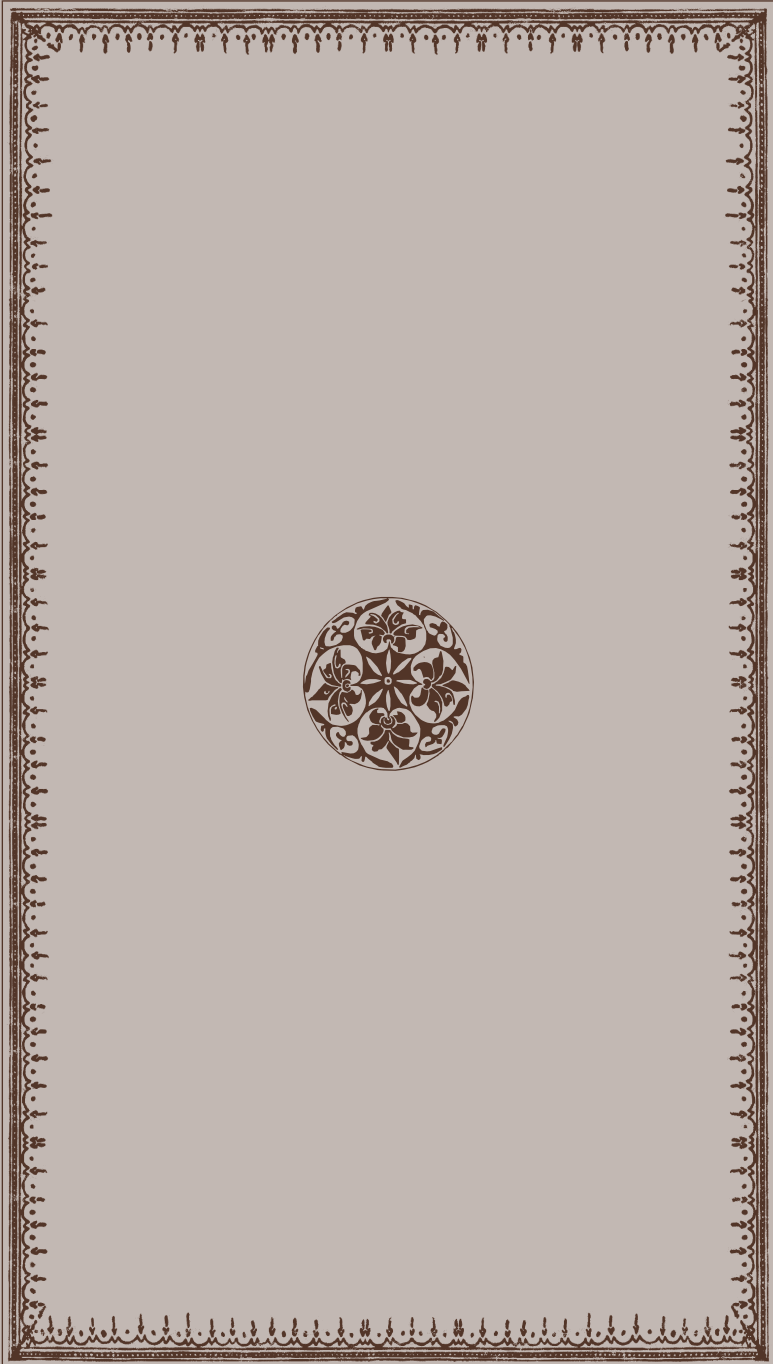
مسئله ۱۸. «رجوع به کفایت» یعنی زمانی حجّ واجب می‌شود که پس از انجام اعمال حجّ که به وطن خود برمی‌گردد با مالی که دارد یا با ادامه

دادن به کار و کسبی که داشته، اکنون هم بتواند هزینه زندگی خود و عائله اش را به نحو مناسب تأمین کند و اگر چنین نباشد استطاعت حاصل نیست.

مسئله ۱۹. زنی که استطاعت دارد و نگرانی و ترس عدم امنیت نداشته باشد، اجازه شوهر برای انجام حج واجب او شرط نیست، چنانکه برای مرد جایز نیست که همسر خود را از حج واجب او منع نماید.

فصل دوم

تتمتہ عمرہ



مسئله ۲۰. عمره تمتع از پنج عمل تشکیل می شود که. این پنج عمل عبارتند از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر.

❖ ۱- احرام

مسائل و احکام آن در خلال سه گفتار ارائه می شود.

❖ گفتار اول: میقات

مسئله ۲۱. «میقات» یعنی جایگاه احرام؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایات شش موضع را به عنوان میقات تعیین فرموده اند. (البته چند میقات دیگر نیز در بعضی از کلمات آمده که چون محل ابتنال نیست، از ذکر آنها می گذریم)

❖ ۱) مکان احرام از طریق مدینه منوره

مسئله ۲۲. برای کسانی که از طریق مدینه منوره می آیند، مسجد شجره . که «ذوالحلیفه» نامیده می شود. میقات است و بنا بر احتیاط واجب از داخل مسجد، مُحرم شوند.

❖ ۲) مکان احرام از طریق عراق و نجد

مسئله ۲۳. برای کسانی که از طریق عراق و نجد به مکه می آیند، وادی عقیق (با فاصله تقریبی یک صد کیلومتر به مکه) میقات است؛ ابتدای آن از طرف عراق، «مسلخ» و وسط آن، «غمره» و آخر آن، «ذات عِزْق» نامیده می شود.

❖ (۳) مکان احرام از طریق طائف

مسئله ۲۴. برای کسانی که از طریق طائف به مکه می آیند، «قَرْنُ الْمَنَازِل» میقات است، و فاصله آن تا مکه حدود ۹۴ کیلومتر می باشد.

❖ (۴) مکان احرام از طریق یمن

مسئله ۲۵. برای کسانی که از طریق یمن به مکه می آیند، «يَلْمَلَمَ» . که کوهی از کوه های تهامه می باشد. میقات است، و فاصله آن تا مکه حدود ۸۴ کیلومتر است.

❖ (۵) مکان احرام از طریق شام و مصر

مسئله ۲۶. برای کسانی که از طریق شام و مصر به مکه می آیند، «جُحْفَه» (با فاصله حدود ۱۵۶ کیلومتر تا مکه) میقات است. و نیز افرادی که از راه های دیگر آمده، ولی به میقاتی برخورد نکرده اند و افرادی که از میقاتی بدون احرام عبور نموده اند و قادر به بازگشت به آن نیستند، احرام از جحفه بر آنان متعین می شود.

❖ (۶) مکان احرام کسانی که از یکی از مواقیت و یا مُحَاضِی نزدیک آنها عبور نکرده اند

مسئله ۲۷. برای کسانی که در راه مکه از یکی از مواقیت و یا محاذی نزدیک آنها عبور نکرده اند و نمی توانند به مواقیت دیگر بروند، «أَدْنَى الْحِلِّ»، که حدود حرم می باشد، میقات است.

❖ احکام میقات

مسئله ۲۸. همان گونه که نمی توان پیش از میقات، مُحْرَم شد، همچنین تأخیر انداختن احرام از میقات جایز نیست. بنابراین برای

کسی که اراده حج یا عمره دارد، جایز نیست که در حال اختیار، از میقات بدون احرام بگذرد.
مسئله ۲۹. اگر کسی غیر عمد، بدون احرام از میقات عبور نماید:

❖ الف) هنوز وارد حرم نشده است؛

اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم وجوب احرام و یا نشناختن میقات، بدون احرام از میقات عبور کرد و یا اینکه در هنگام عبور از میقات، قصد وارد شدن به مکه را نداشته و سپس تصمیم به انجام حج و یا تشرّف به مکه را گرفته، در همه این موارد واجب است در صورت توانستن، به میقات قبلی بازگردد و آنجا مُحرم شود، اگرچه در مسیر خود از میقات دیگری نیز عبور می‌کند، و اگر نمی‌تواند، از میقات بعدی مُحرم شود، و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد، و اگر هیچ‌یک از این راه‌ها ممکن نیست، در همان محلّ، مُحرم گردد.

❖ ب) وارد حرم شده باشد؛

اگر کسی که در قسمت قبل ذکر شد، بدون احرام داخل حرم شده باشد، در صورت تمکن، واجب است به مقداری که ممکن است به میقات یا به طرف آن برگردد، وگرنه از حرم خارج شود و در ادنی‌الحلّ مُحرم گردد، و اگر این مقدار هم ممکن نباشد در همان محلّ، مُحرم گردد، و عمره او صحیح است.

مسئله ۳۰. کسی که احرام را عمدتاً ترک کرده و بازگشت او به میقات برای جبران احرام امکان دارد، به میقات قبلی برگردد و از آنجا مُحرم شود، اگرچه در مسیر خود از میقات دیگری نیز عبور می‌کند، و اگر نمی‌تواند، از میقات بعدی مُحرم شده و حج را به پایان رساند. و اگر بازگشت به میقات

ممکن نیست و میقات دیگری هم در پیش ندارد، اقوی بطلان عمره و حجّ اوست، اگرچه بنا بر احتیاط واجب از هر کجا ممکن است، مُحرم شود و اعمال حجّ را به جا آورد و سال بعد هم عمره و حجّ را قضا کند.

مسئله ۳۱. عبور از محاذاتِ میقات بدون احرام در مورد مسجد شجره جایز نیست، و اما در غیر مسجد شجره اگر بخواهد به میقات دیگری برود، عبور بدون احرام جایز است، ولی چنانچه به میقات دیگری برخورد نمی‌کند، نمی‌تواند از محاذات بدون احرام عبور کند.

مسئله ۳۲. اگر زن در میقاتِ مسجد شجره، عادت ماهانه شد، می‌تواند جهت احرام یکی از راه‌های ذیل را انتخاب نماید:

(۱) در صورت امکان، در حال عبور از مسجد مُحرم شود؛ یعنی از یک در وارد و از در دیگر خارج شود و در حال حرکت و عبور، تلبیه را بگوید.

(۲) با نذر، در مدینه یا قبل از رسیدن به میقات مُحرم شود.

(۳) در صورتی که با نذر، قبل از میقات مُحرم نشده و عبور از مسجد هم به خاطر بسته بودن درها ممکن نیست، می‌تواند در خارج از مسجد شجره، مُحرم شود.

* تذکره: مناسب است که بانوان قبل از حرکت از محل خود، اجازه نذر احرام قبل از میقات را از همسر خود دریافت کنند و یا بعداً با تلفن یا از هر طریقی که می‌توانند از همسر خود اجازه بگیرند.

مسئله ۳۳. افراد می‌توانند با نذر، در مدینه مُحرم شوند و در این صورت برای تجدید احرام و تکرار تلبیه، نیازی به ورود به مسجد شجره نیست.

مسئله ۳۴. اگر کسی نذر کند که پیش از رسیدن به میقات، مُحرم شود و مکان آن را تعیین نکند، که در نتیجه مخیر بین انتخاب مکان‌های مختلف باشد، نذر او صحیح نیست.

مسئله ۳۵. اگر نذر کرد که در مکان معینی قبل از میقات مُحرم شود ولی بعد به نذر خود عمل نکرد و از آن مکانِ معین، عمداً یا نسیاناً مُحرم نشد، بلکه از میقات مُحرم گردید، احرام او صحیح است. بله، در صورت تعمّد بر ترک عمل به نذر، کفارهٔ شکستن نذر بر او واجب است.

✽ گفتار دوم: واجبات احرام

مسئله ۳۶. واجبات احرام سه چیز است که عبارتند از: نیت، پوشیدن دو جامهٔ احرام و تلبیه.

✽ اول: نیت

مسئله ۳۷. «نیت» یعنی آنکه هنگام پوشیدن جامهٔ احرام و گفتن تلبیه، قصد کند که: احرام می‌بندم برای عمرهٔ تمتع حجة الاسلام به جهت اطاعت از فرمان خدای تعالی. با توجه به اینکه عمره، عملی است که افعال و تروکی را در بر دارد، قصد تفصیلی ترک هریک از محرمات و انجام هر واجبی از واجبات آن، لازم نیست.

✽ دوم: پوشیدن دو جامهٔ احرام

مسئله ۳۸. نحوهٔ پوشیدن آن بدین‌گونه است که یکی از آن دو، مانند لنگ از ناف تا زانو را بپوشاند و دیگری مانند عبا به دوش انداخته شود، و حداقل دو کتف را بپوشاند.

مسئله ۳۹. مقدار واجب در جامهٔ احرام، دو جامه است ولی پوشیدن بیش از دو جامه در اوّل احرام یا بعد از آن مانعی ندارد.

مسئله ۴۰. شرط است که دو جامهٔ احرام او مخیط (یعنی دوخته) نباشد.

مسئله ۴۱. برای مردان واجب است در حال انعقاد احرام، لباس‌های دوخته و حتی لباس‌های زیر را از تن خود خارج کنند.

مسئله ۴۲. بهتر و احوط این است که زن‌ها نیز در حال انعقاد احرام، دو جامهٔ احرام دوخته نشده بپوشند، اگرچه خارج کردن لباس دوخته‌ای که بر تنشان بوده، بر آنها واجب نیست.

مسئله ۴۳. باید جامه‌ای که از ناف تا زانو را می‌پوشاند، به قدری نازک نباشد که پوست بدن نمایان باشد و اما در جامه‌ای که به دوش انداخته می‌شود، این مطلب، شرط نیست هر چند مطابق احتیاط است.

مسئله ۴۴. سنجاق زدن و گره زدن حولهٔ احرام، و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقهٔ پیراهن درآید، جایز نیست؛ البته قرار دادن سنگ کوچک در جامهٔ احرام برای آنکه آن را سنگین کرده و ردا را حفظ نماید، مانعی ندارد.

مسئله ۴۵. نباید پارچهٔ احرام را چاک داده و مانند پیراهن پوشید.

مسئله ۴۶. باید لباس احرام لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد و آنچه در لباس نمازگزار شرط است، در دو جامهٔ احرام نیز شرط است.

مسئله ۴۷. اگر لباس احرام در بعضی از حالات احرام نجس شود، احوط آن است که آن را عوض کند یا تطهیر نماید. بلکه احوط آن است که اگر بدنِ مُحْرَم، نجس شود، آن را تطهیر کند.

مسئله ۴۸. بر زنان جایز است پس از انعقاد احرام، دو جامهٔ احرام را کنار بگذارند.

مسئله ۴۹. هرگاه پوشیدن لباس احرام را فراموش نماید و پیش از آنکه مشغول طواف شود یادش بیاید، احوط آن است که به میقات برگردد و لباس احرام را بپوشد و تلبیه را هم رجائاً بگوید، و اگر برگشتن به میقات ممکن نباشد هر مقدار ممکن است برگردد و در آنجا بپوشد، و اگر برگشتن اصلاً ممکن نشود هر جا یادش آمد، همان جا لباس احرام را بپوشد و تلبیه را هم رجائاً بگوید و اگر در صورتِ تواستن، برنگشت و

همان جا که یادش آمد لباس احرام پوشید، احرام او علی الظاهر صحیح است اگرچه خلاف احتیاط است.

❁ سَوْم: تلبیه

مسئله ۵۰. از واجبات احرام، ذکر تلبیه است یعنی گفتن لبیک‌های چهارگانه، و صورت آن این است: «لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک» و بنابر احتیاط واجب این جمله را نیز ضمیمه کند: «إن الحمد و التعمه لک و الملک، لا شریک لک».

تذکر: جملات دیگری در این رابطه و در موضوع اذکار تلبیه نقل شده که مشتمل بر لبیک‌های متعدد و فراوان است و مستحب و شایسته است که مُحرم آنها را نیز بخواند و از مزایا و ثواب آن بهرمنند شود و حجاج عزیز و گرامی می‌توانند آنها را در کتب مربوطه مانند کتاب کافی و تهذیب و وسائل الشیعه و نیز در بعضی از مناسک‌ها ببینند و بخوانند.

مسئله ۵۱. گفتن لبیک‌های چهارگانه اگر صحیح انجام شود، بیش از یک بار واجب نیست، هرچند مکرر گفتن آن، استحباب دارد.

مسئله ۵۲. بر مکلف واجب است الفاظ و عبارات تلبیه را به‌طور صحیح یاد بگیرد و به‌نحو صحیح ادا نماید، همان‌گونه که صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب است.

مسئله ۵۳. کسی که از یادگیری الفاظ تلبیه به‌نحو صحیح، ناتوان است، باید با تلقین شخص دیگری آن را صحیح ادا کند؛ یعنی آن دیگری، کلمه به کلمه بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد، دنبال او به‌طور صحیح ادا کند. و اگر تلقین ممکن نشد، به هر شکلی که می‌تواند بخواند و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و احتیاط کردن به اینکه نائب هم بگیرد که از طرف او به‌طور صحیح بخواند، به‌جاست.

مسئله ۵۴. شخص لال برای گفتن تلبیه، باید با انگشت اشاره کند و زبان خود را هم حرکت دهد، و بهتر آن است که نائبی هم بگیرد که از طرف او تلبیه بگوید.

مسئله ۵۵. ذکر شد که یک بار گفتن تلبیه، واجب احرام است و نیز گذشت که بعد از این، تکرار تلبیه، مستحب است و اکنون اضافه می‌کنیم که استحباب تکرار، تا دیدن خانه‌های مکه است و بعد از آن، استحباب ندارد.

✽ گفتار سوم: محرمات احرام

محرمات احرام، اعمالی هستند که بر محرم واجب است آنها را ترک نماید. ✽ تذکر: بعضی از محرمات احرام، ذاتاً حرام می‌باشند، اگرچه شخص محرم نباشد، مانند استمنا و نگاه با لذت به نامحرم و فسوق، و با محرم شدن حرمت آنها شدت می‌یابد و احیاناً انجام آنها موجب کفاره می‌شود و اگر گفته می‌شود حج‌کننده پس از تقصیر، از احرام بیرون می‌آید و محرمات احرام بر او حلال می‌شود، حلیت از جهت احرام است اگرچه حرمت قبل از احرام به حال خود باقی است و بعضی از محرمات احرام، فقط در حال احرام، حرام است و در غیر حال احرام، هیچ‌گونه حرمتی ندارند، مانند نگاه کردن در آینه و استعمال عطریات و پوشیدن لباس برای مردها و سرمه کشیدن.

✽ الف: محرمات مشترک بین مردان و زنان

✽ (۱) شکار

مسئله ۵۶. صید حیوان صحرائی و نگهداری آن و کشتن و خوردن گوشت آن و هرنوع راهنمایی و همراهی در صید آن حرام است، چه

حلال گوشت و چه حرام گوشت، پرنده یا غیر پرنده؛ البته دَرندگانِ که مُحرّم بترسد به او ضرر برسانند یا پرندگان دزنده‌ای که به کبوتران حرم آزار برسانند، از این حکم مستثنا هستند.

مسئله ۵۷. اگر کسی در حال احرام، حیوانی را صید یا ذبح کند، حکم مردار را دارد و خوردن گوشت آن، بر صیدکننده و دیگران حرام و نیز نماز خواندن در پوست آن باطل است.

مسئله ۵۸. صید و کشتن حیوانات دریایی و نیز ذبح حیواناتی که اهلی هستند، مثل مرغ و گاو و گوسفند جایز است، اگرچه بعداً وحشی شده باشند.

❖ (۲) هرگونه استمتاع و لذت جنسی بردن از بانوان

مسئله ۵۹. استمتاع از زن اگرچه همسر خود او باشد، بر مُحرّم حرام است، بنابراین نزدیکی و بوسیدن و لمس و نگاه با شهوت به زن حرام است، ولی نگاه و لمس و مانند اینها بدون شهوت اشکال ندارد، و برای زنان نیز همین حکم نسبت به مردان صادق است، اگرچه از محارم زن باشند.

❖ (۳) عقد کردن

مسئله ۶۰. خواندن عقد نکاح برای مُحرّم جایز نیست، چه عقد دائم باشد و چه موقت، چه برای خودش عقد را بخواند و چه برای غیر، چه آن غیر، مُحرّم باشد و چه مُحل، حتی اجرای عقد فضولی و یا با وکالت نیز جایز نیست.

❖ (۴) شاهد عقد نکاح شدن

مسئله ۶۱. شاهد شدن برای عقد نکاح، اگرچه عقد برای شخص مُحل باشد.

❖ (۵) استمنا

مسئله ۶۲. «استمنا» یعنی انجام کاری که موجب خروج منی از انسان شود به هر نحوی که باشد، هرچند با تخیلات شهوت‌انگیز باشد، بر مُحرّم حرام است.

❖ (۶) استعمال بوی خوش

مسئله ۶۳. هرگونه استعمال بوی خوش حرام است، و این حکم شامل انواع عطریات و گلاب و حتی زعفران و کافور و عود و هل و زنجبیل نیز می‌شود، و تفاوتی در این جهت نیست که استفاده از مواد خوشبو به وسیله خوردن و یا آشامیدن و یا معطر کردن لباس و بخور دادن و یا روغن مالی با مواد خوشبو باشد.

مسئله ۶۴. اگر مُحرّم مجبور به استفاده از شیء خوشبو گردد، باید بینی خود را گرفته و از آن استفاده نماید.

مسئله ۶۵. اگر مُحرّم می‌خواهد از بازار عطرفروشان عبور کند و یا در مغازه عطّار بنشیند و یا از او عطربخرد، باید بینی خود را بگیرد.

مسئله ۶۶. اگر مُحرّم می‌خواهد در مغازه عطّار بنشیند و یا از او عطربخرد، باید بینی خود را بگیرد.

مسئله ۶۷. اگر عطرو امثال آن به لباس مُحرّم بریزد، لازم است فوراً آن را با شستن و امثال آن از بین ببرد.

مسئله ۶۸. خوردن سیب و گلابی و میوه‌جاتی که بوی خوش دارند، اشکال ندارد؛ بلکه، البته خودداری از بوییدن آنها نهایت احتیاط است.

مسئله ۶۹. احتیاط واجب آن است که به طور کلی مُحرّم از سبزیجات خوشبو مثل ریحان و نعناع استفاده ننماید.

مسئله ۷۰. مُحرّم در هنگام برخورد با بوهای بد نباید بینی خود را بگیرد.

❖ (۷) سرمه سیاه کشیدن

مسئله ۷۱. سرمه سیاه کشیدن در صورتی که برای چشم‌ها زینت محسوب شود، اگرچه مُحرم قصد زینت هم نداشته باشد حرام است، بلکه بنا بر احتیاط باید از هر سرمه‌ای که برای زینت است، هرچند سیاه نباشد، خودداری شود.

❖ (۸) نگاه کردن در آینه

مسئله ۷۲. نگاه کردن در آینه برای زینت کردن و آرایش جایز نیست و مستحب است پس از نگاه کردن، تلبیه را تجدید نماید.

مسئله ۷۳. اگر نگاه کردن در آینه برای زینت نباشد مثلاً ضرورت آن را ایجاب کرده، مانند نگاه راننده در آینه برای اینکه دو طرف خود یا پشت سر خود را ببیند، اشکال ندارد.

مسئله ۷۴. نگاه در آب صاف یا جسمی که صیقل داده شده، اگر به قصد زینت و تزیین باشد، جایز نیست.

مسئله ۷۵. استفاده از عینک تزیینی جایز نمی‌باشد.

❖ (۹) فسوق

مسئله ۷۶. «فسوق» یعنی هرگونه کذب و فحش دادن به دیگران بر مُحرم حرام است و نیز فخر فروشی کردن و اظهار فضل برای خود و سلب آن از دیگران و اثبات رذائل برای دیگران و سلب آن از خود و همچنین گفتن جمله‌ها و واژه‌های زشت و زننده برای مُحرم حرام است.

مسئله ۷۷. در حرام بودن فسوق بر مُحرم فرقی نیست که احرام او برای حج یا عمره تمتع یا عمره مفرده باشد.

❖ (۱۰) جدال

مسئله ۷۸. «جدال» یعنی گفتن «بلی و الله» و یا «نه و الله» و نیز مرادف آن در هر لغتی مانند «نه، به خدا قسم در فارسی» از محرمات احرام است و بنابراین احتیاط واجب حتی در مواردی که خصومتی هم در بین نباشد، بر مُحرم حرام است.

مسئله ۷۹. بنابراین احتیاط واجب مُحرم می بایست از هرگونه قسم خوردن به هر لفظ و اسمی از اسم های خداوند، مانند رحمان و رحیم و خالق السماوات، پرهیزد.

مسئله ۸۰. قسم خوردن به خداوند، هنگام ضرورت مثلاً برای اثبات حق یا دفع باطل و یا برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مؤمن جایز است.

❖ (۱۱) کشتن جانوری که در بدن به وجود می آید

مسئله ۸۱. کشتن جانوری که در بدن به وجود می آید مثل شپش، بر مُحرم حرام است، و فرقی نمی کند که مُحرم خودش آن حشره را بکشد، هرچند با حشره کش باشد، و یا به نحوی سبب قتل آن را فراهم آورد، و همچنین انداختن آن از بدن به نحوی که در معرض نابودی قرار گیرد، جایز نیست.

مسئله ۸۲. کشتن کک و پشه برای دفاع از خود جایز است، اگرچه احتیاط مستحب پرهیز است، به ویژه در حرم.

مسئله ۸۳. کشتن حشراتی که در بدن انسان به وجود نمی آیند مانند کنه، مانعی ندارد، و همچنین دور کردن آنها از بدن جایز است.

❖ (۱۲) انگشتر به دست کردن برای زینت

مسئله ۸۴. به دست کردن انگشتر برای زینت حرام است، ولی استفاده از انگشتر عقیق و فیروزه و ... به قصد استحباب شرعی مانعی ندارد، و احتیاط واجب آن است که مُحرم از هرچه زینت محسوب می شود

مطلقاً پرهیزد، و نیز احتیاط مستحب آن است که در حال احرام از هر چیزی که منافات با سادگی دارد، پرهیزد.

مسئله ۸۵. بنا بر احتیاط واجب، حنا بستن اگر زینت شمرده شود، برای مُحرّم جایز نیست هر چند قصد زینت نداشته باشد، و در صورتی که اثر حنا تا هنگام احرام باقی می ماند بهتر آن است که قبل از احرام نیز استعمال آن را ترک نماید.

❖ (۱۳) روغن مالی بدن

مسئله ۸۶. روغن مالی بدن هر چند با روغنی که بوی خوش نداشته باشد، برای مُحرّم حرام است، البته در حال ضرورت مانند درمان ترک خوردگی یا درمان های دیگر اشکالی ندارد.

❖ (۱۴) زایل کردن مواز بدن

مسئله ۸۷. زایل کردن مواز بدن خود و یا دیگری برای مُحرّم جز در حال ضرورت جایز نیست، خواه آن دیگری مُحرّم باشد یا نه.

مسئله ۸۸. اگر مُحرّم در حال ضرورت، از بدن خود ازاله مو کرد، هر چند جایز است ولی باید فدیّه بدهد. بله ازاله مواز بدن دیگری در حال ضرورت، فدیّه ندارد.

مسئله ۸۹. خاراندن سر در صورتی که علم دارد مونی ریزد، اگر مراقبت داشته باشد که مونی ریزد، اشکالی ندارد.

مسئله ۹۰. لیف زدن بدن در صورتی که انسان مطمئن باشد مونی ریزد، اشکال ندارد.

مسئله ۹۱. اگر در هنگام وضو یا غسل، آب رساندن به پوست به نحو متعارف انجام شود و بدون قصد، از بدن مونی ریزد، اشکالی ندارد، و در صورتی که برای رساندن آب به بشره، بیش از اندازه دست بکشد و گمان

ریزش مو وجود داشته باشد، حکم به جواز مشکل است، و در صورت ریزش مو، احتیاط آن است که دو کف (مُشت) طعام، کفاره بپردازد.

❖ (۱۵) بیرون آوردن خون از بدن

مسئله ۹۲. مُحرم نباید به وسیله حجامت، خلال دندان، مسواک زدن، خاراندن بدن و ... خون از بدن خود بیرون آورد.

مسئله ۹۳. اگر مُحرم ناچار به انجام کارهایی مانند نیشتر زدن و یا فشردن دمل و یا بعض جراحی‌ها باشد، جایز است. و کفاره بیرون آوردن خون از بدن، بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

❖ (۱۶) ناخن گرفتن

مسئله ۹۴. ناخن گرفتن اگرچه مقداری از یک ناخن باشد، بر مُحرم حرام است؛ البته اگر موجب اذیت است مثل آنکه قسمتی از ناخن شکسته باشد و یا درمان جراحی با کشیدن ناخن میسر باشد، گرفتن ناخن و کشیدن آن جایز است ولی کفاره دارد.

مسئله ۹۵. مُحرم می‌تواند ناخن شخص غیر مُحرم را بگیرد و اشکال ندارد.

❖ (۱۷) مسلح شدن به اسلحه

مسئله ۹۶. مسلح شدن به اسلحه گرم مثل هفت تیر، مسلسل، نارنجک و ... و اسلحه سرد مثل خنجر، شمشیر و ... جایز نیست. البته همراه داشتن چاقوی کوچک که معمولاً مورد نیاز است، جایز است.

❖ (۱۸) کندن گیاه حرم

مسئله ۹۷. کندن گیاه حرم و قطع آن حرام است، و گیاه اذخرو درخت خرما و سایر میوه‌جات و گیاهانی که خود شخص آن را غرس کرده است

و یا در ملک او پس از آنکه ملک او شده روییده است، از این حکم استثنا شده است.

❖ (۱۹) کندن دندان

مسئله ۹۸. کندن دندان در صورتی که خون بیاید، بر مُحرم حرام است، ولی در حال اضطرار جایز است، و لکن بنا بر احتیاط واجب کفّاره دارد.

❖ ب: محرمات مخصوص مردان

❖ (۱) پوشیدن لباس دوخته

مسئله ۹۹. پوشیدن لباس دوخته برای مردان حرام است، مگر در حال ضرورت که جایز است، ولی باید کفّاره بدهد.

مسئله ۱۰۰. استفاده از همیان و کمر بند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند و نیز فتق بند برای مُحرم اشکال ندارد.

❖ (۲) پوشاندن سروگوش‌ها

مسئله ۱۰۱. پوشاندن سروگوش‌ها برای مردان حرام است، و پوشاندن صورت برای آنان اشکالی ندارد؛ در این حکم تفاوتی بین پوشاندن تمام یا قسمتی از سرنیست، و تفاوتی بین پوشاندن سر با پارچه یا حنا، گِل گذاشتن، بار بر روی سرو یا روی دوش گذاشتن به طوری که قسمتی از سر را بپوشاند، و یا ارتماس در آب و امثال آن نمی‌باشد.

مسئله ۱۰۲. بنا بر احتیاط مستحب نباید با دست، سر را بپوشاند. البته مسح سر با دست در هنگام وضویا دست کشیدن به سر، هنگام غسل اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۳. برای مُحرم، رفتن زیر دوش و سر گذاشتن بر روی بالش، اگرچه قسمتی از سر را بپوشاند جایز است.

مسئله ۱۰۴. اگر از روی فراموشی سر را بپوشاند، اشکالی ندارد، ولی تا متوجه شد، واجب است فوراً و بدون تأخیر پوشش را از روی سر بردارد.

❖ (۳) سایه بر سر قرار دادن

مسئله ۱۰۵. تظلیل (سایه بر سر قرار دادن) در روز برای مردانِ مُحَرَّم در حال سیر جایز نیست؛ بنابراین مرد مُحَرَّم نباید از ماشین سقف دار و یا چتر و مانند آن در حال رفتن استفاده نماید.

مسئله ۱۰۶. ظاهراً استظلال، در شب صدق نمی کند و بنابراین نشستن در ماشین سقف دار در شب اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۷. زیر سایه رفتن در محلی که شخص منزل کرده است مانعی ندارد، اگرچه برای کارهایش رفت و آمد نماید؛ بنابراین پس از منزل کردن در مگه و عرفات و منا، تردد با چتر جایز است.

مسئله ۱۰۸. اگر مُحَرَّم به خاطر نبودن ماشین بی سقف، و یا وجود سرما و گرمای شدید، و یا ریزش باران و باد شدید، و یا کسالت، مجبور به استفاده از ماشین مسقف باشد، باید به همین صورت به حج برود، لکن واجب است کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۹. راننده و کارمند کاروان که برای محافظت از زنان ناچار به همراهی با آنهاست، جایز است از ماشین سرپوشیده استفاده کند، ولی باید کفاره بدهد.

مسئله ۱۱۰. برای تظلیل در احرام واحد یک فدیة کافی است اگرچه تظلیل متعدد باشد، و احتیاط آن است که برای تظلیل، در صورت توانایی مالی، در هر روز یک فدیة بدهد.

❖ (۴) پوشاندن روی پا

مسئله ۱۱۱. پوشیدن کفش و جوراب و چکمه و پوتین و مانند آن، که تمام

روی پا را می پوشانند، برای مردان جایز نیست، ولی برای زنان مانعی ندارد. مسئله ۱۱۲. پوشیده شدن روی پا در هنگام راه رفتن و نشستن و خوابیدن به وسیله حوله احرام و یا ملافه و روانداز، در هنگام خواب اشکال ندارد.

❁ ج: محرمات مخصوص بانوان

❁ (۱) پوشاندن صورت

مسئله ۱۱۳. برای زن ها در حال احرام، پوشاندن صورت اگرچه قسمتی از آن باشد با پارچه و امثال آن، که متصل به صورت می گردد حتی در وقت خوابیدن حرام است.

مسئله ۱۱۴. زنان در حال احرام به جهت حفظ از نامحرم می توانند چادر و یا مقنعه خود را تا مقابل چانه پایین آورند، ولی باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارند.

مسئله ۱۱۵. برای زنِ مُحْرَم در موقع نماز جایز است که مقداری از صورت را بپوشاند تا یقین کند مقداری را که پوشاندن آن در نماز واجب است پوشانده است، اما پس از نماز باید بلافاصله آن مقدارِ صورت را باز نماید.

مسئله ۱۱۶. برای زن هایی که مُحْرَمند، جایز است موقع خوابیدن صورت را روی بالش بگذارند اگرچه تمام صورت پوشانده شود، ولی نباید چیزی روی صورت بیندازند.

❁ (۲) استفاده از زینت آلات برای بانوان

مسئله ۱۱۷. استفاده از زیورآلات به قصد زینت برای زن حرام است، و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب شود، احتیاطاً واجب ترک آن است.

مسئله ۱۱۸. زیورهایی را که قبل از احرام، عادت به استفاده از آن داشته، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد، به شرط آنکه حتی به همسرو یا معارم دیگر خود نیز، در غیر موارد ضرورت، نشان ندهد.

❁ ۳) تزئین لباس بانوان

مسئله ۱۱۹. تزئین لباس مثل گلدوزی و نواردوزی و شماره‌دوزی و توردوزی و ... برای لباس احرام بانوان جایز نیست.
مسئله ۱۲۰. پوشیدن لباسی که قسمت‌هایی از آن برای تزئین، توردوزی می‌شود، اگرزینت محسوب شود جایز نیست.

❁ احکام محرمات احرام

مسئله ۱۲۱. خوابیدن زیر پتویا لحاف دوخته، به خاطر ایمنی از سرما در حال احرام، اگر آن را طوری به خود نپیچند که مثل لباس شود، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۲. اگر زن مُحرم صورت خود را با حوله به‌گونه‌ای خشک کند که صدق پوشاندن صورت نکند، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۳. زن‌ها در حال احرام برای پوشیدن و درآوردن مقنعه باید سعی کنند صورتشان پوشیده نشود و پوشیده شدن صورتشان از روی فراموشی یا جهل، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۴. چانه زن‌ها در حال احرام باید باز باشد؛ پس اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب‌ها بپوشاند، اشکال دارد، اما زیر چانه جزو صورت نیست.

مسئله ۱۲۵. اگر به خاطر وضو یا غیر آن، سر را با حوله به‌گونه‌ای خشک کنند که صدق پوشاندن سر نکند، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۶. اگر یکی از دو پای حج‌کننده مصنوعی باشد و برای راه

رفتن مجبور به بستن پا با چیز دوخته شده و نیز پوشیدن زیرشلوار و زیرپیراهن و جوراب و کفش معمولی باشد، برای پوشیدن مجموع جنس دوخته شده (یعنی برای بستن پا با چیز دوخته و پوشیدن زیرشلوار و زیرپیراهن) باید یک گوسفند کفّاره در احرام عمره و یک گوسفند کفّاره در احرام حجّ قربانی کند. پوشاندن روی پای مصنوعی جایز است و پوشیدن کفش و جوراب برای پای غیرمصنوعی در حال ضرورت، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۷. باز بودن روی پای خانم‌ها در حال احرام لازم نیست و می‌توانند جوراب بپوشند.

مسئله ۱۲۸. گرفتن اگر مُحرم ناخن غیر مُحرم را بگیرد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۹. پوشیدن لباسی که قسمت‌هایی از آن برای تزئین، توردوزی شده، اگر زینت محسوب شود، جایز نیست.

مسئله ۱۳۰. کشتن مارمولک و هزارپا و مورچه از محرمات احرام محسوب نمی‌شود.

مسئله ۱۳۱. اگر مُحرم به خودش آمپول تزریق کند، چنانچه موجب بیرون آمدن خون نشود، اشکال ندارد.

مسئله ۱۳۲. آمپول زدن مُحرم به دیگری - حتی با علم به بیرون آمدن خون - اشکالی ندارد.

مسئله ۱۳۳. در مسئله جواز استظلال در شب، بین الطلوعین هم حکم شب را دارد.

مسئله ۱۳۴. استظلال در روزهای ابری جایز نیست.

مسئله ۱۳۵. اگر مُحرم شبانه به سمت مکه حرکت کرد و هنگام نزدیکی طلوع آفتاب در ماشین مسقف به خواب رفت و پس از بیداری، ماشین را نگه داشتند، برای مدتی که در خواب بوده کفّاره واجب نیست ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده، اگرچه اضطراراً، کفّاره واجب است.

مسئله ۱۳۶. مُحْرَم پس از رسیدن به مکه، که منزل اوست، می تواند استظلال کند و رفتن به خانه لازم نیست.

مسئله ۱۳۷. کسانی که در مسجدالحرام برای حَجِّ مُحْرَم می شوند، می توانند با ماشین سقف دار تا منزل خود در مکه بیایند.

مسئله ۱۳۸. اگر مُحْرَم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، یک کَفَّارَه برای پوشیدن دوخته و کَفَّارَه دیگری برای پوشاندن سر لازم است.

مسئله ۱۳۹. اگر رساندن کَفَّارَه احرام عمره یا حَجِّ به دست فقیر، در حَجِّ مشکل باشد، می توان آن را در وطن ذبح کرد و به فقیر داد.

❖ ۲. طواف

«طواف» یعنی هفت بار گشتن به دور خانه خدا با رعایت شرایط آن.

❖ شرایط طواف

مسئله ۱۴۰. شرایط طواف عبارت است از: طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر، پاک بودن بدن و لباس، ختان برای مردان، ستر عورت، مباح بودن لباس و نیت.

❖ (۱) طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر

مسئله ۱۴۱. طواف کننده نباید غسل واجب مانند جنابت و حیض و ... برعهده داشته باشد و باید برای انجام طواف وضو بگیرد.

مسئله ۱۴۲. غسل جنابت کفایت از وضومی کند و اگر از انجام غسل یا وضو معذور باشد، تیمم جایگزین آنها می شود.

مسئله ۱۴۳. اگر کسی بعد از طواف متوجه شود که تمام طواف واجب را بدون طهارت به جا آورده است، اعاده آن بعد از تحصیل طهارت بر او واجب است.

مسئله ۱۴۴. کسی که در هنگام طواف و قبل از گذشتن از سه شوط و نیم، مُحدث شود، باید پس از طهارت، طوافش را از اول شروع کند، و اگر پس از گذشتن از چهار شوط مُحدث شود، باید پس از تحصیل طهارت، از جایی که مُحدث شده، آن را ادامه دهد و طوافش صحیح است، و اگر بین سه و نیم و چهار شوط مُحدث شود، بنابر احتیاط واجب بعد از تطهیر، طواف را به پایان برساند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز را تجدید نماید.

مسئله ۱۴۵. کسی که بعد از تمام شدن طواف، شک کند که آیا در حال طواف، طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است. مسئله ۱۴۶. اگر قبل از طواف و یا در اثنای آن در طهارت خود شک کند، در صورتی که یقین به طهارت قبلی داشته و فعلاً شک در حدث دارد، بنا را بر طهارت گذارد، و اگر یقین به حدث داشته و شک در طهارت بعدی دارد، باید وضو بگیرد و سپس طواف نماید.

❁ (۲) پاک بودن بدن و لباس

مسئله ۱۴۷. برای صحت طواف، شرط است که بدن و لباس طواف کننده از همه نجاسات حتی نجاساتی که در نماز بخشیده شده است، مثل خون کمتر از درهم یا خون قروح (دمل و جوش‌ها) و جروح (زخم‌ها) و بریدگی‌ها، پاک باشد. اگر اجتناب از خون قروح و جروح مشقت داشته باشد، طواف با آن جایز است.

مسئله ۱۴۸. اگر پس از طواف علم به نجاست بدن یا لباس پیدا کند، طوافش صحیح است، و اگر در اثنای طواف متوجه نجاست بدن یا لباس گردید و یا نجاستی بر آن عارض شد، چنانچه ممکن است در اثنای طواف بدون انجام عمل منافی با طواف، نجاست را برطرف نماید، مثلاً لباس نجس اضافی را بیرون آورد؛ در این صورت ازاله نجاست کرده و طواف را

تمام می‌نماید، و اگر هنگام طواف نمی‌تواند نجاست را از بین ببرد، طواف را قطع کند و پس از ازاله نجاست و تطهیر، طواف را ادامه دهد.
مسئله ۱۴۹. کسی که در اثر فراموشی، با بدن یا لباس نجس طواف کرده، بنابراین پس از متوجه شدن، باید طواف را اعاده کند.

❖ (۳) ختان برای مردان

مسئله ۱۵۰. ختنه برای مردان و همچنین پسران نابالغ، شرط صحت طواف است. بنابراین اگر بچه ختنه نشده را ولی او مُحرم کند و طواف دهد، ازدواج برای او جایز نیست مگر آنکه پس از ختان در صورتی که می‌تواند خودش و در غیر این صورت نائبش، طواف حجّ و سعی و تقصیر را بنا بر احتیاط واجب، و طواف نساء را دوباره انجام دهد.

❖ (۴) ستر عورت

مسئله ۱۵۱. پوشاندن عورت به مقداری که در نماز واجب است، در طواف نیز لازم است، و طواف عربان اگرچه بیننده هم وجود نداشته باشد باطل است.

❖ (۵) مباح بودن لباس

مسئله ۱۵۲. اگر جامه احرام و یا کفش و یا لباس‌های دیگر شخص طواف‌کننده، غضبی باشد، طواف باطل است.

❖ (۶) نیت

مسئله ۱۵۳. «نیت» یعنی بر طواف‌کننده واجب است که طواف را با قصد قربت و به عنوان طواف عمره تمتّع به جا آورد.

❖ واجبات طواف

واجبات طواف هشت چیز است:

❖ (۱) ابتدا و ختم طواف به حجرالاسود

مسئله ۱۵۴. طواف را باید از حجرالاسود شروع و به آن ختم نمود و لازم است کمی قبل از رسیدن به مقابل حجر، نیت کند تا یقین کند که طواف را از ابتدای محل شروع کرده است.

❖ (۲) سمت چپ قرار گرفتن خانه کعبه

مسئله ۱۵۵. هنگام طواف، خانه کعبه عرفاً باید سمت چپ طواف کننده قرار گیرد؛ پس اگر هنگام طواف، خانه کعبه در سمت راست قرار گیرد و یا پشت به خانه و یا رو به خانه طواف کند، اگرچه به یک قدم، عمداً و یا سهواً، هر چند به جهت ازدحام جمعیت باشد، آن مقدار از طواف صحیح نیست و باید پس از تدارک (جبران مقدار فوت شده)، بقیه طواف را به جا آورد.

❖ (۳) داخل نمودن حجر اسماعیل در طواف

مسئله ۱۵۶. واجب است که طواف کننده چنان طواف کند که تمام حجر اسماعیل^۱ داخل در محدوده طواف او باشد؛ پس اگر هنگام طواف داخل در حجر گردد، آن شوط از طواف باطل می شود و باید دوباره آن شوط را انجام داده و طواف را تکمیل نماید، و پس از تکمیل طواف و نماز آن، احتیاط به اعاده طواف و نماز طواف ترک نشود.

۱. حجر اسماعیل محلی در کنار بیت است که مدفن حضرت اسماعیل (علیه السلام) و مادرش هاجرو عده ای از انبیای دیگر است.

❖ (۴) خارج بودن تمام بدن از حجراسماعیل

مسئله ۱۵۷. در هنگام طواف باید تمام بدن از حجراسماعیل خارج باشد و از این رو طواف بر دیوار حجراسماعیل صحیح نیست، و اگر قسمتی از طواف به این نحو انجام گیرد، تدارک آن لازم است، بلکه احتیاط واجب آن است که در حال طواف، بر روی دیوار حجراسماعیل دست نگذارد.

❖ (۵) خارج بودن تمام بدن از بیت و هر چیزی که از بیت شمرده می شود

مسئله ۱۵۸. در طواف باید تمام بدن، از بیت و هر چیزی که از بیت شمرده می شود، خارج باشد و بدین جهت، طواف از داخل بیت یا بر شاذروان کعبه صحیح نیست، و اگر قسمتی از طواف به این نحو انجام گیرد، تدارک آن لازم است، بلکه احتیاط واجب آن است که در حال طواف، دیوار بیت را مسح نکند.

❖ (۶) انجام طواف بین خانه خدا و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام)

مسئله ۱۵۹. طواف باید بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) انجام گیرد، و مراعات این مقدار فاصله با کعبه که حدود ۲۶/۵ ذراع است، در همه جوانب در طول طواف لازم است، لکن در طرف حجر این فاصله از دیوار حجر به بعد محاسبه می گردد.

❖ (۷) انجام طواف در هفت شوط

مسئله ۱۶۰. طواف واجب هفت شوط است و اگر شخصی در ابتدا یا در بین طواف، قصد کمتری یا بیشتر نمودن طواف واجب را بنماید، بنابر احتیاط واجب، طواف او باطل است.

۱. شاذروان قسمت سنگ چین پایین خانه کعبه است که در بنای جدید، بیرون از خانه مانده است.

مسئله ۱۶۱. اضافه کردن مقدار کمی قبل از شروع طواف و یا پس از آن به جهت مطمئن شدن به انجام مقدار لازم طواف، اشکال ندارد.

مسئله ۱۶۲. اگر سهواً کمتر از یک دور به طواف اضافه کرده باشد، واجب است آن را قطع نماید و طواف او صحیح است و اگر طواف سهوی یک دور کامل یا بیشتر شود، احتیاط مستحب آن است که به قصد استحباب آن را تا هفت شوط تکمیل نماید و سپس قبل از سعی، نماز طواف واجب را بخواند و بعد از سعی، نماز طواف مستحب را به جا آورد.

❁ (۸) موالات در طواف

مسئله ۱۶۳. «موالات در طواف» یعنی طواف را پی در پی انجام دهد و در بین طواف کاری نکند که عرفاً برخلاف موالات باشد.

مسئله ۱۶۴. موالات، از شرایط طواف واجب است و در طواف مستحب، موالات شرط نیست.

مسئله ۱۶۵. اگر شخصی قبل از خارج شدن از مطاف (جای طواف کردن، محدوده مکان طواف) و قبل از به هم خوردن موالات، متوجه ناقص بودن هفت شوط شود، باید آن را تکمیل نماید.

مسئله ۱۶۶. اگر شخصی پس از به هم خوردن موالات، متوجه ناقص بودن هفت شوط شود، چنانچه نقص سهوی باشد و چهار شوط را تمام کرده باشد، باید بقیه را تکمیل کند و در صورتی که کمتر از نصف، طواف کرده باشد، باید تمام طواف را مجدداً انجام دهد. و اگر از سه و نیم گذشته و به چهار نرسیده است، احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

❁ احکام طواف

مسئله ۱۶۷. اگر مُحْرَم در عمره تمتع عمداً طواف را ترک کند به طوری که قبل از وقوف به عرفات، نتواند آن را انجام دهد، عمره اش باطل و حجّش

مبدل به حج افراد می شود.

مسئله ۱۶۸. کسی که به جهت جهل به مسئله، طوافِ عمره تمتع را ترک نماید، حکم عامد را دارد و اگر به دلیل فراموشی، طواف یا بعضی از آن را ترک کند، باید هرگاه یادش آمد، فوراً آن را قضا نماید، اگرچه پس از انجام مناسک و خروج از ذی حجه باشد، و پس از طواف، سعی را نیز باید اعاده کند، و چنانچه از مکه خارج شده، باید برگردد هرچند به وطن رسیده باشد، و خودش انجام دهد، و اگر برای او بازگشت به مکه برای انجام طواف، موجب عسر و حرج است، باید نائب بگیرد تا برای او، اگرچه در سال آینده، طواف نماید.

مسئله ۱۶۹. اگر طواف عمره را غیر صحیح به جا آورده باشد، عمره او باطل است، و اگر طواف حج را غیر صحیح انجام داده باشد، اگرچه طواف کننده جاهل باشد، حج او باطل است.

مسئله ۱۷۰. اگر طواف کننده از روی فراموشی، طواف را غیر صحیح انجام داده، مثلاً داخل در حجر شده و یا بدون طهارت طواف کرده است، بعید نیست مثل فراموش کردن خود طواف باشد که حکم آن در مسئله «۱۶۸» گفته شد.

مسئله ۱۷۱. اگر بیمار شخصاً قادر به طواف نباشد، چنانچه ممکن است به کمک دیگری و تکیه بر او طواف را به جا آورد، و یا دیگری او را حمل نماید و در صورتی که با حمل هم نتواند طواف کند، باید برای انجام طواف نائب بگیرد.

مسئله ۱۷۲. اگر زن قبل از طواف، حائض یا نفساء گردید، باید تا وقت وقوف به عرفات صبر کند؛ پس اگر زمانی پاک شود که به مقدار طواف قبل از وقوف اختیاری عرفات، اگرچه وقوف اضطراری، فرصت داشته باشد، لازم است عمره را تمام نموده و سپس به عرفات برود، وگرنه حج او بدل به افراد می شود و با همان احرام به عرفات می رود، و بقیه اعمال را

انجام می‌دهد و سپس عمره مفرده‌ای نیز به جا می‌آورد.
 مسئله ۱۷۳. چنانچه زنی که اعمال عمره تمتع خود را به دلیل عادت شدن انجام نداده است، صبح روز نهم در عرفات پاک شود، واجب است در صورتی که ممکن است به مکه بیاید و اعمال عمره تمتع را به جا آورد و مُحْرَم به احرام حجّ شود و برای درک وقوف به عرفات برگردد. و اگر برای او آمدن به مکه به دلیل ازدحام در مسیر و یا نداشتن همراه امکان نداشته باشد، باید به وظیفه حجّ افراد عمل نماید.

مسئله ۱۷۴. اگر بعد از فراغ از طواف، در صحت طواف و یا در عدد اشواط شک کند، چنانچه یک طرف شک، هفت باشد، به شک خود اعتنا ننماید و بنا را بر صحت گذارد، و نیز اگر در پایان شوط هفتم شک کرد که شوط هفتم طواف اوست یا شوط هشتم، به شک اعتنا نکند و طواف او صحیح است.

مسئله ۱۷۵. شک در صحت طواف واجب یا عدد اشواط آن در اثنای طواف، موجب بطلان طواف است و باید طواف را اعاده کند.
 مسئله ۱۷۶. اگر در طواف، ازدحام جمعیت، انسان را مقداری جلو ببرد، در صورتی که به کلی اختیار از او گرفته نشود و قصد طواف داشته باشد، طواف او اشکال ندارد.

مسئله ۱۷۷. طواف و سعی با چرخ‌های معمول، یا نشستن در طبق، یا سوار شدن بر دوش دیگران، در حال اختیار نیز اشکال ندارد، ولی اگر با پای خود طواف کند، ثواب آن زیاده‌تر است. توجه به این نکته ضروری است که در حال طواف و سعی، شخص باید قصد طواف و توجه به آن داشته باشد؛ بنابراین طواف و سعی افرادی که روی چرخ و یا طبق، طواف و سعی می‌کنند، اگر در حال طواف و سعی به خواب بروند، محل اشکال است.

مسئله ۱۷۸. کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف

خواننده است، باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. مسئله ۱۷۹. اگر کسی در شوط آخر، مُحدث شده است و بدون طهارت، شوط را تمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، اقوی صحّت عمره و حجّ تمتّع است، ولی باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده، با وضوبه جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.

مسئله ۱۸۰. زنی که در پشت ناخن و انگشت های او، لاک چسبیده و با این کیفیت، اعمال عمره تمتّع را به جا آورده و نمی دانسته که این رنگ لاک، مانع برای وضو و غسل می باشد، چنانچه قبل از رفتن به عرفات متوجه شود، باید اعمال عمره را پس از رفع مانع، دوباره انجام دهد.

مسئله ۱۸۱. اگر زنی طواف عمره و حجّ را با لاک ناخن به جا آورده و در ذی حجّه در مکه متوجه شود، حجّ او تبدیل به افراد می شود و بعد از برطرف کردن مانع و انجام اعمال مکه (یعنی طواف حجّ و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن) و انجام عمره مفرده همراه با طواف نساء آن، مُجَلّ شود و در سال بعد هم حجّ واجب را به جا آورد، و اگر بعد از ذی حجّه، متوجه بطلان طواف شود، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد هم حجّ واجب خود را انجام دهد.

مسئله ۱۸۲. کسی که ناخن مصنوعی کاشته، واجب است با امکان برداشتن، رفع مانع کند هرچند هزینه داشته باشد.

مسئله ۱۸۳. شخصی غسل جنابت را فراموش کرده و با همان حال اعمال حجّ را به جا آورده و بعداً یادش آمده، بعید نیست که فراموشی شرط (طهارت) ملحق به فراموشی اصل طواف باشد، و بنابراین حجّ صحیح است و باید طواف حجّ و نماز آن و طواف نساء و نماز آن را با طهارت انجام دهد، و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نماید، و اگر از مکه برگشته و به وطن آمده، در صورت تمکن، خودش و گرنه نائب بگیرد تا

طوافین و سعی را به جا آورد، هرچند در غیر موقع حج باشد، و احتیاط آن است که سال دیگر خودش و اگر خودش متمکن نیست، نائب بگیرد تا حج تمتع به جا آورد.

مسئله ۱۸۴. کسی که نمی‌تواند در حال طواف از ادرار خود جلوگیری کند، یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز طواف بگیرد و کسی که نمی‌تواند از خروج مدفوع جلوگیری کند، نائب بگیرد، و احتیاط این است که خودش به جا آورد و نائب هم بگیرد.

مسئله ۱۸۵. کسی که در هر پنج تا ده دقیقه نیاز به تجدید وضو دارد، اگر بتواند طواف و نماز آن را با وضو انجام دهد و اگر فقط طواف را می‌تواند با وضو انجام دهد، جایز است بعد از تمام شدن طواف، وضو را تجدید کند و نماز آن را بخواند، و اگر تمام طواف را نیز نمی‌تواند با یک وضو به جا آورد، چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو نموده، سه شوط دیگر آن را انجام دهد و نماز طواف را بخواند، و اگر بتواند طواف را به یکی از طرق یادشده انجام دهد، طواف صحیح است و بقیه اعمال حج، مشروط به طهارت نیست.

❁ (۳) نماز طواف

مسئله ۱۸۶. نماز طواف دو رکعت است مانند نماز صبح و طواف‌کننده باید آن را بعد از طواف بخواند. بنا بر اقوی واجب است نماز را فوراً پس از طواف بخواند و در مراعات فوریت، صدق عرفی کفایت می‌کند.

مسئله ۱۸۷. طواف‌کننده مخیر است که نماز طواف را بلند یا آهسته بخواند.

مسئله ۱۸۸. نماز طواف باید پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام و هرچه نزدیک‌تر به آن خوانده شود، و بنا بر احتیاط واجب در هنگام نماز باید

۱. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام سنگی معروف است که در محفظه‌ای بلورین قرار گرفته و جای پای آن حضرت بر آن نقش بسته است.

مقام حضرت ابراهیم علیه السلام پیش روی او قرار گیرد و اگر ممکن نشد در یکی از دو طرفِ مقام بخواند، و اگر ممکن نشد نماز خواندن در هر جایی از مسجد که پشت مقام بر آن صدق کند کافی است و باید رعایت الاقرب فالاقرب را بنماید.

مسئله ۱۸۹. نجاساتی که در نماز بخشیده شده است، در نماز طواف نیز بخشیده شده است.

مسئله ۱۹۰. اگر کسی نماز طوافِ واجب را فراموش کند، هر وقت در مکه یادش آمد، باید آن را پشت مقام به جا آورد و اعاده سعی هم واجب نیست و اگر پس از خروج از مکه یادش آمد، احتیاط واجب آن است که برگردد و آن را خلف مقام به جا آورد و در صورت مشقت یا عدم امکان رجوع به مکه، اگر رجوع به حرم ممکن است، رجوع کند و در حرم نمازش را بخواند، وگرنه در هر کجا بخواند کفایت می‌کند.

مسئله ۱۹۱. کسی که نماز طوافِ واجب را عمدتاً ترک کند، بقیه مناسک او صحیح است، و فقط قضای نماز طواف مانند ناسی بر عهده اوست، و اعاده حج در سال آینده، نهایت احتیاط است.

مسئله ۱۹۲. کسی که نماز خلف مقام را از روی جهل به مسئله ترک کند، حکم ناسی را دارد، چه اصلاً به جا نیاورده باشد، چه در جای دیگر خوانده و چه غیر صحیح به جا آورده باشد.

مسئله ۱۹۳. کسی که می‌داند قرائت نمازش صحیح نیست، واجب است تا وقت تنگ نشده، قرائت نمازش را به شکل صحیح یاد بگیرد، و اگر با تلقین هم بتواند نماز را صحیح بخواند کفایت می‌کند، و اگر نتواند نماز را حتی با تلقین، صحیح بخواند نماز را خودش بخواند و بنابر احتیاط واجب نائب بگیرد تا از طرف او نماز طواف را به جا آورد.

مسئله ۱۹۴. اگر زنی بعد از تمام کردن طواف و قبل از نماز، حائض شد،

بنابر احتیاط واجب برای نماز طواف قبل از سعی نایب بگیرد و پس از پاک شدن نیز، خود آن را به جا آورد.

مسئله ۱۹۵. زنی که پس از غسل حیض و طواف، خون دیده است؛ اگر قبل از اتمام ده روز بوده، لازم است طواف و نماز آن را اعاده کند، (چون احتیاط در ایام نقاء جمع بین ترک حائض و اعمال طاهره است) و اگر پس از ده روز از شروع عادت خون ببیند یا قبل از ده روز خون دیده ولی تا بعد از ده روز ادامه داشته، اعمال او صحیح است و اعاده لازم نیست.

مسئله ۱۹۵. مستحاضه اگر وظایف شرعی خود را که برای انجام نماز بر او واجب است انجام دهد، حکم طاهر را دارد.

مسئله ۱۹۶. کسی که در قرائت نماز، اشتباه دارد باید تا وقت طواف، آن را اصلاح کند و اگر بعد از طواف تا قبل از بین رفتن موالات عرفی نتواند غلط‌های خود را اصلاح کند، به هر نحو می‌تواند هرچند با تلقین نماز بخواند و بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

مسئله ۱۹۷. شخصی مشغول سعی شده و در بین سعی متوجه شد که نماز طواف نخوانده، باید سعی را رها نموده و نماز طواف بخواند و بعد از آن، باقی‌مانده سعی را از همان جا که رها کرده، تمام کند.

مسئله ۱۹۸. اگر وضوی کسی بعد از طواف باطل شد، و از روی شرم و حیا نمازش را بی‌وضو خواند و بعد از آن، سعی و تقصیر را انجام داد و محلّ شد، باید بعد از وضو، نماز را به جا آورد و بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را اعاده نماید.

مسئله ۱۹۹. نماز طواف مستحب، واجب نیست بلکه مستحب است.

❁ (۴) سعی

مسئله ۲۰۰. «سعی» در عمره و حج، واجب و رکن است، که با ترک عمدی آن، اگرچه از روی جهل باشد، عمره و حج باطل می‌شود و سعی در

هرکدام از عمره و حج، یک مرتبه و در هفت شوط، پس از نماز طواف، بین صفا و مروه انجام می‌گیرد.

مسئله ۲۰۱. تأخیر سعی از طواف برای مدّت کم، به جهت گرمی هوا، خستگی و یا انجام طواف مستحب جایز است، و بنابراین بنا بر اقوی می‌تواند سعی را تا شب به تأخیر اندازد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که تأخیر نیندازد، ولی تأخیر سعی برای روز بعد بدون ضرورت جایز نیست.

مسئله ۲۰۲. کسی که سعی را فراموش نماید، باید هرگاه متذکر شد آن را انجام دهد، و اگر از مکه خارج شده باید به مکه برگردد، و در صورتی که بازگشت به مکه مشقّت دارد، واجب است برای انجام سعی نائب بگیرد.

مسئله ۲۰۳. کسی که سعی را به نحو کامل به جا نیاورده است، باید در احرام باقی بماند تا خود یا نائیش آن را انجام دهد، و اگر شخص به خیال اینکه از احرام خارج شده با همسر خود مواجهه کند یا با توجّه ناخن گرفته باشد، باید کفّاره بدهد، و ناخن گرفتن سهوی نیز بنا بر احتیاط واجب کفّاره دارد.

✽ واجبات سعی

واجبات سعی هشت چیز است:

✽ (۱) نیت

مسئله ۲۰۴. واجب است سعی را همزمان با قصد قربت به عنوان انجام امر الهی آغاز نماید و با همین نیت به پایان رساند، و باید مشخص نماید که سعی را در عمره تمتّع یا حج تمتّع و یا ... انجام می‌دهد، و بهتر آن است که نیت را به زبان نیز جاری کند.

❖ (۲) ابتدای سعی از صفا

مسئله ۲۰۵. شروع سعی باید از کوه صفا انجام گیرد، ولی بالا رفتن از کوه لازم نیست، بلکه به همین مقدار که روی سنگ فرش شیب پایین کوه قرار گرفت، کفایت می‌کند.

❖ (۳) ختم سعی در مروه

مسئله ۲۰۶. به نحوی که در شروع سعی بیان شد باید ختم آن نیز به همان کیفیت در کوه مروه انجام گیرد؛ بنابراین اگر کسی سعی را از مروه شروع کند، اگرچه سهواً باشد، سعیش باطل است و باید آن را از نوبه‌جا آورد.

❖ (۴) انجام سعی در هفت شوط

مسئله ۲۰۷. رفتن از صفا به مروه یک شوط، و بازگشت آن، شوط دیگر محسوب می‌گردد؛ بنابراین چهار شوط از صفا به مروه و سه شوط از مروه به صفا انجام می‌گیرد.

❖ (۵) انجام سعی در طریق معمول

مسئله ۲۰۸. سعی باید با رفت و آمد در طریق معمول بین صفا و مروه انجام گیرد؛ بنابراین اگر در حین سعی داخل مسجد شود و یا به خیابان برود و از آنجا وارد قسمت دیگر مسعی شود و سعی را ادامه دهد، سعیش صحیح نیست، اما سعی در طبقه دوم اگر سعی بین دو کوه صفا و مروه بر آن صدق نماید اشکال ندارد.

❖ (۶) توجه به صفا و مروه در حال سعی

مسئله ۲۰۹. در هنگام رفتن به سوی مروه باید کوه مروه در مقابل شخص قرار گیرد، و همچنین در موقع رفتن به سوی صفا باید کوه صفا در مقابل

او قرار گیرد. بنابراین سعی به قهقرا (عقب عقب رفتن) و یا سعی به جانبین (یعنی به شانه چپ و راست به طوری که رو به کعبه و یا پشت به کعبه حرکت نماید) صحیح نیست. بله، گرداندن صورت به راست و چپ در صورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه، رو به مروه، و در حال رفتن به صفا، رو به صفا باشد اشکال ندارد، و همچنین برگرداندن بدن، اگرچه به طور کامل، در حال توقف بی اشکال است، و نیز در حال دور زدن روی کوه صفا و مروه، انحراف از جانب راست به چپ مانعی ندارد.

❖ (۷) مباح بودن لباس و مرکب

مسئله ۲۱۰. لباس و کفش و مرکبی که شخص با آن سعی می‌کند، باید مباح و غیرغصبی باشد، بلکه بنا بر احتیاط حمل شیء غصبی نیز در حال سعی جایز نیست.

❖ (۸) ترتیب

مسئله ۲۱۱. سعی در عمره و حج باید پس از نماز طواف انجام گیرد، و اگر بدون ضرورت آن را بر طواف مقدم دارد، اعاده آن لازم است.

❖ احکام سعی

مسئله ۲۱۲. اگر پس از شروع در سعی متوجه نقصان طوافش گردید، باید سعی را رها نموده و نقصان طواف را به نحوی که در مسائل طواف ذکر شد جبران نماید و پس از نماز طواف، سعی را از جایی که قطع کرده، تکمیل کند.

مسئله ۲۱۳. اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است، ولی بعد از تقصیر متوجه می‌شود که پنج شوط بوده، باید سعی را تمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید.

مسئله ۲۱۴. کسی که می‌دانسته در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آنها را نمی‌دانسته و از کسی پرسیده و او مروه را به جای صفا به او نشان داده و بنا به گفته او، سعی را از مروه شروع کرده و پس از اینکه هفت مرتبه سعی انجام داد، متوجه اشتباه خود شد و یک مرتبه دیگر سعی نمود، اقوی صحت آن است هرچند احتیاط مستحب اعاده سعی است.

مسئله ۲۱۵. اگر شخصی در حال سعی شک کند شوط سوم است یا پنجم، و به امید کشف حال، سعی را ادامه دهد و پس از مقداری از سعی، یقین کند شوط سوم است، در این صورت که شک او مبدل به یقین شده، سعی او صحیح است.

مسئله ۲۱۶. اگر کسی از روی جهل یا سهویک شوط به سعی اضافه کرد برخی از فقها مطابق روایتی که از معصوم (علیه السلام) نقل شده، فرموده‌اند که مستحب است تا هفت شوط تکمیل کند، ولی برخی دیگر از فقها به جهت ضعف سندش برطبق آن، فتوا نداده‌اند و لکن عمل به آن، مطابق احتیاط است.

مسئله ۲۱۷. اگر شخصی در سعی بین صفا و مروه به واسطه جهل یا نسیان به جای هفت مرتبه، چهارده مرتبه سعی نماید، سعی او صحیح است، و اعاده واجب نیست.

مسئله ۲۱۸. اگر کسی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی، رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع کند و در شوط سوم متوجه مسئله شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه دهد، سعی او صحیح است.

مسئله ۲۱۹. اگر شخص در حال سعی با ویلچر به خواب برود، مقداری از سعی را که در حال خواب انجام داده، صحیح نیست و باید آن مقدار را اعاده کند و اگر مقدار خواب رفتن را نمی‌داند، سعی را از ابتدا به قصد اعم از اتمام و اعاده به جا آورد.

مسئله ۲۲۰. آب خوردن در مسیر سعی مانعی ندارد و از جایی که سعی را برای خوردن آب قطع کرده، سعی را ادامه دهد.

مسئله ۲۲۱. کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، اعاده طواف و نماز لازم نیست، هرچند از روی اختیار نباید سعی را تا روز بعد به تأخیر بیندازد.

مسئله ۲۲۲. بانوانی که به جهت عادت ماهانه، برای طواف نایب می‌گیرند، نمی‌توانند در سعی نایب بگیرند و چون محل سعی، مسجد نیست، باید خودشان سعی را به جا آورند.

مسئله ۲۲۳. زیادتی در سعی اگر از روی عمد باشد، مبطل است و چنانچه از روی جهل یا سهو باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۲۴. ظاهر شدن بخشی از مویا بدن زن در حال سعی، ضرری به سعی نمی‌زند.

مسئله ۲۲۵. اگر شخصی در حال سعی کردن متوجه شود مقداری را که برای هروله علامت‌گذاری کرده‌اند به طور عادی رفته و با گمان اینکه هروله لازم است، برگردد و آن مقدار را با هروله تکرار کند، سعی او صحیح است.

مسئله ۲۲۶. در سعی، موالات عرفی شرط است و لذا نشستن مختصر برای استراحت اشکال ندارد، اما اگر در بین شوط‌های سعی ساعاتی را به کار دیگر مشغول شود، بنابر احتیاط واجب سعی را به نیت اعم از اتمام و اعاده به جا آورد.

مسئله ۲۲۷. اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، شک کرد هفت شوط به جا آورده یا نه شوط، شک وی مبطل است و باید سعی را اعاده کند.

❖ (۵) تقصیر

مسئله ۲۲۸. «تقصیر» که عبارت از کوتاه کردن مقداری از موی سر و یا صورت و یا گرفتن ناخن دست و یا پا است، در عمره واجب است و پس

از سعی انجام می‌گیرد و مانند سایر اعمال عمره و حجّ، جزء مناسک است، و باید با نیت و قصد قربت انجام شود و تعیین کند که با این تقصیر از کدام احرام، محلّ می‌شود؛ حجّ واجب یا نیابی یا استحبابی است، عمره مفرده است یا عمره تمتع.

مسئله ۲۲۹. تقصیر در هر مکانی جایز است و پس از سعی، وجوب فوری ندارد و با انجام آن، مُحرم از احرام خارج می‌شود.

مسئله ۲۳۰. تراشیدن سر در عمره تمتع، تقصیر محسوب نمی‌شود و اگر تمام سر را بتراشد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و بنابر احتیاط واجب در صورت جهل و نسیان نیز کفّاره دارد، و تراشیدن بعضی سر نیز تقصیر محسوب نمی‌شود، ولی کفّاره ندارد.

مسئله ۲۳۱. بنابر احتیاط واجب پس از تقصیر، سر تراشیدن بین عمره و حجّ جایز نیست و یک گوسفند کفّاره دارد.

مسئله ۲۳۲. پس از تقصیر، تمام محرمات احرام جز صید در حرم و کندن گیاه حرم بر شخص حلال می‌شود.

مسئله ۲۳۳. دلیلی بر وجوب طواف نساء در عمره تمتع نیست، لکن انجام آن به امید مطلوبیت خوب است.

مسئله ۲۳۴. کسی که تقصیر را سهواً ترک کرد و مُحرم به احرام حجّ گردید، عمره او صحیح است و بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر عمدتاً و یا جهلاً چنین کرده است، عمره تمتع او باطل است و حجّ او مبدّل به افراد می‌شود، و پس از انجام مناسک حجّ باید یک عمره مفرده به جا آورد و قضای حجّ تمتع را بنابر احتیاط در سال آینده نیز تدارک نماید.

✽ احکام تقصیر

مسئله ۲۳۵. اگر شخص مُحرم به احرام حجّ یا عمره، مُحرم دیگری را تقصیر نماید، چنانچه جاهل به حکم باشند، تقصیر صحیح است و

تقصیرشده از احرام خارج می شود، و برتقصیرکننده نیز کفاره لازم نیست. مسئله ۲۳۶. اگر مُحْرَم، ناخن دیگری را به قصد تقصیر او بگیرد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۳۷. تراشیدن سر به جای کوتاه کردن مو در عمره تمتع کفایت نمی کند و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۲۳۸. اگر سُنی موی شیعه را برای تقصیر، کوتاه کند، اشکال ندارد.

✽ احکام بین عمره و حج تمتع

مسئله ۲۳۹. تراشیدن صورت بین عمره تمتع و حج، غیر از حرمت تراشیدن ریش، حکم خاصی ندارد.

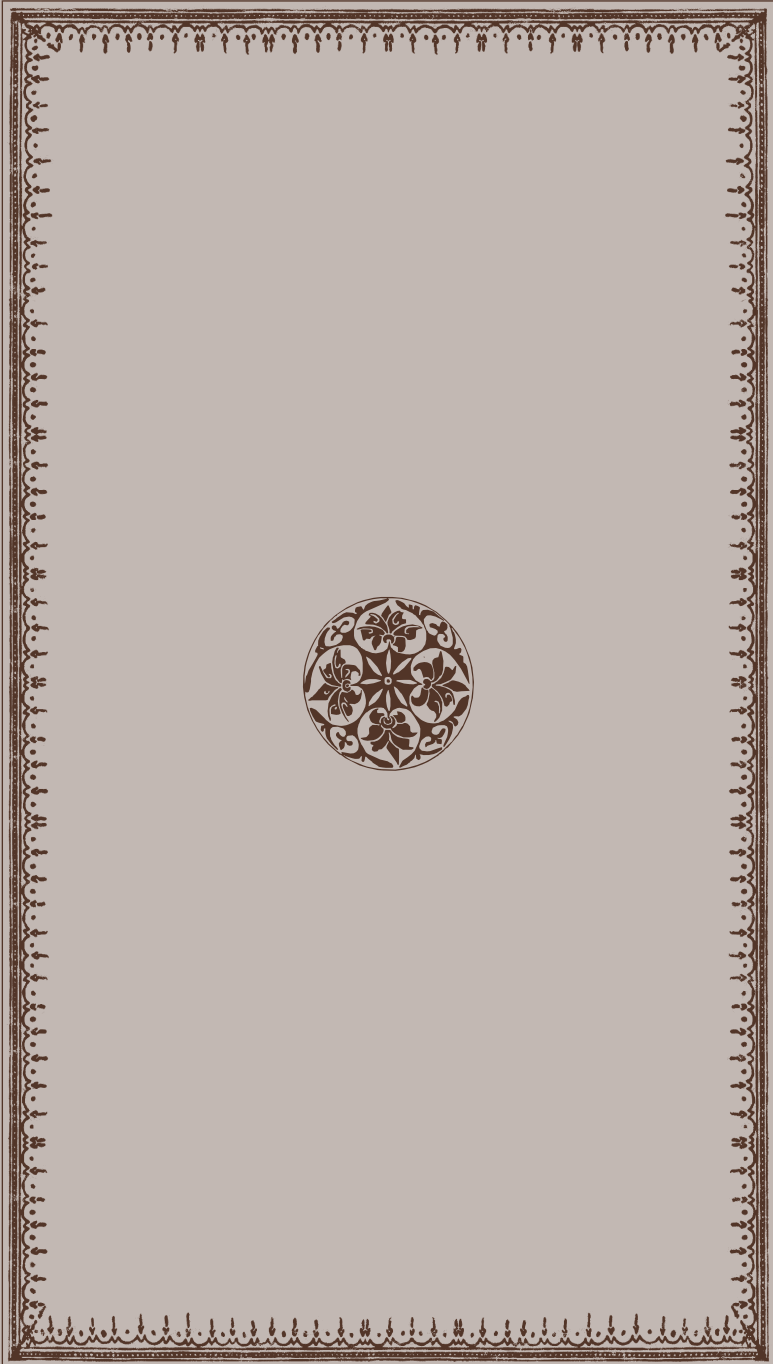
مسئله ۲۴۰. بنا بر احتیاط واجب، خروج از مکه در بین عمره تمتع و حج جایز نیست، مگر در مورد ضرورت، و در این صورت هم باید برای حج مُحْرَم شوند و بیرون بروند. بله، البته اگر احرام برای آنان حرجی باشد و ترس نرسیدن به اعمال حج هم نداشته باشند، می توانند بدون احرام خارج شوند.

مسئله ۲۴۱. بعد از اعمال عمره تمتع و قبل از اعمال حج، عمره مفرده جایز نیست، ولی بعد از اتمام حج تمتع، عمره مفرده اشکال ندارد و فاصله لازم نیست.

مسئله ۲۴۲. اگر از روی جهل، عمره مفرده را بعد از عمره تمتع و قبل از حج انجام دهد، باید حج تمتع را به جا آورد و حج او صحیح است.

فصل سوم

حج تمتع



مسئله ۲۴۳. حجّ تمتّع از چند عمل تشکیل می‌شود که عبارتند از: احرام، وقوف به عرفات، وقوف به مشعر، رمی جمرات، قربانی، تقصیر، طواف زیارت و نماز آن، سعی بین صفا و مروه، طواف نساء و نماز آن، بیتوته در منّا، رمی جمرات و کوچ از منّا.

❖ (۱) احرام حجّ تمتّع

مسئله ۲۴۴. احرام در حجّ تمتّع، واجبِ رکنی است و با ترک عمدی آن، حجّ باطل می‌شود.

مسئله ۲۴۵. احرام حجّ باید در ماه‌های حجّ و قبل از زمان وقوف به عرفات انجام شود، البته در حجّ تمتّع باید پس از انجام عمره تمتّع انجام شود.

مسئله ۲۴۶. تأخیر احرام حجّ تا زمانی که وقتِ وقوف به عرفات تنگ نشده، جایز است، ولی در تنگی وقت، اقدام به احرام واجب است.

مسئله ۲۴۷. محل احرام در حجّ تمتّع، تمام مکه مکرمه حتی محل‌های جدید آن است، ولی بهتر آن است که در مسجد الحرام مُحرّم شود و بهتر از آن، مُحرّم شدن در حجر اسماعیل و یا مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است.

مسئله ۲۴۸. همان گونه که در احرام عمره تمتع گذشت، پس از پوشیدن دو پارچه ندوخته احرام، بر حج کننده لازم است که احرام حج را نیت کند و معین نماید که چه نوع حجی را انجام می دهد و در این عمل قصد تقرب إلى الله کند و با گفتن لبیک های واجب، همان گونه که گذشت، احرام را منعقد کند؛ به این معنا که خود را نسبت به تروک احرام ملتزم نماید.

مسئله ۲۴۹. اگر احرام از مکه مکرمه را فراموش کرد و یا از روی جهل ترک نمود و به عرفات رفت و سپس یادش آمد، واجب است در صورت امکان به مکه بازگردد و در آنجا مُحرم شود، و در صورتی که وقوف اختیاری عرفات از او فوت می شود و یا به خاطر داشتن عذر، نتواند به مکه برود، احتیاط واجب آن است که تا مقداری که می تواند به طرف مکه بازگردد، وگرنه از همان جایی که هست مُحرم شود.

مسئله ۲۵۰. اگر جاهل و یا ناسی پس از وقوف به عرفات و مشعر متوجه شد که مُحرم نشده است، باید همان جا مُحرم شود و مناسک را به پایان برساند و بنابرایناقوی، اعاده آن در سال بعد لازم نیست.

مسئله ۲۵۱. اگر کسی احرام را تا بعد از گذشتن دو موقف عرفات و مشعر، عمداً ترک نماید، حجش باطل است و نیز اگر ناسی و جاهل پس از توجه، احرام را تدارک (جبران) نکردند حج شان باطل می باشد.

مسئله ۲۵۲. اگر از روی فراموشی و یا ندانستن مسئله، مُحرم نشود و پس از اتمام حج متوجه گردد، حج او صحیح است.

✽ احکام احرام حج تمتع

مسئله ۲۵۳. اگر حاجی در مسجد الحرام، مُحرم به احرام حج تمتع شود و با ماشین سقف دار به خانه برگردد تا از آنجا عازم عرفات شود، زیر سایه رفتن جایز است و کفاره ندارد.

❖ (۲) وقوف در عرفات

مسئله ۲۵۴. توقف در عرفات از زوال شمس تا غروب شرعی^۱ روز نهم ذی حجه واجب است ولی مقدار رکنی آن، مسمای وقوف است. و زمان وقوف اضطراری در عرفات از غروب تا طلوع فجر روز دهم ذی حجه است که اگر مقداری از این زمان را در عرفات درک کند، واجب ادا شده است.

مسئله ۲۵۵. اگر شخص تمام زمان وقوف را در خواب و یا بیهوشی بگذراند، وقوفش باطل است.

مسئله ۲۵۶. اگر کسی پس از داخل شدن وقت ظهر، نیت وقوف کند و پس از درک مقدار لازم از وقوف، تا غروب بخوابد، حجش صحیح است، و اگر قبل از زمان وقوف، در عرفات حاضر باشد و به قصد وقوف بخوابد، صحت وقوف او بعید نیست، اگرچه تمام وقت را در خواب بماند و همین حکم درباره وقوف مشعر نیز جاری است.

مسئله ۲۵۷. وقوف در عرفات باید داخل محدوده تعیین شده عرفات باشد. مسئله ۲۵۸. کسی که عمداً وقوف در عرفات را در تمام وقت وقوف اختیاری آن ترک نماید، حجش باطل است و درک وقوف اضطراری عرفات و یا وقوف مشعر، حج او را تصحیح نمی‌کند.

مسئله ۲۵۹. کسی که وقوف در عرفات را فراموش کند، باید هنگامی که یادش آمد، در صورت امکان، هر مقدار که می‌تواند وقوف به عرفات را درک نماید و در صورتی که وقوف اختیاری ممکن نباشد، وقوف اضطراری عرفات را درک نماید.

مسئله ۲۶۰. اگر کسی مقداری از ابتدای وقت وقوف در عرفات را درک ننماید، حجش صحیح است و کفاره براو واجب نیست، ولی در صورت تعمّد گناه کرده است.

۱. غروب شرعی به زمانی گفته می‌شود که حمزه مشرقیه از بالای سر گذشته باشد.

مسئله ۲۶۱. اگر کسی قبل از غروب، عمداً از عرفات خارج شود، اگر توبه کند و قبل از غروب بازگردد، کفاره براو واجب نیست، و اگر توبه نکرد و برنگشت، باید به عنوان کفاره، یک شتر در منا قربانی کند و در صورت عدم تمکن مالی باید هیجده روز پی در پی در مکه و یا در راه مکه و یا در وطن خود روزه بگیرد.

مسئله ۲۶۲. اگر شخص قبل از غروب، سهواً و یا به جهت ندانستن مسئله. اگرچه مقصّر باشد. از عرفات بیرون رود و تا غروب متوجه نشود، چیزی براو نیست.

مسئله ۲۶۳. برای ناسی و معذور نسبت به وقوف اختیاری عرفات، وقوف اضطراری عرفات کفایت می‌کند.

مسئله ۲۶۴. اگر کسی وقوف در عرفات را از روی فراموشی و یا به خاطر ناآگاهی ترک کرد و پس از پایان وقت وقوف متوجه شد، اگر وقوف اختیاری مشعرا درک نماید، کفایت می‌کند و حجّ او صحیح است.

مسئله ۲۶۵. هرگاه هلال نزد قاضی عامّه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد ولی از جهت تقیّه ناچار به متابعت باشند و بترسند که به وظیفه خود عمل کنند، این حجّ صحیح است و کفایت از حجّه الاسلام می‌کند، هرچند بدانند که قاضی در حکم خود اشتباه کرده است و اگر می‌توانند بدون ترس، به وظیفه عمل کنند، احوط آن است که رجائاً متابعت کنند و بعد واجب است حتی با عدم علم به خلاف، به وظیفه خود عمل نمایند.

❖ (۳) وقوف در مشعرا الحرام

مسئله ۲۶۶. «مشعر» که «مزدلفه» و «جمع» نیز نامیده می‌شود، زمین وسیع و معروفی است که بین عرفات و منا واقع شده است و با علائم نصب شده، حدود آن مشخص شده است.

مسئله ۲۶۷. پس از بازگشت از عرفات، وقوف در مشعرا واجب است و

احتیاط واجب آن است که شب عید قربان را نیز در مشعر بیتوته کند و هنگام طلوع فجر، نیت وقوف کند به این صورت که بگوید: «از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام در حج تمتع ویا... وقوف می‌کنم، قربة الی الله». همچنین احتیاط آن است که ذکر خدا را، اگرچه اندک باشد، در مشعر ترک نکند.

مسئله ۲۶۸. وقوف در تمام زمان تعیین شده، در مشعر واجب است، لکن مقدار واجب رکنی وقوف به اندازه‌ای است که مسمای وقوف صدق کند؛ بنابراین اگر شخص این مقدار را نیز ترک کند، حجش باطل است.

مسئله ۲۶۹. اگر کسی پس از درک مسمای وقوف در مشعر، دیوانه و یا بیهوش شود و یا به خواب رود، کفایت می‌کند و حجش صحیح است، ولی اگر در تمام وقت وقوف، دیوانه و یا بیهوش و یا در خواب باشد، حج ووقوفش باطل است، البته در صورتی که قبل از زمان وقوف، به مشعر آمده و با قصد وقوف خوابیده، اگرچه تمام زمان وقوف را در خواب باشد، صحّت حج او بعید نیست.

مسئله ۲۷۰. برای وقوف در مشعر و همچنین عرفات، بودن در آن محل به هر وضعیت کفایت می‌کند و فرقی بین سواره و پیاده یا ایستاده و نشسته بودن نیست.

مسئله ۲۷۱. رفتن از مشعر به منا، قبل از طلوع فجر برای زنان و پیران و بیمارانی که تحمل ازدحام جمعیت برای آنان مشکل است و همچنین کسانی که کار ضروری دارند، جایز است.

مسئله ۲۷۲. کسانی که وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده‌اند، در صورتی که وقوف اختیاری و یا اضطراری عرفات را درک کرده باشند، اگر قبل از زوال روز دهم ذی‌حجه به قدر صدق مسمای وقوف در مشعر بمانند، کفایت می‌کند.

مسئله ۲۷۳. برای وقوف در مشعر سه وقت است:

(۱) شب عید؛ برای کسانی که پس از طلوع فجر نمی‌توانند وقوف

کنند. همان‌گونه که گذشت. و این وقوف اضطراری است.
 ۲) وقوف اختیاری؛ که زمان آن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب است.
 ۳) از طلوع آفتاب تا هنگام زوال روز دهم ذی‌حجه؛ که این نیز
 زمان وقوف اضطراری مشعر است.

✽ اقسام درک وقوف عرفات و مشعر

مسئله ۲۷۴. با در نظر گرفتن هریک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر، و درک هر دو موقف و یا یکی از آنها در وقت اختیاری و یا اضطراری و یا عدم درک آن دو، دوازده قسم به وجود می‌آید که حکم مکلف از جهت صحت و بطلان در هریک از آنها مختلف است که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم:

✽ الف: درک وقوف عرفات از ظهر تا غروب روز نهم

- ۱) وقوف مشعر در تمام اوقاتش از او فوت شده است: حج وی صحیح است.
- ۲) فقط وقوف اضطراری شبانه مشعر را درک کرده است: حج وی صحیح است.
- ۳) وقوف بین الطلوعین را که وقوف اختیاری است درک کرده است: حج وی صحیح است.
- ۴) فقط وقوف اضطراری مشعر را قبل از ظهر روز دهم درک کرده است: حج وی صحیح است.

✽ ب: درک وقوف اضطراری عرفات

- ۵) وقوف مشعر در تمام اوقاتش، از او فوت شده است: حج وی باطل است.

- ۶) وقوف اضطراری شبانه مشعر را درک کرده است: حجّ وی صحیح است.
- ۷) وقوف بین الطلوعین را که وقوف اختیاری است درک کرده است: حجّ وی صحیح است.
- ۸) وقوف اضطراری قبل از ظهر روز دهم را در مشعر درک کرده است: حجّ وی صحیح است.

❖ ج: فوت شدن وقوف اختیاری و اضطراری عرفات

- ۹) وقوف در مشعر نیز در تمام اوقاتش از او فوت شده است: حجّ وی باطل است.
- ۱۰) فقط وقوف شبانه در مشعر را درک کرده است: حجّ وی صحیح است.
- ۱۱) وقوف اختیاری مشعر را که بین الطلوعین است درک کرده است: حجّ وی صحیح است.
- ۱۲) فقط وقوف قبل از ظهر روز عید قربان را در مشعر درک کرده است: حجّ وی باطل است.

❖ احکام وقوف در مشعر الحرام

- مسئله ۲۷۵. برای مضطرّ و خائف و صاحب عذر و زنان، رفتن از مشعر به مینا در شب جایز است، هر چند قبل از نیمه شب باشد.
- مسئله ۲۷۶. خارج شدن غیر معذور از مشعر قبل از طلوع فجر، جایز نیست و اگر خارج شد و قبل از طلوع فجر بازگشت، معصیت کرده، ولی وقوف او صحیح است.
- مسئله ۲۷۷. کارکنان و اعضای کاروانی که ناچارند بعد از وقوف مقداری از شب در مشعر، شبانه به مینا بروند و نمی‌توانند دوباره به مشعر برگردند،

وقوف آنان صحیح است، ولی برای انجام کارشان در منا، به مقدار ضرورت اکتفا نمایند.

مسئله ۲۷۸. اگر حج کننده از گفته شخص یا اشخاصی اطمینان پیدا کرد که فلان مکان، مشعر است و در آنجا وقوف کرد و پس از زوال شمس متوجه شد که آنجا مشعر نبوده، چنانچه وقوف اختیاری عرفات را درک کرده باشد، حج او صحیح است.

مسئله ۲۷۹. اگر حج کننده از گفته مدیر گروه یا شخص دیگری که می گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است، اطمینان به وجود عذر پیدا کرد و به همین دلیل وقوف اختیاری را ترک نمود، درک وقوف اضطراری کفایت می کند.

مسئله ۲۸۰. خدمه ای که قبل از طلوع فجر، با زن ها به منا می روند و قبل از طلوع آفتاب، خود را به مشعر می رسانند تا وقوف رکنی مشعر را درک کنند، اگر از ذوی الأعدا نبوده باشند، نیابت آنها صحیح است، هر چند مرتکب حرام شده اند.

❖ (۴) رمی جمره عقبه (واجب اول منا)

مسئله ۲۸۱. وقتی که حاجی در روز دهم به منا رسید، اولین عمل او این است که به سوی جمره عقبه برود و آن را با هفت سنگریزه (حصی) رمی نماید. جمره عقبه برای افرادی که از مشعر به منا می آیند، آخرین جمره محسوب می شود و مردم آن را جمره بزرگ تر و شیطان بزرگ نیز می خوانند.

مسئله ۲۸۲. زمان سنگ زدن، از طلوع آفتاب روز عید تا غروب آفتاب است. رمی جمره در شب جایز نیست، مگر برای بیمار و خائف و کسانی که برای رمی در روز عذر داشته باشند. تا وقتی حاجیان خودشان بتوانند در شب رمی کنند، نباید در روز نایب بگیرند، و در جواز رمی در

شب برای صاحبان عذر، فرقی نیست که شب قبل رمی کنند یا شب بعد. اگر نتوانند رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند، می‌توانند رمی سه روز را در یک شب به جا آورند.

مسئله ۲۸۳. باید زدن این هفت سنگ قبل از قربانی و حلق و یا تقصیر انجام شود.

مسئله ۲۸۴. اگر کسی سهواً و یا از روی ناآگاهی رمی جمره عقبه را ترک کرد، باید در روز یازدهم تا سیزدهم، آن را جبران نماید و اگر روز سیزدهم متوجه نبود، باید در سال آینده در صورت امکان خودش، وگرنه نائبش از طرف او به جا آورد.

✽ شرایط سنگ رمی

در سنگ رمی چند چیز شرط است:

✽ اول: سنگریزه بودن

مسئله ۲۸۵. سنگریزه‌ها باید طوری باشد که عرفاً سنگ بر آن اطلاق شود؛ نباید به قدری کوچک باشد که به آن شن بگویند و نباید به قدری بزرگ باشد که به آن، سنگریزه (حصی) گفته نشود، بنابراین سنگریزه حدوداً باید به اندازه یک بند انگشت باشد.

✽ دوم: از حرم بودن

مسئله ۲۸۶. سنگریزه‌ها باید از حرم باشد؛ بنابراین ریگ خارج از حرم کفایت نمی‌کند.

مسئله ۲۸۷. سنگریزه‌هایی که از مطلق حرم جمع‌آوری شده، برای رمی کافی است و بودن سنگریزه از مشعرالحرام، استحباب دارد.

* سوّم: بکربودن

مسئله ۲۸۸. سنگریزه‌ها باید بکر باشد؛ یعنی خود شخص یا کس دیگری قبلاً به طور صحیح با آنها رمی نکرده باشد.

* چهارم: مباح بودن

مسئله ۲۸۹. باید سنگریزه‌ها مباح باشد؛ بنابراین با سنگ غضبی یا آنچه شخص دیگری برای خودش جمع کرده (بدون رضایت او) نمی‌توان رمی کرد.

* واجبات رمی جمره

در زدن سنگ‌ها رعایت چند چیز واجب است:

* اوّل: نیت

مسئله ۲۹۰. واجب است از اوّلین سنگ تا آخرین سنگ را که می‌زند با نیت همراه باشد، و بهتر آن است که نیت را به زبان آورد و بگوید: جمره عقبه را به هفت سنگ در حج تمتع یا افراد برای امتثال امر الهی رمی می‌کنم، و تعیین کند که حجّ او واجب است یا مستحب، اداست یا قضا، نیایی است یا برای خود انجام می‌دهد و در صورتی که نایب است، اسم منوب‌عنه را نیز ذکر کند.

* دوّم: رمی هفت سنگ

مسئله ۲۹۱. سنگ‌هایی که می‌اندازد هفت عدد باشد. اگر سهواً یا از روی ناآگاهی کمتر از هفت سنگریزه رمی کند، اگر پیش از به هم خوردن موالات عرفی متوجه شود، باید بقیه را به جا آورد و اگر موالات به هم خورده باشد، احتیاط آن است که باقی مانده را به جا آورد و دوباره رمی کند. اگر

در عدد سنگریزه‌هایی که انداخته شک کند، بنا را بر کمتر بگذارد و عدد را تکمیل کند.

* سوّم: پرتاب کردن سنگ

مسئله ۲۹۲. سنگریزه‌ها با پرتاب کردن، به جمره برخورد کند و در صورت عدم اصابت و یا شک در اصابت به شکل صحیح، عمل را تکرار کند تا به برخورد هفت سنگریزه به شکل صحیح، یقین پیدا کند.

* چهارم: تدریج در رمی

مسئله ۲۹۳. باید هفت سنگریزه را پی در پی و جدا جدا به ترتیب به سوی جمره پرتاب کند، و اگر همه یا چند تا از آنها را یک جا پرتاب کند، کفایت نمی‌کند اگرچه به ترتیب به جمره اصابت نماید، ولی اگر سنگ‌ها را پشت سرهم بیندازد و با هم به جمره برسند، صحیح است، و کفایت می‌کند.

* پنجم: پرتاب با دست

مسئله ۲۹۴. ریگ‌ها باید با دست پرتاب شود؛ بنابراین پرتاب با غیر آن، مثل پرتاب با پا یا با کمک گرفتن از بعضی از ابزار که برای پرتاب ساخته شده، کفایت نمی‌کند.

مسئله ۲۹۵. رمی جمره با دست راست و چپ جایز است، ولی رمی با دست راست بهتر است.

* احکام رمی جمره

مسئله ۲۹۶. زن‌ها در ازدحام فوق‌العاده می‌توانند رمی را تا آخر ایام تشریق به تأخیر بیندازند و خودشان در صورت امکان در روز رمی کنند، وگرنه شب رمی نمایند و اگر این هم ممکن نیست، می‌توانند نائب بگیرند که در روز رمی کند.

مسئله ۲۹۷. اگر کسی در روز دهم نتوانست رمی جمره عقبه انجام دهد، جایز است قربانی و حلق را در روز عید انجام دهد و رمی را در روز یازدهم قضا کند و اگر در روز یازدهم هم عاجز از رمی شد، روز دوازدهم قضای رمی جمره روز دهم و یازدهم را انجام دهد و اگر به طور کلی از رمی در روز عاجز باشد، می تواند در شب رمی کند.

مسئله ۲۹۸. رمی در طبقه پایین انجام شود، و در طبقه بالا خلاف احتیاط است.

مسئله ۲۹۹. حج کننده پیش از رمی خود می تواند برای دیگری رمی نماید. مسئله ۳۰۰. کسی که در اثر ناتوانی نمی تواند در روز رمی جمره کند، چنانچه رمی در شب برای او ممکن باشد، باید خودش در شب رمی کند و اگر ممکن نیست، نائب بگیرد که در روز از طرف او رمی کند و اگر به وطن برگشته، احتیاطاً اگر بتواند، خودش به منابرود و قضای آن را در روز به جا آورد و اگر نتواند، نائب بگیرد که در روز از طرف او رمی کند، و در هر صورت باید رمی در ایام تشریق باشد.

مسئله ۳۰۱. پرستار اگر با وصف پرستاری بتواند در روز رمی کند، رمی در شب برای او جایز نیست. ولی اگر با این وصف نتواند در روز رمی نماید، حکم بیمار را دارد که می تواند در شب رمی کند.

❖ (۵) قربانی روز عید (واجب دومینا)

مسئله ۳۰۲. بر هر کسی بیش از یک قربانی واجب نیست، ولی هر چه بیشتر قربانی کند استحباب دارد.

مسئله ۳۰۳. بر کسانی که حج تمتع به جا می آورند، قربانی واجب است، اگر چه حج استحبابی باشد.

مسئله ۳۰۴. هر نفر باید یک قربانی کامل ذبح و یا نحر نماید، و جایز نیست چند نفر در یک قربانی شریک شوند.

✽ شروط قربانی

مسئله ۳۰۵. شروطی که در مورد قربانی لازم است مراعات شود عبارت است از:

- ۱) قربانی باید شتر یا گاو یا گوسفند و یا بز باشد.
- ۲) اگر قربانی شتر است، باید وارد شش سال شده باشد و اگر گاو یا بز است، بنابر احتیاط واجب باید وارد سال سوم شده باشد و اگر گوسفند است، بنابر احتیاط باید وارد سال دوم شده باشد.
- ۳) قربانی باید صحیح الخلقه و کامل باشد، و قربانی حیوان کور، لنگ، خیلی پیر، حیوانی که شاخ داخلش شکسته باشد، حیوانی که گوش و یا عضو دیگری از او بریده شده باشد، حیوانی که اخته شده و یا لاغر باشد، کفایت نمی‌کند. مشهور آن است که در لاغر نبودن، همین قدر که در گرده (کمر) حیوان پیه گرفته باشد کافی است، و احتیاط واجب آن است که حیوانی را که از اصل خلقت بدون شاخ و یا گوش و دم است، قربانی ننماید، البته اگر گوش حیوان سوراخ شده باشد و یا آن را چاک داده باشند، ولی چیزی کم نداشته باشد، قربانی آن اشکالی ندارد. همچنین قربانی حیوانی که شاخ بیرونش شکسته است، اشکالی ندارد.
- ۴) بنابر احتیاط واجب باید ذبح در روز عید انجام گیرد و جایز نیست حج‌کننده در حال اختیار آن را به تأخیر اندازد و اگر از روی عمد یا عذر در روز عید انجام نداد، بنابر احتیاط واجب باید در ایام تشریق ذبح نماید و اگر از روی عمد یا عذر از ایام تشریق هم تأخیر انداخت، قربانی کردن تا آخر ذی‌حجه کفایت می‌کند. و بنابر احتیاط واجب در غیر از روز عید و ایام تشریق، به قصد ادا یا قضا قربانی نکند، بلکه قصد مافی‌الذمه نماید.
- ۵) ذبح باید در مینا واقع شود و ذبح در غیر مینا جایز نیست.

۶) لازم است ذبح، علی الاحوط پس از رمی و قبل از تقصیر و یا حلق قرار گیرد، ولی اگر سهواً و یا از روی ناآگاهی ترتیب را مراعات نکنند، به حجّ او ضرر نمی‌زند و اگر عمداً مراعات نکرده، باید در صورت امکان، آنچه را برخلاف ترتیب مقدّم داشته، اعاده نماید.

۷) ذبح قربانی می‌بایست همراه با نیت و به خاطر امثال امر الهی باشد و اگر خودش ذبح نمی‌کند، علاوه بر خودش ذابح نیز باید نیت کند و اگر ذابح نیت نکند، در کفایت آن اشکال است و اظهر آن است که نیت ذابح که به او نیابت داده‌اند، شرط لازم و کافی برای صحّت قربانی است. مسئله ۳۰۶. جایز است حیوانی را که عروق و بیضتین او را مالیده باشند، قربانی کنند، ولی قربانی حیوانی که تخم‌هایش را کشیده‌اند، کفایت نمی‌کند.

مسئله ۳۰۷. اگر قربانی را به گمان چاقی کشت و بعد معلوم شد که لاغر است، کفایت می‌کند و اگر با گمان لاغری ذبح کرد به احتمال آنکه چاق باشد و چاق درآمد، کافی است، ولی اگر لاغر درآمد کافی نیست.

مسئله ۳۰۸. اگر حیوانی را با علم به اینکه لاغراست، به جهت جهل به مسئله، قربانی کند و بعد معلوم شود چاق است، کفایت می‌کند، ولی اگر با یقین به لاغر بودن و دانستن مسئله، آن را ذبح نماید هر چند چاق درآید، کفایت نمی‌کند.

مسئله ۳۰۹. احتیاط واجب آن است که شخص قدری از قربانی حجّ خود را بخورد و قسمتی از آن را به شخص مؤمن، اگر چه بی‌نیاز باشد یا وکیل او باشد، هدیه دهد و قسمت دیگر آن را به فقیر مؤمن و یا وکیل او صدقه دهد، و احتیاط واجب آن است که مقدار هدیه و صدقه کمتر از ثلث نباشد، و در صورتی که حاجی فقیری در آنجا باشد، می‌توان به او صدقه داد. در شرایط فعلی که امکان دسترسی به گوسفند در کشتارگاه‌ها وجود ندارد، عمل به این احتیاط واجب نیست.

مسئله ۳۱۰. اگر کسی که برای ذبح قربانی کاروان، وکیل است شک کند که از طرف فلان شخص قربانی کرده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که قربانی نکرده است، و همچنین اگر خود شخص شک کند که وکیل از طرف او قربانی کرده یا نه، باید بنا را بر عدم ذبح بگذارد. البته اگر وکیل بگوید که قربانی کرده‌ام، در صورتی که متهم به کذب نباشد، می‌توان حرف او را پذیرفت.

✽ شرط ذابح

مسئله ۳۱۱. ذابح باید مسلمان و ذبیحهُ او حلال باشد، هر چند شیعه اثناعشری (دوازده امامی) نباشد.

✽ احکام قربانی

مسئله ۳۱۲. در شرایط قربانی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان، تحقیق لازم نیست، و در صورت شک، می‌تواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سنّ حیوان، لازم است یقین حاصل شود.

مسئله ۳۱۳. اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن متوجه شد که سنّ قربانی کمتر از حد نصاب است، بنا بر احتیاط لزومی، اعاده لازم است.

مسئله ۳۱۴. ذبح در شب یازدهم بنا بر احوط، جایز نیست و اگر در روز عید ذبح نکرد، روز یازدهم ذبح نماید.

مسئله ۳۱۵. با امکان قربانی در مینا، قربانی در جای دیگر کفایت نمی‌کند، البته اگر تا پایان ایام تشریق، بلکه تا آخر ذی‌حجه امکان ذبح نبود، قربانی در کشتارگاه‌های فعلی کفایت می‌کند.

مسئله ۳۱۶. با توجه به مسئله قبل، سرپرست و یا روحانی کاروان که به اوضاع منطقه مینا آشناست، شاید بتواند با تحمّل مشکلات و یا احیاناً

به راحتی با تأخیر قربانی خود تا روز سیزدهم و یا دیرتر در منای قربانی کند، مثلاً اگر خودش تنها باشد می تواند گوسفند را به دوش بگیرد و به قسمت هایی از قربانگاه که بعضی اهل خبره می گویند منای است بیاورد و در آنجا ذبح کند و یا با انجام بعضی ترفندها گوسفند را از خارج منای بخرد و از دید مأموران پنهان کند و آن را زیر چادر و یا جای دیگری ذبح کند، ولی اگر سرپرست و یا روحانی کاروان چنین عملی را انجام دهد، موجب محاذیری می شود:

اول اینکه: اگر افراد کاروان بفهمند، موجب اختلاف شدید و سلب اعتماد و به وسوسه افتادن نسبت به صحت اعمال خودشان می شود. دوم اینکه: اگر برای افراد کاروان نیز بخواهد همین گونه عمل کند، معمولاً امکان ندارد.

سوم اینکه: اگر این همه حاجی ایرانی بخواهند در هر گوشه ای از منای قربانی کنند، موجب حساسیت شدید مسئولان و مأموران عربستان می شود و مشکلات فراوانی در پی خواهد داشت و شاید حتی در روزهای سیزدهم به بعد هم کاملاً منطقه را کنترل کنند و موجب دستگیری بعضی حجاج گردد.

چهارم اینکه: شاید اگر تعداد زیادی از حاجیان بخواهند سیزدهم به بعد ذبح کنند، قربانی به اندازه کافی پیدا نشود.

پنجم اینکه: این عمل موجب وهن نسبت به عقاید شیعه و تبلیغات علیه آنها می شود.

بنابراین با توجه به مشکلات فوق، تأخیر قربانی از روز عید برای ذبح در منای لازم نیست و با وجود مفاسد فوق، عدم تمکن، صادق است و قربانی در قربانگاه های کنونی کافی است.

مسئله ۳۱۷. اگر کسی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف شخص دیگری قربانی کند به این خیال که اذن فحوا از او دارد و مطمئن است

که وقتی به او بگویند، او راضی است و خوشحال می‌شود، این نحو قربانی کفایت نمی‌کند.

مسئله ۳۱۸. اگر حج‌کننده کسی را وکیل در قربانی نموده، وکیل بدون اجازه از موکل نمی‌تواند دیگری را وکیل نماید.

مسئله ۳۱۹. اگر وکیل، قربانی را برای موکل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، حج موکل اشکالی ندارد؛ اگر از ماه ذی‌حجه بیرون رفته‌اند، قربانی را در سال آینده در مینا انجام دهد و چنانچه در ماه ذی‌حجه فهمیده باشد، باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

مسئله ۳۲۰. اگر کسی به اعتماد نائب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نائب از جانب او رمی ننموده است، ذبح و حلق او صحیح است، هرچند باید رمی انجام شود.

مسئله ۳۲۱. تعیین قربانی برای هر حج‌کننده لازم است؛ بنابراین کسانی که به‌عنوان وکیل کاروان، تعداد زیادی گوسفند می‌خرند، هنگام ذبح باید نام هریک از موکلین را جداگانه تعیین کنند.

مسئله ۳۲۲. حج‌کننده پیش از قربانی خودش، می‌تواند برای دیگران قربانی کند.

مسئله ۳۲۳. ذبح با چاقوهای استیل که اکثر مواد آن از آهن است، اشکال ندارد.

مسئله ۳۲۴. اگر قربانی از وجه غیرمخمس باشد و اگر معامله به‌صورت عین به‌عین باشد، کفایت نمی‌کند.

مسئله ۳۲۵. اگر به‌اندازه قیمت گوسفند، پول در راه خیر بدهد، کفایت از قربانی نمی‌کند و باید قربانی در حج انجام گیرد.

مسئله ۳۲۶. اگر در روز عید موفق به ذبح گوسفند نشد، حلق را در روز عید انجام دهد و قربانی را تأخیر بیندازد.

❖ (۶) حلق و تقصیر (واجب سوّمینا)

مسئله ۳۲۷. واجب سوّم روز عید در مینا حلق یا تقصیر است. «حلق» آن است که تمام سر را بتراشد و «تقصیر» به این معناست که مقداری از ناخن و یا موی سر و رو و سبیل خود را کوتاه کند.

مسئله ۳۲۸. کسی که برای اولین بار به سفر حج مشرف شده است، که اصطلاحاً به او «صروده» می‌گویند، بنابر احتیاط واجب باید حلق (سر تراشیدن) را انجام دهد، ولی کسانی که سفر حج اول آنها نیست، بین حلق و تقصیر مخیر می‌باشند.

مسئله ۳۲۹. کوتاه کردن مو با ماشین‌های اصلاح، اگر صدق حلق کند، کفایت می‌کند.

مسئله ۳۳۰. حکم وجوب حلق در موارد مذکور فقط مربوط به مردان است و برزن‌ها و کسی که خنثی باشد، حلق حرام و تقصیر متعین است.

مسئله ۳۳۱. کسی که سرش موندارد، حلق بر او واجب نیست و باید تقصیر کند.

مسئله ۳۳۲. برای شخص مُحرم جایز نیست قبل از حلق و یا تقصیر خود، برای دیگری حلق و یا تقصیر کند.

❖ واجبات حلق و تقصیر

برای حلق و تقصیر رعایت چند چیز واجب است:

❖ (۱) نیت

مسئله ۳۳۳. حلق و یا تقصیر مانند سایر عبادات و اعمال حج باید با نیت همراه باشد، مثلاً اگر می‌خواهد نیت را به زبان بیاورد بگوید: «سرمی‌تراشم در حج تمتع و یا ...، قرّبه إلى الله» و باید تعیین کند که حج او حجّة الاسلام است یا حجّ نذری است یا حجّ نیابتی و یا حجّ استحبابی

است، و اگر حجّ نیابتی است منوب عنه را ذکر کند. در صورتی که تقصیر می‌کند به جای اینکه بگوید: سر می‌تراشم، می‌گوید: تقصیر می‌کنم، و بهتر آن است که اگر دیگری سر او را می‌تراشد، او نیز نیت کند.

❁ (۲) ترتیب

مسئله ۳۳۴. حلق و تقصیر باید بعد از رمی جمره عقبه و قربانی و قبل از طواف زیارت و اعمال مترتبه بر آن انجام شود، و اگر عمداً ترتیب را مراعات نکنند، گناه کرده ولی کفاره ندارد. احتیاط آن است که در صورت امکان با اعاده، ترتیب را تدارک نماید و اگر حلق را مقدّم بر قربانی انجام داده، با تیغ کشیدن روی سر و یا تقصیر، آن را دوباره به جا آورد.

❁ (۳) انجام حلق و تقصیر در منا

مسئله ۳۳۵. واجب است حلق و تقصیر در منا انجام گیرد و در غیر منا صحیح نیست و کفایت نمی‌کند. اگر بدون انجام حلق و تقصیر از منا بیرون رفته، چه از روی عمد و چه به جهت فراموشی و چه به جهت ندانستن مسئله، در صورت امکان باید برای انجام حلق و تقصیر به منا بازگردد و اگر بازگشت به منا ممکن نیست، هر کجا یادش آمد، حلق و یا تقصیر کند و مستحب است در صورت امکان موی خود را به منا بفرستد که در آنجا دفن شود.

❁ احکام حلق یا تقصیر

مسئله ۳۳۶. اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید، باید حلق یا تقصیر کند و دوباره طواف را به جا آورد، و اگر بعد از طواف و سعی یادش بیاید، باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

مسئله ۳۳۷. پس از حلق و تقصیر، جمیع تروک احرام جز صید و استفاده از بوی خوش و تمتع از زنان، بر شخص حلال می شود؛ بنابراین می تواند لباس های دوخته خود را دوباره بپوشد.

مسئله ۳۳۸. کسی که وظیفه او حلق است ولی از حلق معذور است، لزوم و کفایت تقصیر بعید نیست، هرچند احتیاط مستحب، کشیدن ابزار حلق بر سر است.

مسئله ۳۳۹. اگر حج گزار قبل از حلق و یا تقصیر، لباس دوخته بپوشد، باید حلق یا تقصیر را به جا آورد، و اگر عالماً و عامداً این کار را کرده، برای پوشیدن لباس دوخته، قبل از احلال، یک گوسفند قربانی کند، اما از روی فراموشی یا ناآگاهی کفاره ندارد.

مسئله ۳۴۰. تراشیدن ریش، کفایت از تقصیر یا حلق نمی کند.

مسئله ۳۴۱. قبل از مُحرم شدن به احرام حج، ماشین کردن سر به جهت آسان شدن حلق در روز عید، مانعی ندارد، ولی بعد از احرام جایز نیست.

مسئله ۳۴۲. اگر حج کننده برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمی تواند حلق کند، ولی اگر با اعتقاد به اینکه وکیل برای او قربانی کرده، حلق کرد و بعد معلوم شود که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق، اعمال مگه را هم انجام داده باشد، کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسئله ۳۴۳. حلق در شب، خلاف احتیاط است و اگر در روز عید ترک نمود، روز یازدهم باید حلق کند.

مسئله ۳۴۴. کسی که به خاطر ندانستن مسئله یا غفلت، در غیر منا حلق کرده، بعید نیست کافی باشد، هرچند احتیاط آن است که در صورت تمکن به منا برگردد و حلق کند (ابزار حلق را بر روی سر عبور دهد)، و اعمال بعدی را اعاده کند و در صورت نتوانستن، هر جا که هست همان جا حلق کند و استحباباً موی خود را به منا بفرستد.

مسئله ۳۴۵. اگر کسی از روی جهل یا فراموشی، در غیر منّا حلق یا تقصیر کرده است، صحّت آن بعید نیست.

مسئله ۳۴۶. کسی که فقط وقوفین اضطراری را می‌تواند درک کند و برای بقیه اعمال خود نائب می‌گیرد، باید در منّا حلق کند و حلق در غیر منّا کافی نیست، مگر آنکه نتواند به منّا برود.

مسئله ۳۴۷. کسانی که اعمال حجّ را بر وقوفین مقدّم می‌دارند، اگر از روی جهل یا سهو، بعد از سعی، تقصیر نمودند، موجب محل شدن نمی‌شود و کفّاره هم ندارد.

❖ (۷) طواف زیارت

مسئله ۳۴۸. پس از انجام اعمال منّا در روز دهم، لازم است نسبت به انجام اعمال مکه که اولین آنها طواف زیارت است. مبادرت کند.

مسئله ۳۴۹. طواف زیارت، که طواف حجّ نیز نامیده می‌شود، از نظر احکام کاملاً مانند طواف عمره تمتع است، فقط در نیت متفاوت است و در این طواف به جای آنکه بگوید: در عمره تمتع طواف می‌کنم ... می‌گوید: در حجّ تمتع طواف می‌کنم.

❖ (۸) نماز طواف زیارت

مسئله ۳۵۰. پس از طواف زیارت، دو رکعت نماز طواف زیارت نیز پشت مقام می‌خواند. نماز طواف زیارت نیز در احکام و شرایط مانند نماز طواف در عمره تمتع است.

❖ (۹) سعی بین صفا و مروه

مسئله ۳۵۱. پس از نماز طواف زیارت، واجب است که سعی بین صفا و مروه را به جا آورد و آن نیز در احکام مانند سعی بین صفا و مروه در عمره

تمتع است با این تفاوت که:

اول اینکه: در نیت می‌گوید: سعی می‌کنم در حج تمتع؛
و دوم اینکه: پس از سعی در حج تمتع، تقصیر لازم نیست.
با انجام سعی در حج تمتع، استفاده از بوی خوش نیز بر حاجی
حلال می‌شود.

❖ (۱۰) طواف نساء

مسئله ۳۵۲. پس از انجام سعی، حاجی به مسجد الحرام بازمی‌گردد و دوباره خانه خدا را به نیت طواف نساء، طواف می‌کند.
مسئله ۳۵۳. طواف نساء بر همه افرادی که حج به جا می‌آورند، لازم است و تفاوتی بین زن و مرد بالغ و غیربالغ نیست، حتی برای طفل غیرممیز یا مجنون که ولی اش او را مُحرم کرده است، لازم است.

❖ (۱۱) نماز طواف نساء

مسئله ۳۵۴. پس از طواف نساء واجب است حاجی دو رکعت نماز طواف با همان کیفیتی که در نماز طواف عمره گفته شد، به جا آورد.
مسئله ۳۵۵. پس از انجام طواف نساء و نماز آن، اگر به شکل صحیح انجام گیرد، زن بر مرد و مرد بر زن حلال می‌شود، و این آخرین چیز از تروک احرام (غیراز صید) است که در مناسک حج بر حاجی حلال می‌شود.
مسئله ۳۵۶. احتیاط مستحب آن است که پس از عمره تمتع نیز طواف نساء و نمازش را به جا آورند.
مسئله ۳۵۷. صبّی ممیز، خودش طواف‌ها و سایر اعمال را به جا می‌آورد، و غیرممیز را ولی او طواف می‌دهد و نمازش را به نیابت از او به جا می‌آورد.
مسئله ۳۵۸. اگر صبّی ممیز، طواف نساء را به جا نیاورد و یا ولی، صبّی

غیرمتمیز را طواف نساء ندهد، اگر دختر است بر او تمتع از شوهر جایز نیست و اگر پسر است بر او تمتع از زن جایز نمی‌باشد، مگر آنکه یا خود او طواف کند و یا ولی او قبل از بلوغ برای او نائب بگیرد و یا خودش پس از بلوغ برای انجام طواف نائب بگیرد.

❖ احکام متفرقه اعمال مکه مکرمه

مسئله ۳۵۹. بهتر آن است که حج گزار پس از اعمال روز دهم، در صورت امکان برای انجام اعمال مکه، به مکه بیاید و در صورتی که امکان نداشت، روز یازدهم به مکه بیاید، بلکه احتیاط آن است که تا قبل از ظهر روز سیزدهم، اعمال مکه را انجام دهد، اگرچه تأخیر انداختن آن تا آخر ذی حجه جایز است.

مسئله ۳۶۰. کسانی که حج تمتع به جا می‌آورند، جایز نیست اختیارات طواف و سعی را بروقوف به عرفات و مشعر مقدم بدانند و در صورت تقدیم، طواف و سعی باطل است و اعاده آن لازم است.

مسئله ۳۶۱. از حکمی که در مسئله قبل ذکر شد، سه طایفه مستثنا هستند:

- (۱) زنی که نگران باشد پس از اعمال منا، حیض یا نفاس شود و به خاطر رفتن کاروان، نمی‌تواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند.
- (۲) بیماران و پیرانی که به خاطر کثرت ازدحام، توانایی طواف پس از اعمال منا را نداشته باشند.

- (۳) کسانی که یقین دارند بعد از برگشتن از منا، در تمام ماه برای آنها طواف و سعی ممکن نمی‌شود.

واجب است این سه گروه پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منا، طواف و سعی را به جا آورند.

مسئله ۳۶۲. افرادی که مجاز به تقدیم طواف و سعی بروقوف به عرفات و منا هستند، در صورتی که پس از بازگشت از منا تا آخر ذی حجه قادر

به انجام طواف باشند، احوط و اولی آن است که طواف و سعی را اعاده کنند و بهتر آن است تا پایان زمان طواف و سعی مجدد، از بوی خوش بپرهیزند. همچنین احتیاط آن است که طواف نساء و نماز آن را، رجائاً، بروقفین مقدم دارند و سپس در صورت امکان، پس از اعمال مینا آنها را اعاده کنند و در صورت عدم امکان، نائب بگیرند تا آنها را انجام دهد.

مسئله ۳۶۳. لازم است نائب، طواف نساء را از جانب منوب عنه به جا آورد. مسئله ۳۶۴. زنی که برای انجام مناسک مکه، از مینا بازگشته است، اگر حائض شود و تا زمان پاک شدن، برای او امکان ماندن در مکه نباشد، باید برای طواف زیارت و نمازش نائب بگیرد و پس از آنکه نائب نماز طواف را به جا آورد، خودش به سعی برود و سپس برای انجام طواف نساء و نمازش دوباره نائب بگیرد و در این صورت از احرام، کاملاً بیرون آمده و همه تروک احرام بر او حلال می شود.

مسئله ۳۶۵. لازم است طواف نساء را بعد از سعی به جا آورد و اگر مقدم داشت، اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است.

مسئله ۳۶۶. زنی که احتمال می دهد بعد از اعمال مینا معذور شود، می تواند طواف نساء را نیز بعد از طواف زیارت و سعی، مقدم بر وقوف عرفات بدارد، بلکه با خوف از عدم تمکن، تقدیم لازم است.

مسئله ۳۶۷. کسانی که وظیفه تقدیم طواف بر وقفین در حج تمتع دارند، باید بعد از احرام حج، اقدام به آن نمایند.

مسئله ۳۶۸. تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می دارند، بر عهده خود آنان است.

مسئله ۳۶۹. تقدیم اعمال مکه برای ذوی الأعذار جایز است و لازم نیست، مگر در مورد کسی که یقین دارد اگر اعمال مکه را قبل از وقفین انجام ندهد، تا آخر ذی حجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است.

مسئله ۳۷۰. کسی که نیابت در انجام حج تمتع دارد؛ اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد، می‌تواند اعمال حج را بروقفین و اعمال منا مقدم بدارد.

مسئله ۳۷۱. اگر حج‌گزار بتواند اعمال مکه را . حتی با تأخیر . خودش انجام دهد، نباید نایب بگیرد.

مسئله ۳۷۲. با مُحرم شدن به احرام حج و عمره مفرده، ازدواج با زن و هرگونه استمتاع از او حرام می‌شود و تا طواف نساء به جا آورده نشود، هیچ‌یک از استمتاعات بر او حلال نیست، ولی در صورت عصیان و مقاربت با زن، اولاد ملحق به آنها است و توارث نیز بین آنها ثابت است.

مسئله ۳۷۳. اگر کسی پس از بازگشت از مکه شک کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چنانچه به وجوب طواف نساء توجه نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، ولی اگر التفات به وجوب آن داشته و شک دارد که انجام داده یا نه، بعید نیست انجام آن واجب نباشد، اگرچه احتیاط خوب است.

مسئله ۳۷۴. طواف نساء بر پیرمردان و پیرزنانی که قادر به عمل زناشویی نیستند و نیز کسی که عنین (ناتوان از نزدیکی با همسر) است و قصد ازدواج ندارد، واجب است.

مسئله ۳۷۵. کسی که بعد از حج ازدواج کرده و دارای فرزند شده و بعداً متوجه می‌شود که در حج، طواف نساء را به جا نیاورده است، با فرض جهل، فرزند او حکم حلال‌زاده را دارد، ولی عقد ازدواج باطل است و باید طواف نساء را انجام دهد و سپس عقد را تجدید کند.

مسئله ۳۷۶. اگر نایب، طواف نساء را به جا نیاورد، علاوه بر اینکه زن بر او حرام است، ذمه‌اش هم مشغول است و خودش باید در زمان حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد و قبل از انجام آن فوت کند، باید برای او نایب بگیرند.

❖ (۱۲) بیتوته در منا

مسئله ۳۷۷. پس از انجام مناسک مکه، واجب است شخص برای ماندن (بیتوته) در منا در شب‌های یازدهم و دوازدهم به منا بازگردد.
مسئله ۳۷۸. بر سه طایفه بیتوته شب سیزدهم در منا و رمی جمرات روز سیزدهم نیز واجب است:

- (۱) کسی که در حال احرام صید کرده است.
- (۲) کسی که از تمتع زنان اجتناب نکرده است.
- (۳) کسی که تا غروب آفتاب روز دوازدهم در منا مانده است، اگرچه آماده حرکت بوده و سوار ماشین شده ولی در راه‌بندان مانده و نتوانسته از حدود منا خارج شود.

مسئله ۳۷۹. کسانی که سال اول حج آنهاست و یا بعض محرمات احرام را مرتکب شده‌اند و یا گناه کبیره دیگری را در حال احرام انجام داده‌اند، اولی و احوط آن است که شب سیزدهم را در منا بیتوته کنند، بلکه بیتوته شب سیزدهم برای همه افضل است.

مسئله ۳۸۰. مقدار واجب بیتوته در منا، از غروب تا نیمه شب است و خروج از منا پس از نیمه شب جایز است، اگرچه افضل آن است که تمام شب را تا طلوع فجر در منا بماند، و احتیاط مستحب آن است که قبل از طلوع فجر داخل مکه نشود.

مسئله ۳۸۱. ماندن در منا باید با نیت همراه باشد و اگر اول مغرب نیت نکرده است، باید بعد از داخل شدن وقت نماز عشا نیت کند و بگوید: «امشب را در منا می‌مانم، قریه‌ی الی الله» و نوع حاجی را که به جا می‌آورد. تمتع یا غیر آن را نیز تعیین کند. همچنین اگر نایب است، به نیت منوب عنه در منا بماند و اگر نیت نکند، گناه کرده، ولی کفاره‌ای بر او واجب نیست و کفایت می‌کند که به این منظور در منا بماند اگرچه نیت آن را به زبان نیاورد و در دل هم نگذراند.

مسئله ۳۸۲. در شب‌هایی که بیتوته در مِنا واجب است، غیر از دو مورد، ماندن در مکه جایز نیست:

(۱) کسی که تمام شب تا صبح را در مکه به عبادت بپردازد.
 (۲) کسی که معذور باشد مثل چوپان، سقّا، مریض، مراقبِ مریض. اگر مراقبت لازم باشد. و مراقب اموال در صورت ضرورت.
 مسئله ۳۸۳. کسانی که در غیر مکه و یا در مکه بدون اشتغال به عبادت، و یا در غیر مکه در حال اشتغال به عبادت، شب‌های مذکوره را گذرانده‌اند، می‌بایست برای هر شب یک گوسفند کفّاره قربانی کنند، و بنا بر احتیاط واجب، ناسی و جاهل و معذور نیز همین حکم را دارند.

مسئله ۳۸۴. کسی که برای انجام اعمال به مکه آمده و به خاطر اعمال مکه نتوانسته خود را تا گذشتِ قسمتی از شب به مِنا برساند، براو کفّاره واجب نیست، اگرچه بعد از نیمه شب به مِنا رسیده باشد.

✽ احکام بیتوته در مِنا

مسئله ۳۸۵. کسی که برای طواف‌ها به مکه رفته و چند ساعتی از مبیتِ اوّل شب را درک نمی‌کند، باید قبل از نیمه شب در مِنا حاضر شود و تا طلوع فجر در مِنا بماند.

مسئله ۳۸۶. کسی که در شب یازدهم و دوازدهم برای عبادت به مسجد الحرام رفته است، اگر بر اثر خستگی به مقداری چرت بزند که صدق عبادت در تمام شب را نکند، باید کفّاره بدهد.

مسئله ۳۸۷. برای کسی که به جای بیتوته در مِنا، در مکه به عبادت مشغول است، مقدار شب از مغرب تا طلوع فجر حساب می‌شود.

مسئله ۳۸۸. کسی که بدون عذر، نصفِ اوّل شب را در مِنا نبوده است، واجب است نصفِ دوّم را در مِنا بماند و کفّاره ترک مبیت را هم بدهد.

❖ (۱۳) رمی جمرات در ایام تشریق

مسئله ۳۸۹. رمی جمرات سه گانه (اولی، وسطی، عقبه) در روزهای یازدهم و دوازدهم برای همه حجّاج، و در روز سیزدهم برای برخی واجب است.

مسئله ۳۹۰. رمی هر جمره باید با هفت سنگریزه انجام گیرد.

مسئله ۳۹۱. مراعات ترتیب در رمی جمرات واجب است؛ به این معنا که از جمره اولی شروع کند و به جمره عقبه به پایان رساند، و در صورتی که ترتیب را مراعات نکرده است، باید رمی را طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود.

مسئله ۳۹۲. زمان رمی، در حال اختیار، از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب است و معذورین مانند مریض، چوپان، هیزم شکن و کسی که از رمی در روز خوف بر نفس دارد، می توانند در شب رمی کنند و در صورتی که هر شب نمی توانند رمی نمایند، می توانند در یک شب سنگ همه روزها را بزنند.

مسئله ۳۹۳. اگر به جمره اولی، چهار سنگریزه یا بیشتر بزند و سپس از روی فراموشی به جمره بعدی هفت سنگریزه بزند؛ اگر مقدار کم بود اولی را جبران کند، کفایت می کند، ولی اگر کمتر از چهار سنگ زده باشد، آنچه به جمره اولی زده محسوب نیست و باید ابتدا جمره اولی را هفت سنگ بزند و سنگ های جمره بعدی را نیز تکرار کند و اکمال نقص به تنهایی کفایت نمی کند، بلکه باید رمی جمره بعدی را نیز اعاده کند. البته اگر نقص مربوط به جمره سوم باشد، اکمال آن کافی است و لازم نیست رمی جمرات قبل را نیز اعاده نماید.

مسئله ۳۹۴. اگر حاجی، رمی یکی از روزها را فراموش کند و یا عمدتاً ترک نماید، قضای آن در روز بعد واجب است و باید اول قضای روز قبل را کاملاً به جا آورد و سپس سنگ های همان روز را بزند.

مسئله ۳۹۵. کسی که رمی جمرات را فراموش کند و در مکه متوجه شود، واجب است در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) برای جبران به منا

بازگردد و اگر پس از ایام تشریق متوجه شد، در سال بعد باید خود و یا نائِبش آن را قضا کند.

مسئله ۳۹۶. اگر زنی با رفتن در ازدحام جمعیت، خوف از نفس دارد، باید در شب رمی کند و اگر در شب هم نمی‌تواند رمی کند، برای رمی در روز به کسی نیابت دهد.

مسئله ۳۹۷. آوردن خاک و ریگ و سنگ از مسجدالحرام جایز نیست و چنانچه با خود آورده باشد، برگرداندن آن در صورت امکان، لازم است.

✽ احکام رمی جمرات

مسئله ۳۹۸. کسی که به نیابت از دیگری رمی جمره می‌کند، می‌تواند اوّل برای خودش هر جمره‌ای را رمی کند و پس از آن به نیابت دیگری رمی کند یا اینکه اوّل هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را به ترتیب برای دیگری رمی نماید.

مسئله ۳۹۹. برای کسانی که می‌توانند تا بعد از ظهر روز دهم رمی کنند، گرفتن نائِب جایز نیست.

مسئله ۴۰۰. کسی که از رمی در روز محذور است و وظیفه وی رمی در شب است، نمی‌تواند در روز نائِب بگیرد.

مسئله ۴۰۱. افرادی که از انجام بعضی از واجبات حج مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مبيت در مینا در شب‌های یازدهم و دوازدهم معذورند، نمی‌توانند اجیر شوند و نیابت کنند.

مسئله ۴۰۲. مردی که برای رمی از طرف زنی نائِب شده، باید رمی را در روز انجام دهد و نباید در شب انجام دهد.

مسئله ۴۰۳. در رمی جمرات اگر از اوّل قصد زیادتراز هفت سنگریزه داشته باشد، صحیح نیست و باید رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ، برای احتیاط، سنگ‌های دیگری زده، اشکال ندارد.

❖ (۱۴) نفر (کوچ) از مینا

مسئله ۴۰۴. کسانی که روز دوازدهم از مینا برمی گردند، جایز نیست قبل از زوال شمس (ظهر شرعی) از مینا خارج شوند، و در صورت تخلف عمدی، گناه کرده اند و باید در صورت امکان، قبل از زوال به مینا بازگردند، ولی در صورتی که به جهت ندانستن مسئله یا فراموشی کوچ کرده باشند، اشکالی ندارد.

مسئله ۴۰۵. کسانی که روز سیزدهم از مینا مراجعت می کنند، بهتر است که قبل از زوال، از مینا بازگردند.

مسئله ۴۰۶. بانوانی که وظیفه آنها رمی در شب دوازدهم ذی حجه است، باید مانند مردان تا ظهر روز دوازدهم در مینا بمانند و بعد از اذان ظهر از مینا کوچ کنند.

مسئله ۴۰۷. اگر حاجی قبل از ظهر روز دوازدهم، به خاطر رفع بعضی از نیازهایش به مکه آمده، لازم است در صورت امکان، قبل از ظهر به مینا برگردد.

❖ عمره مفرده

مسئله ۴۰۸. بر کسانی که قصد ورود به مکه مکرمه را دارند و همچنین بر افرادی که می خواهند به حرم وارد شوند، اگرچه قصد انجام مناسک را نداشته باشند، احرام برای عمره مفرده از یکی از مواقیت واجب است.

مسئله ۴۰۹. انجام یک عمره مفرده در هر ماه از ماه های سال مستحب است، ولی به جا آوردن دو عمره در یک ماه در صورتی که هر دو از طرف خود یا از طرف شخص دیگری باشد، جایز نیست. لازم نیست بین دو عمره مفرده ۳۰ روز فاصله باشد، بلکه اگر یکی را در پایان ماه و دومی را در اول ماه بعد انجام دهد، اشکال ندارد.

مسئله ۴۱۰. کسی که حج تمتع خود را به پایان رسانده، می تواند برای خود یا اشخاص دیگر، عمره مستحبی به جا آورد.

مسئله ۴۱۱. میقات عمره مفرده همان میقات های معروف است و کسانی که در مکه هستند، می توانند از مسجد «تنعیم» یا «حدیبیه» مُحرم شوند.
 مسئله ۴۱۲. بعد از اعمال عمره تمتع و قبل از اعمال حج، عمره مفرده جایز نیست، ولی بعد از اتمام حج تمتع، عمره مفرده اشکال ندارد و فاصله لازم نیست.

مسئله ۴۱۳. انجام عمره مفرده مستحبی به قصد خود و دیگران مانعی ندارد.
 مسئله ۴۱۴. با فرض آنکه در حال حاضر، مسجد تنعیم جزو مکه شده باشد، بعد از احرام عمره مفرده، استتلال مانعی ندارد.

مسئله ۴۱۵. اعمال عمره مفرده عبارتند از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی، تقصیر، طواف نساء و نماز آن.

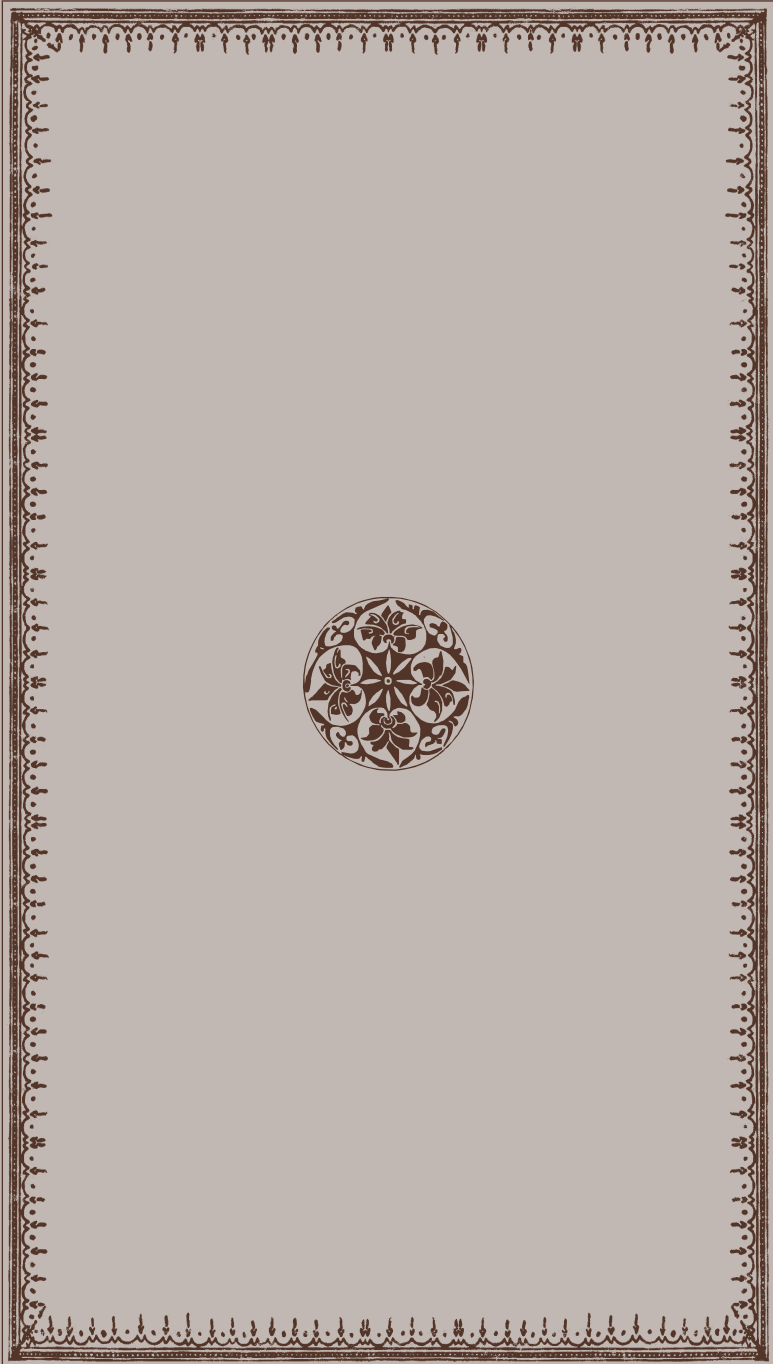
مسئله ۴۱۶. احکام احرام و طواف و ... در عمره مفرده، مانند عمره تمتع است.

مسئله ۴۱۷. نماز طواف در عمره مفرده استحبابی هم باید پشت مقام انجام شود.

مسئله ۴۱۸. زنی که به نیت عمره مفرده، مُحرم شده و بعد از آن، عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد عادت او ادامه دارد، باید برای طواف و نماز آن، نائب بگیرد و خود، سعی و تقصیر را انجام دهد و بعد از آن برای طواف نساء هم نائب بگیرد.

فصل چہ اتم

مستحبات و مکروہات حج



❖ مستحبات سفر

برای سفر آداب و مستحبات فراوانی است که به اهم آنها . که تناسب بیشتری با حج دارد . اشاره می‌کنیم:

(۱) تزکیه نفس، و نیت را برای خداوند متعال خالص کردن، و پرهیز از هر چیزی که انسان را از خداوند غافل می‌کند و متوجه خود می‌سازد.
(۲) پاک کردن مال از حرام، و پرداخت حق الله و حق الناس از اموال خود؛ زیرا در روایت آمده است: کسی که با مال حرام به حج برود، هنگامی که لبیک می‌گوید در جواب او گفته می‌شود: «لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ» اجابت تو اجابت نیست و عملت، مورد رضایت ما نمی‌باشد.

همچنین نسبت به حقوق غیر مالی مردم مانند غیبت کردن، تهمت زدن و بردن آبرو، از آنان حلالیت بخواهد.

(۳) نوشتن وصیت‌نامه؛ زیرا حضرت صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ رَكِبَ زَاحِلَةً فَلْيُؤْصِ» هرکس عازم سفر می‌شود، باید وصیت کند، زیرا چه بسا اجل او فرارسد و راه بازگشت برای او نباشد.

۴) خواندن دو رکعت نماز و قرائت این دعا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ
 الْإِيمَانِ الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا.
 اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ.
 اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَأْتِبَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ
 الْوَلَدِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ هَذَا التَّوَجُّهُ طَلِباً لِرِضَاتِكَ وَ تَقَرُّباً إِلَيْكَ اللَّهُمَّ قَبِّلْ عَنِّي مَا
 أَوْلَمْتَهُ وَ أَرْجُوهُ فِيكَ وَ فِي أَوْلِيَائِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و نیز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا حَوَّلْتَنِي وَ قَدْ وَثِقْتُ
 بِكَ، فَلَا تَحْتَبِنِي يَا مَنْ لَا يُحْتَبُ مِنْ أَرَادَهُ وَ لَا يُضْبَعُ مِنْ حَفِظَهُ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِي فِيمَا غَبِثَ عَنْهُ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۵) صدقه بدهد، و مقداری از تربت حضرت امام حسین علیه السلام را همراه
 خود ببرد که بهترین حرز برای او خواهد بود، ان شاء الله.

❖ مستحبات احرام

۱) کوتاه نکردن موی سر قبل از احرام از اول ماه ذی قعدة؛ و این استحباب
 با حلول ماه ذی حجه تأکید می‌گردد.

۲) تمیز کردن بدن، و کوتاه کردن ناخن‌ها، و گرفتن سبیل، و از بین بردن
 موهای زیر بغل و عانه (زیر شکم) قبل از احرام؛ اگرچه این امور را تازه انجام
 داده باشد.

۳) غسل کردن در هنگامی که می‌خواهد مُحْرَم شود، اگرچه حائض و
 نفساء باشد؛ کسی که به خاطر عذر نمی‌تواند غسل کند، رجائاً بدل از
 غسل، تیمم نماید. با ترس نبودن آب در میقات، می‌توان قبل از میقات

غسل کرد و در این صورت اگر در میقات آب بود، غسل را اعاده کند. همچنین برای کسی که بعد از غسل و قبل از احرام از او حدث اصغر سرزند و یا از پوشاک و خوراکی که استفاده از آن برای مُحرم جایز نیست، استفاده کند، مستحب است که غسل را اعاده کند. می‌تواند در ابتدای روز برای شبی که در پیش است و همچنین در ابتدای شب برای روزی که در پیش است، برای احرام غسل کند.

۴) هنگام غسل احرام، خواندن ادعیه‌ای که از معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) رسیده است. پس می‌گوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِزْزًا وَآمِنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَشَقِيمٍ.

اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَاجْرِ عَلَي لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَ مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَ الْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۵) پارچه احرام از پنبه باشد؛ و بهتر آن است که در پارچه سفید مانند حوله‌های حَمَام، مُحرم شود.

۶) احرام بعد از نماز ظهر منعقد گردد؛ اگر نماز ظهر بر عهده او نیست، بعد از نماز واجب دیگری مُحرم شود، اگرچه نماز قضا باشد و اگر نماز قضا نیز ندارد، بعد از شش رکعت نماز مستحبی مُحرم شود. کمترین حد استحباب آن است که دو رکعت نماز مستحبی به جا آورد که در رکعت اول آن پس از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم پس از حمد، سوره کافرون را قرائت نماید و سپس مُحرم شود.

۷) پس از نماز مذکور و بعد از حمد و ثنای خداوند متعال، قبل از احرام این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوَفِّي إِلَّا مَا وَفَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتُ

الْحُجَّ فَاسْأَلْكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ، وَ تُقَوِّبَنِي عَلَى مَا صَعَفْتُ عَنْهُ، وَ تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ، وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عَمْرِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحُجَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْسِبُنِي، فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي، لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عَظْمِي وَ عَصِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ.

و پس از این دعا، پارچه های احرام را بپوشد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أَوْدَى مِنْهُ فَرْيَضَتِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي، وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِزْبِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلْجَأِي وَ مَنْجَايَ وَ دُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي».

۸) در نیت احرام، با خداوند متعال شرط کند که اگر از اتمام مناسک حج محصور شد (به این معنا که اگر مانعی مانند بیماری، او را از اتمام حج و عمره منع نماید)، به مجرد به وجود آمدن آن مانع، خداوند او را از احرام محل نماید، به این صورت که بگوید:

«اللَّهُمَّ وَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْسِبُنِي فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي؛

خداوندا، اگر مانعی بر من عارض شد که موجب جلوگیری من از انجام حج شود، مرا در همان موقع که مانع، عارض شده است، محل نما.»
البته اگر دعایی را که در شماره «۷» گذشت، با همین قصد بخواند کفایت می کند.

۹) نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام، بلکه نیت درآوردن لباس

دوخته را نیز به زبان آورد.

❖ مکروهات احرام

مکروهات احرام یازده چیز است:

(۱) سیاه و رنگین بودن پارچهٔ احرام؛ البته در بعضی روایات معتبر، رنگ سبزاستنا شده است.

(۲) مُحرَم شدن در لباس کثیف، همچنین لباس احرام کثیف بعد از احرام تا زمان مُحَلَّ شدن، مگر آنکه نجس شده باشد که در این صورت حرام است..

(۳) احرام در پارچهٔ رنگارنگ برای مردان؛

(۴) خوابیدن بر رختخواب و بالش و پارچه سیاه و زرد؛

(۵) رفتن به حمام در حال احرام؛

(۶) ساییدن بدن و صورت با دست یا کیسه، و زیاد مسواک زدن؛

(۷) لَبَّيْكَ گفتن در پاسخ کسی که او را صدا می‌زند.

(۸) نشستن در حالی که زانوهایش را با دست‌ها به بغل بگیرد، بنا بر مشهور.

(۹) شعر خواندن؛ اگرچه شعر به حق باشد، بنا بر مشهور.

(۱۰) هر کاری که در آن بیم مجروح شدن و یا ریختن مواز بدن باشد، بنا بر مشهور.

(۱۱) شستن بدن با آب سرد.

❖ لَبَّيْكَ‌های مستحب

مستحب است پس از گفتن:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

بگوید: «لَبَّيْكَ».

و بهتر آن است که پس از آن بگوید:

«ذَا الْمَعَارِجَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَبَدُّيُّ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ
 لَبَّيْكَ غَفَارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوبَا وَمَرْغُوبَا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَخُنُّ
 الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا
 النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ
 عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ»

و مستحب است این جملات را نیز بیفزاید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَعَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ
 هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَمِّعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيسَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيسَةً تَمَامُهَا وَ
 بَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

سزاوار است که حاجی هنگام گفتن لَبَّيْكَ، با حضور قلب، کاملاً متوجه
 خداوند متعال باشد و دعوت حق را پاسخ گوید.

تکرار لَبَّيْكَ ها هنگام بیدار شدن، سوار شدن، و ملاقات با سواره و وقت بالا
 رفتن از هر بلندی، و پایین آمدن از آن، و پس از هر نماز فریضه، و زیاد گفتن
 آن در سحرگاهان حتی برای جنب و حائض مستحب است. مستحب است که در عمره تمتع، گفتن لَبَّيْكَ ها را تا مشاهده خانه های مکه قطع
 نکنند و در حج تمتع تا ظهر روز عرفه، گفتن لَبَّيْكَ ها را قطع نکنند.

❖ مستحبات ورود به حرم

۱) غسل کردن قبل از ورود به حرم؛ و نیت آن این است:

« برای ورود به حرم غسل می کنم، قریه ای به الله ».

۲) پیاده و با پای برهنه درحالی که نعلین خود را به دست گرفته است در
 حال تواضع و خشوع کامل نسبت به ذات اقدس حق، وارد حرم شود
 و در صورت امکان به این حالت ادامه دهد تا وارد مکه و مسجد الحرام
 شود. در روایت است که اگر چنین کند، خداوند عالم، جل ذکره،
 صد هزار گناه او را ببخشد و برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار

حاجت او را برآورد.

۳) این دعای مأثور را هنگام ورود به حرم بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَ أَدْنَى فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً
وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ مِنْ فَجٍّ
عَمِيقٍ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ
إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَسْتَغِي بِذَلِكَ الرَّزْفَةَ عِنْدَكَ وَ التَّوْبَةَ
إِلَيْكَ، وَ الْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمُعْفِرَةَ لِذُنُوبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنْتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴) جویدنِ اذخر که گیاه معروفِ مکّه است.

❁ مستحبات ورود به مکّه معظمه

مکّه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمّدی و مشرق آفتاب هدایت اسلامی و مهبط ملائکه مقربین و محلّ بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین اجتماع مؤمنان و موحدان و مکان نزول باران رحمت و مغفرت و آیات بینات الهی و مقام ابراهیم خلیل است. از این جهات و جهات بسیار دیگر، به ویژه از جهت وجود بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت بسیار دارد. کسی که وارد آن شهر مقدّس می‌شود، باید به فضائل آن مشاهد بزرگ و شعائر اسلامی - که خداوند متعال مقرر داشته - متوجّه باشد تا برای ادراک برکات و فضائل آن اماکن مقدّسه، آماده شود و نور حقیقت بر حال او ظاهر شود و گناهانش آمرزیده و عیوبش برطرف گردد، ان شاء الله.

از این رو برای ورود به این شهر، آدابی است که مراعات آنها مستحبّ است:

۱) غسل؛ نیت آن این است: «برای ورود به مکّه معظمه غسل می‌کنم، قربه الی الله».

۲) با آرامش و وقار و در حالت خضوع و خشوع برای خداوند متعال وارد مکه شود.

۳) از راه‌های بالای مکه و در صورت ممکن از عقبه «مدینین» که در شمال مکه است، وارد مکه شود. بعضی این حکم را مختص کسانی می‌دانند که از مدینه به مکه می‌آیند. هنگام خروج، از عقبه «ذی طوی» که در جنوب مکه است، خارج شود.

❖ مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام

۱) غسل کردن از منزل و یا از «بئر میمون» در محله «ابطح»؛ و نیت آن چنین است:

«برای ورود به مسجد الحرام غسل می‌کنم، قریهٔ ایلی الله».

۲) وارد شدن به مسجد از باب «بنی شیبه» که اکنون داخل مسجد الحرام است و ظاهراً مقابل باب السلام واقع شده است.

۳) خواندن دعا‌های مأثور.

هنگام ایستادن در مقابل درب مسجد الحرام دعایی را که معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است بخواند. پس بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

در روایت ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام است:

هنگامی که مقابل درب مسجد قرار گرفتی، بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، وَالسَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى

عِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ
الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ شَأْنُهُ وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ، وَ
جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ رَاثِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِي حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ
مَأْتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ خَدَّكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ (لك خ ل) كُفْوًا
أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ
يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِنِّي بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْلَ شَيْءٍ
تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ).

و سپس سه بار بگوید: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

و پس از آن بگوید:

«وَ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيْطَانِي الْإِنْسِيِّ وَالْجِنِّ وَ شَرَّ
فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

و بعد به مسجد الحرام وارد شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

و سپس دست هایش را به آسمان بلند کند و رو به کعبه نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي
خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنِّي وَرْزِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ
هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مَبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ

إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالنَّبْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأُؤَمُّ طَاعَتَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَشْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و پس از آن، کعبه را مخاطب قرار دهد و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَتَابَعَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و چون نگاهش به حجرالاسود افتاد، رو به آن کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ أَكْبَرُ مِنْ أَخْسَى وَ أَحَدَرُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِي مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَوْمِنُ بِوَعْدِكَ، وَ أَصْدِقُ رُسُلَكَ، وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و سپس با طمأنینه حرکت کند و قدم‌ها را از خوف خداوند کوتاه بردارد و هنگامی که به حجرالاسود نزدیک شد، دست‌ها را بلند کند و حمد و ثنای حق را به جا آورد و بر حضرت محمد و خاندان او علیهم‌السلام درود بفرستد و طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه‌السلام بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

و در صورت امکان با دست‌ها و بدن، حجرالاسود را مسح نماید و ببوسد. اگر بوسیدن حجرالاسود ممکن نبود، به مسح حجرالاسود اکتفا کند و اگر این مقدار نیز به خاطر کثرت ازدحام ممکن نباشد، به حجرالاسود اشاره نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْحَبْشَةِ وَ الطَّاغُوتِ وَ
اللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدِّ يَدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».
و اگر خواندن تمام دعا ممکن نباشد، هر مقدار که ممکن است بخواند
و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظَّمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سَبِيحَتِي، وَ اغْفِرْ لِي
وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْحُزْنِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

❖ مستحبات طواف

- (۱) پیاده طواف کند.
- (۲) با پای برهنه طواف کند.
- (۳) قدم‌ها را کوتاه بردارد و با آرامش و وقار. نه تند و نه کند. راه برود.
- (۴) در حال طواف، مشغول ذکر و دعا و خواندن قرآن باشد.
- (۵) از آنچه در نماز مکروه است در طواف نیز بپرهیزد، بلکه از هر عمل لغو
و بیهوده بپرهیزد.
- (۶) حجرالاسود را. در صورت امکان. در هر شوط استلام کند و بیوسد،
مشروط بر اینکه کسی را هل نهد و اذیت نکند و عقب نیندازد، وگرنه با
دست به حجرالاسود اشاره کند و تکبیر بگوید.
- (۷) از دیدن مناظری که از توجه او می‌کاهد، چشم بپوشد.
- (۸) نزدیک به بیت الله طواف کند.
- (۹) هنگام زوال، طواف نماید.

(۱۰) دعاهای مأثوره از اهل بیت علیهم‌السلام را بخواند از جمله دعایی را که معاویه ابن
عمار از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل کرده، و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُنْشَى بِهِ عَلَى ظَلَمِ الْمَاءِ، كَمَا يُنْشَى بِهِ عَلَى جَدِّ
الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ
مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ،

وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ حَبَّةً مِنْكَ، وَاسْأَلْكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و حاجات خود را از خداوند بخواهد.

و نیز مستحب است که در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تَبَدِّلْ اسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي».

مستحب است در هر شوط، هنگامی که به در خانه کعبه می رسد، بر

پیامبر اکرم و خاندانش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود بفرستد و این دعا را بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَاقِرٌ مِسْكِينٌ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِفْ بِي وَالَّذِي وَآلِهِ وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ».

و در روایت است که وقتی حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به حجر اسماعیل

می رسید، سر به آسمان بلند می کرد و می فرمود:

«لِلَّهِمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَفَسَقَةَ الْحَيْنِ وَالْإِنْسِ، وَشَرَفَسَقَةَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و طبق روایتی که از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده، مستحب است

وقتی که از حجر اسماعیل گذشت و به پشت خانه رسید، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَقَصِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ، وَ ارزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ شَكَرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و سپس به سوی کعبه سر بلند کند و همان گونه که در روایت دیگر آمده

است، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَ جَعَلَ عَلَيَّا

إِمَامًا، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبُهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و طبق روایت عبدالله ابن سنان از حضرت صادق علیه السلام، در بین رکن یمانی و حجرالاسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی به مستجار رسید، روبروی کعبه بایستد و دست هایش را بر دیوار بیت بکشد و سپس به صورت و بدنش بکشد و گناهانش را یاد کند و به جرم خود اقرار نماید و توبه کند و از خداوند متعال طلب مغفرت نماید و این دعا را که از حضرت صادق علیه السلام مأثور است، بخواند:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي، وَاعْفُرْ لِي مَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفَى عَلَيَّ خَلْقِكَ، ثُمَّ تَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و نیز این دعا را که از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده، بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ، وَأَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا، وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِعْضِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، اسْتَجِبْ لِي».

و سپس حاجات خود را بخواهد و بسیار دعا کند و به گناهان اعتراف نماید. وقتی به حجرالاسود رسید، طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام، بگوید:

«اللَّهُمَّ فَتَّعِنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي».

❁ مکروهات طواف

(۱) تکلم غیر از ذکر خداوند و دعا و قرآن کریم؛

(۲) خندیدن و به حالت تبختر راه رفتن، شکستن انگشتان و به صدا درآوردن آنها، و خمیازه کشیدن، و انجام هر کاری که در نماز کراهت دارد.

(۱) مستجار قسمتی از پشت کعبه. مقابل درب کعبه. و نزدیک به رکن یمانی است.

۳) خوردن و آشامیدن؛

۴) با سختی خودداری کردن از بول و غائط و باد معده در حال طواف؛

۵) گذاشتن کلاه بلند (بُرطله) بر سر، که در قدیم از لباس های یهود محسوب می شده است.

❖ مستحبات نماز طواف

۱) خواندن سوره توحید (قل هو الله احد) پس از حمد در رکعت اول و قرائت

سوره جحد (قل یا ایها الکافرون) بعد از حمد در رکعت دوم؛

۲) حمد و ثنای خداوند متعال و فرستادن درود بر پیامبر اکرم و خاندانش صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نماز؛

۳) تقاضای استجاب دعا از خداوند متعال و گفتن:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَرَكَ عَمَلِي.»

و طبق روایت دیگر بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ، وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ صلی الله علیه و آله و سلم، اللَّهُمَّ حَبِّبْنِي أَنْ أَعْدَى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ مُحِبِّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

و سپس به سجده برود و مانند حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفُرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعَظِيمَ عَفْوًا، فَاعْفُرْ لِي، فَإِنِّي مُقْرَبٌ ذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ عَفْوًا.»

❖ مستحبات سعی

۱) طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر؛ البته شخص حائض می تواند سعی را انجام دهد، اگرچه مستحب است در صورت امکان صبر کند تا بتواند

سعی را با طهارت به جا آورد، وگرنه در همان حال حیض باید سعی کند.
 (۲) انجام سعی پس از نماز طواف؛ ولی اگر خسته است، می تواند قدری استراحت کند.

(۳) استلام و بوسیدن حجرالاسود؛ در صورت امکان، هنگام رفتن به طرف صفا و در صورت عدم امکان، با دست به حجر اشاره کند.

(۴) آمدن به چاه زمزم در صورت امکان و نوشیدن آب زمزم و بر سر و پشت خود ریختن؛ طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام، در حالی که رو به کعبه است بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

(۵) پس از نوشیدن آب زمزم، هنگام رفتن به صفا نیز استلام حجر نماید.

(۶) خارج شدن به طرف صفا از دری که مقابل حجرالاسود است؛ و آن دری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن خارج می شدند.

(۷) رفتن به طرف صفا با آرامش و وقار؛

(۸) طوری بالای صفا برود که در صورت امکان بتواند بیت الله را ببیند، زیرا دیدن خانه کعبه نیز مستحب است.

(۹) پس از بالا رفتن از کوه صفا رو به رکن حجرالاسود نماید.

(۱۰) خداوند متعال را حمد و ثنا کند و نعمت ها و عذاب الهی را به یاد آورد و احسان خداوند را در حق خود، متذکر شود و هفت بار بگوید: «الله اکبر» و هفت بار بگوید: «الحمد لله» و هفت بار بگوید: «لا اله الا الله» و سپس سه بار بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛

و پس از آن بر پیامبر و خاندانش درود بفرستد و سه بار بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْبَلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»

و بعد سه بار بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

و نیز سه بار بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

و بعد سه بار بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

و صد بار بگوید: «الله اکبر»

و صد بار نیز «لا اله الا الله»

و صد بار «الحمد لله»

و صد بار «سبحان الله»

آنگاه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَحْمَدٌ وَعَدَّهُ، وَأَنْجَزَ وَعَدَّهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَخَشْيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

(۱۱) مستحب است هنگامی که بر کوه صفا توقف می کند، مکرراً خود و

خانواده خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد و بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيغُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ»

و بعد سه مرتبه بگوید: «الله اکبر» و دعای سابق را (أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ

... دوباره بخواند و باز بگوید: «الله اکبر» و در حد امکان، دعا را تکرار نماید.

(۱۲) رو به کعبه کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تَعَذَّبَنِي فَأَنْتَ عَنِّي عَنْ عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى

رَحْمَتِهِ اَرْحَمَنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِن تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي،
وَلَمْ تَظْلِمْنِي، أَصْبَحْتُ أَنْتِي عَدْلَكَ، وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ
اَرْحَمَنِي».

و سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِدَّنِي مِنَ
النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۱۳) زمان زیادی بر کوه صفا توقف کند که در روایت است موجب زیاده
ثروت می شود.

۱۴) وقتی مقداری از کوه صفا پایین آمد، بایستد و توجه به کعبه کند و بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَصَيْقِهِ وَ
صَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۵) پس از آنکه مقدار دیگری پایین آمد، کتف خود را برهنه کند و بگوید:
«يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ،
الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، اِزْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي
بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

۱۶) پیاده سعی کند.

۱۷) با آرامش و وقار سعی نماید.

۱۸) در مقداری از سعی که بین ستون های سبز قرار گرفته، هروله کند
(یعنی مقداری تندتر حرکت کند که نه دویدن باشد و نه راه رفتن معمولی) و هنگام
بازگشت از مروه نیز هروله را تکرار کند. برای زنان، هروله مستحب نیست.
۱۹) وقتی به اولین ستون سبز رسید بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ
عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّيْلِ هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ
فَصَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَفُوقِي، فَتَقَبَّلْ عَمَلِي، يَا
مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

۲۰) وقتی از مناره دَوْم گذشت، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنَىٰ وَ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النَّعْمَاءِ وَ الْجُودِ، اَعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

۲۱) هنگامی که به مروه رسید، از کوه بالا رود و آن دعاهایی را در کوه صفا گفتیم، در کوه مروه نیز به ترتیب بخواند و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَغْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، اَلْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ».

۲۲) کوشش کند که از خوف خداوند بگرید و خود را به گریه وادارد و فراوان دعا کند و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ، وَ صِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْنِكَ».

سعی کننده می تواند در اثناء سعی بنشیند و یا بر کوه صفا و مروه استراحت کند، اگرچه سزاوار است جز برای رفع خستگی چنین نکند.

❖ مستحبات احرام حج

۱) غسل در منزل یا جای دیگری در مکه؛

۲) خواندن دعاهایی که برای غسل احرام عمره تمتع گفته شد.

۳) رفتن با خشوع و خضوع به طرف مسجدالحرام و وارد شدن به مسجدالحرام با پای برهنه و با آرامش و وقار؛

۴) مُحرم شدن پس از نماز به نحوی که در احرام عمره تمتع ذکر شد.

۵) در مسجدالحرام مُحرم شود و بهتر آن است که در حجر اسماعیل و یا مقام ابراهیم (علیهما السلام) مُحرم گردد و مستحباتی را که در احرام عمره تمتع گذشت، مراعات نماید.

۶) نیت احرام را بر زبان آورد، مثلاً بگوید: «برای حج تمتع در حجة الاسلام مُحرم می شوم به دلیل آنکه بر من واجب شده است، ادائاً، قریهً إلى الله» و اگر حج استحبایی و یا قضا و نیابتی است، آن را در لفظ بیاورد و نام

منوب عنه را نیز ذکر کند و سپس لبیک‌ها را همان‌گونه که در احرام عمره گذشت، بگوید.

(۷) رفتن به منا پس از احرام و نماز واجب؛

(۸) تکرار لبیک‌ها در مسیر راه؛ و هنگامی که بر محله «ابطح» مشرف شد، لبیک‌ها را بلندتر بگوید.

(۹) هنگام رفتن به منا، طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

(۱۰) و هنگامی که به منا رسید، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَاقِبَةِ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».

و هنگامی که وارد منا شد، بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمُنَاسِكِ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

(۱۱) در شب عرفه در منا در حال عبادت و دعا و تضرع به پیشگاه خداوند متعال بیتوته نماید و بهتر آن است که بیتوته او در مسجد «خیف» انجام شود.

(۱۲) تا صبح در مسجد «خیف» به نماز مشغول باشد. مکروه است که قبل از طلوع فجر از مسجد خارج شود، بلکه بهتر آن است که تا طلوع آفتاب در مسجد در حال عبادت بماند و پس از طلوع آفتاب به عرفات برود.

(۱۳) هنگام خروج از منا به طرف عرفات، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

❖ مکروهات احرام حج

آنچه در مکروهات احرام عمره گذشت، در احرام حج نیز جاری است.

❖ مستحبات عرفات

مستحبات در موقف عرفات فراوان است که به برخی از آنها اشاره می شود:
 (۱) نیت وقوف در عرفات را به زبان بگویند، به این صورت: «از هنگام زوال (ظهر شرعی) روز نهم ذی حجه تا غروب آفتاب برای انجام حج تمتع از حجة الاسلام به خاطر اینکه واجب است، در عرفات می مانم، قربت الی الله» و اگر حج استحبابی یا قضا یا نیابتی است، آن را نیز ذکر کند و در حج نیابتی اسم منوب عنه را نیز به زبان آورد.

(۲) در زمین همواری که طرف چپ «جبل الرحمه» است، وقوف نماید، به طوری که اگر کسی از مگه بیاید و مقابل کوه بایستد، قسمتی که وقوف می نماید طرف چپ او قرار گیرد. بالا رفتن از کوه کراهت دارد.

(۳) غسل؛ و بهتر آن است که هم زمان با زوال انجام گیرد.

(۴) نماز ظهر و عصر را با يك اذان و دو اقامه بخواند و در این جهت تفاوتی بین امام و مأموم و جماعت و فرادی و قصر یا تمام نیست.

(۵) وسایل خود را جمع تر بچیند و با دوستانش در کنار هم وقوف نمایند.

(۶) بهتر آن است که در صورت امکان در «وادی نمره» که نزدیک عرفات است، خیمه بزند ولی در آنجا وقوف نکند، زیرا وقوف در وادی نمره، از آن جهت که در سرزمین عرفات نیست، کفایت نمی کند.

(۷) طهارت از حدث؛

(۸) کاملاً متوجه ذات اقدس حق باشد و ذهن خود را از هر چیزی که او را مشغول می کند، فارغ نماید.

(۹) در تمام وقت وقوف روی پا بایستد و اگر نمی تواند، بعضی از وقت را روی پا بایستد و بقیه را بنشیند، مگر آنکه ایستادن، او را از حال توجه و دعا باز دارد که در این صورت بهتر است بنشیند.

(۱۰) رو به قبله بودن؛

(۱۱) خداوند را حمد و ثنا بگویند و تمجید نماید و به ذکر «لا اله الا الله» و

«الله اکبر» متذکر باشد.

۱۲) هرچه می‌تواند دعا کند و از خوف خداوند بگرید، زیرا دعا بهترین اعمال این روز است و هیچ چیز برای شیطان محبوب‌تر از آن نیست که در این روز بنده‌ای را از حال دعا غافل گرداند.

۱۳) به دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن. که اقل آن دعا برای چهل مؤمن است. مبادرت کند. در روایت است که خداوند فرشته‌ای را موکل او قرار می‌دهد تا برای او از خداوند متعال، صد هزار برابر آنچه را برای برادر مؤمن خود می‌خواهد، طلب نماید.

۱۴) یکایک گناهان را به یاد بیاورد و یا مجموع آنها را در نظر بگیرد و توبه نماید و از خداوند طلب مغفرت کند.

۱۵) پناه بردن به خداوند متعال از شر شیطان؛

۱۶) درود فرستادن بر پیامبر اکرم و خاندانش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

۱۷) صد بار بگوید: «الله اکبر» و صد بار «لا اله الا الله» و صد بار «الحمد لله» و صد مرتبه «سبحان الله» و صد مرتبه «ما شاء الله و لا قوة الا بالله» و صد بار «اللهم صل على محمد و آل محمد»؛

۱۸) بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُعْطِي وَ يُخْفِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۱۹) خواندن ده آیه از اول سوره بقره؛

۲۰) خواندن صد بار سوره توحید (قل هو الله احد)؛

۲۱) خواندن صد بار آیه الکرسی؛

۲۲) خواندن صد بار سوره قدر (انا انزلناه فى ليلة القدر)؛

۲۳) خواندن آیه شریفه:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهٖ أَلَا لَهُ

الْحُلُقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛

۲۴) خواندن سوره فلق؛

۲۵) خواندن سوره ناس؛

۲۶) تکرار درود و صلوات فراوان بر پیامبر اکرم و خاندانش صلوات الله علیهم؛

۲۷) خداوند را بر همه نعمت‌هایی که به او عنایت کرده، از گوش و چشم و خانواده و فرزند و مال ستایش کند و در حد امکان، یکایک آنها را در مقام شکرگزاری نام ببرد.

۲۸) خداوند را حمد کند با آیات قرآنی که در آن حمد الهی آمده است، و خداوند را تسبیح کند با هر آیه‌ای که خداوند خود را در آن تسبیح کرده است، و تکبیر بگوید با هر آیه‌ای که در آن تکبیر خداوند آمده است، و تهلیل گوید با هر آیه‌ای که در آن «لا اله الا الله» آمده است، و هر چه می‌تواند بر پیامبر و خاندانش صلوات الله علیهم درود بفرستد و خداوند را با اسم‌هایی که در قرآن برای او آمده است و اختصاص به او دارد، بخواند، به ویژه خداوند را با اسم‌هایی که در آخر سوره حشر آمده است، بخواند:

«اسْأَلُ اللَّهَ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُتَهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ، وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

۲۹) و نیز بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَبِّمَانٍ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَفُذْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ، وَأَنْ

تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ بِي.»

۳۰) تمام حاجات دنیوی و اخروی خود را از خداوند بخواهد و از او بخواهد که در هر سال او را به مهمانی خانه‌اش بپذیرد. هفتاد بار از خداوند متعال بهشت را طلب کند.

۳۱) آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَفَسَقَةَ الْحِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَفَسَقَةَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

و این دعا را تا غروب نشده تکرار نماید.

۳۲) و طبق روایت معاویه ابن عمّار از حضرت صادق علیه السلام، این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلَنِي مِنْ أُخْيَبٍ وَفِدِكَ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ.»

۳۳) این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبِّ الْمُسَاعِرِ كُلِّهَا فَكَّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَفَسَقَةَ الْحِنِّ وَالْإِنْسِ وَتَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَمَكُّرِي وَلَا تَمَخَّدْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَتَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشَأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمِنَّكَ وَفَضْلِكَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»

و حاجات خود را طلب کند.

۳۴) دست‌ها را به سوی آسمان بلند کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمِلْكُ يَدِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرْتِيهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، وَذَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله وسلم.»

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِّنْ رَّضِيَّتِ عَمَلِهِ، وَأَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً».

۳۵) دعایی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آموخت، بخواند.

۳۶) خواندن دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه؛

۳۷) خواندن دعای حضرت سجاد علیه السلام در روز عرفه؛

۳۸) خواندن زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه؛
دعاهای مذکور خواهد آمد، ان شاء الله.

۳۹) نزدیک غروب آفتاب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتَتِ الْأُمُورِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَامْسِ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِامَانِكَ، وَامْسِ ذَنْبِي مُسْتَجِيرًا بِعَرْكَ، وَامْسِ وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سئِلَ، وَأَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ، جَلِّبْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاللِّسْنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»
و سپس حاجات خود را طلب کند.

۴۰) پس از غروب آفتاب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمُؤَقَفِ، وَارْزُقْنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَحُجَّاجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبِرْكََةِ وَالْعَافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي».

و چون خورشید غروب کرد و حمزه مشرقیه گذشت، با آرامش و وقار در حال اشتغال به دعا و استغفار به طرف مشعر حرکت کند و در رفتن میانه رو باشد و از مزاحمت دیگران بپرهیزد. وقتی به «تل رمل قرمز». که در طرف راست جاده است. رسید، بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْفِقِي، وَزِدْ فِي عِلْمِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

❖ مستحبات و قوف در مشعر الحرام

۱) هنگامی که به وادی مشعر رسید، در طرف راست سرزمین مشعر پیاده شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْحَبِيرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْحَبِيرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقَيِّمَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

۲) با طهارت باشد و هنگام صبح غسل کند و با آن، نماز صبح را بخواند.
۳) پایین کوه، رو به قبله و قوف کند.

۴) شهادتین را بگوید و بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یحییٰ ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام درود بفرستد و برای آنان و تعجیل در فرج حضرت حجة ابن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا کند و از دشمنان تبری جوید، بلکه احتیاط آن است که در مشعر، ذکر و صلوات بر پیامبر اکرم و اهل بیت گرامی اش را ترک ننماید.

۵) از جمله دعاها گفته شود:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكُ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحَبِيرِ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَشْرَتِي، وَ تُقَبِّلَ مَعْدَرَتِي، وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا رَادِي».

۶) برای خود و والدین و فرزندان و خانواده و مؤمنان و مؤمنات، به خداوند متعال التماس نماید و دعا کند.

۷) صد بار بگوید: «الله اکبر»؛

۸) صد بار بگوید: «الحمد لله»؛

۹) صد بار بگوید: «سبحان الله»؛

۱۰) صد بار بگوید: «لا اله الا الله»؛

۱۱) در دعا و تضرع به پیشگاه خداوند سبحان، تلاش فراوان کند تا آنکه

خورشید طلوع نماید. سزاوار است آن شب را احیا بدارد، زیرا در آن شب، درهای رحمت الهی به سوی بندگان باز است و خداوند عز و جل می فرماید: «من پروردگار شمایم و شما بندگان من هستید. شما حق مرا ادا کردید و سزاوار است که من دعای شما را اجابت نمایم.»

۱۲) نماز مغرب و عشا را در مشعر بخواند، اگرچه تا قبل از نیمه شب به تأخیر افتد؛ اگر بیشتر به تأخیر می افتد، قبل از مشعر نماز بخواند و بین نماز مغرب و عشا بدون فاصله بین آنها جمع کند با يك اذان و اقامه برای نماز مغرب و يك اقامه برای نماز عشا، و از این رو نافله مغرب را پس از نماز عشا بخواند.

۱۳) از کوه «قحج» بالا رود و خداوند متعال را یاد کند و با پای برهنه بر آن راه برود. ۱۴) مستحب است کمی قبل از طلوع خورشید، حرکت به سوی منا را آغاز کند ولی از وادی محسر عبور نکند، بلکه بنابر احتیاط، قبل از طلوع فجر وارد وادی محسر نیز نشود، اگرچه اقوی آن است که می تواند داخل وادی محسر شود، ولی اگر با فاصله زیادی قبل از طلوع آفتاب حرکت کند و از مشعر خارج شود، بنابر احتیاط يك گوسفند بدهد، اگرچه اقوی عدم وجوب کفاره است.

۱۵) قبل از رسیدن به کوه «ثبیر»، به گناهان و لغزش خود هفت بار اعتراف کند و نسبت به انجام آن گناهان استغفار نماید.

۱۶) هنگام کوچ از مشعر به سوی منا، خداوند را یاد کند و استغفار نماید.

۱۷) در وادی محسر به مقدار صد ذراع و یا صد قدم، با آرامش و وقار حرکت کند و در آن هنگام بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَاجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي»

و بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْتُ وَأَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.»

و اگر حرکت به نحو مذکور را ترك کرد، مستحب است برای جبران، به مشعر بازگردد.

۱۸) بهتر است حدود هفتاد سنگریزه یا بیشتر. که برای رمی جمرات در مینا لازم دارد. از مشعر بردارد و اگر نشد بهتر است از مینا سنگریزه جمع کند و در غیر این صورت جایز است از غیر مشعر و مینا، هر جایی که داخل حرم محسوب می شود، سنگریزه ها را جمع کند.

❖ مستحبات در جمع آوری سنگریزه ها

- ۱) سنگریزه ها را شبانه از مشعر بردارد، وگرنه از مینا بردارد.
- ۲) سنگریزه ها به رنگ سرمه ای باشد.
- ۳) سنگریزه ها نقطه دار باشد.
- ۴) سنگریزه ها شکسته شده نباشد.
- ۵) سنگریزه ها سخت نباشد و تا حدودی سست باشد.
- ۶) سنگریزه ها از قبل جدا شده باشد؛ کراحت دارد سنگ بزرگ تری را بشکنند و به صورت سنگریزه درآورد.
- ۷) سنگریزه ها به اندازه بند انگشتان باشد.
- ۸) در صورتی که سنگریزه ها آلوده است، آنها را با آب شستشو دهد.

❖ مستحبات رمی جمرات

- ۱) پیاده رمی کند.
- ۲) با وضو رمی کند، بلکه این احوط است.
- ۳) با آرامش و وقار به رمی جمرات برود.
- ۴) جمره عقبه را پشت به قبله رمی کند، به خلاف دو جمره دیگر که مستحب است آنها را رو به قبله رمی نماید.
- ۵) حدود ده ذراع و بهترین است که پانزده ذراع از جمره فاصله بگیرد.

۶) سنگریزه‌ها را در دست چپ بگیرد و یکی یکی با دست راست رمی نماید.

۷) طبق روایت معاویه ابن عمّار از حضرت امام صادق علیه السلام، در هنگام رمی بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي، فَأَخْصِهِنَّ لِي، وَارْزُقْهُنَّ فِي عَمَلِي».

۸) در صورت ممکن، سنگریزه را بر انگشت ابهام بگذارد و با ناخن انگشت سبابه (شهادت) آن را پرتاب کند.

۹) هنگام انداختن هر سنگریزه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا»
و جایز است به گفتن «الله اکبر» اکتفا کند.

۱۰) هنگامی که رمی به پایان رسید و به خانه بازگشت، بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُّ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ، وَنِعْمَ الْمُؤْتَى وَنِعْمَ النَّصِير».

❖ مستحبات قربانی

۱) قربانی بسیار فریه باشد.

۲) اگر قربانی، شتر یا گاو است، ماده باشد و اگر گوسفند است، نر باشد و اگر قوچ است، سیاه‌رنگ و دارای شاخ‌های بزرگ باشد.

۳) شتر را در حال ایستاده و درحالی که از سر دست‌ها تا زانوی آن بسته باشد، نحر نماید و کسی که قربانی می‌کند، در طرف راست شتر بایستد و چاقویا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش فرو برد.

۴) خود حاجی قربانی را ذبح و یا نحر کند و اگر نمی‌تواند، دست خود را روی دست ذابح و یا نحرکننده بگذارد.

۵) در نحر شتر و ذبح گاو یا گوسفند، طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«وَجَهَّتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مسلماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

(۶) و بهتر آن است که پس از آن نیز بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَمُوسَى كَلِيمِكَ، وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ».

❖ مستحبات حلق و تقصیر

(۱) نیت حلق و تقصیر را به زبان آورد و بگوید «در حج تمتع واجب، حلق می‌کنم، قریه الی الله» و اگر تقصیر می‌کند، بگوید: «تقصیر می‌کنم...».

(۲) رو به قبله، حلق و تقصیر کند و در آن هنگام، «بسم الله» بگوید.

(۳) حلق را از طرف راست جلوی سر شروع کند.

(۴) طبق روایت معاویه ابن عمّار از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، بگوید:
«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

و بهتر است که به آن بیفزاید:

«وَحَسَنَاتٌ مُضَاعَفَاتٌ، وَ كَفَّرَ عَنِّي السَّيِّئَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

(۵) بهتر است این دعا را که گذشت با صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خاندانش ختم نماید.

(۶) موهای خود را در منا و یا در خیمه اش دفن نماید.

❖ مستحبات مکه مکرمه

(۱) غسل کردن قبل از ورود به مسجد الحرام؛ و بهتر آن است که در منا برای ورود به مکه نیز غسل نماید.

(۲) گرفتن ناخن‌ها و سبیل؛

(۳) ذکر خداوند را بگوید و بر پیامبر اکرم و خاندانش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درود بفرستد.

۴) مقابل درب مسجد الحرام بایستد و طبق روایت معاویه ابن عمّار از حضرت صادق علیه السلام، بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ، وَالْبَيْتُ بَبَيْتِكَ، حِثُّ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْمُخَافِيفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُخَيِّرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۵) رفتن به طرف حجرالاسود؛ و در صورت ممکن حجر را استلام کند و ببوسد. اگر بوسیدن ممکن نبود، با دست آن را لمس کند و دست خود را ببوسد و اگر این نیز میسر نشد، رو به حجر بایستد و با دست به آن اشاره کند و دستش را ببوسد و تکبیر بگوید و همان دعا را که در طواف عمره ذکر شد، بخواند.

۶) از آب زمزم بنوشد.

۷) برای سعی، از باب صفا به کوه صفا برود.

۸) استحباب تمام آنچه در طواف و نماز طواف و سعی در عمره تمتع گذشت، در طواف و نماز و سعی در حج نیز جاری است.

❖ مستحبات منا

۱) هنگام بازگشت از مکه به منا بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَبِقُدْرَتِكَ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ نِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

۲) روزها را در منا بماند؛ ماندن در منا از آمدن به مکه برای انجام طواف مستحب، افضل است.

۳) پس از پانزده نماز. از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز سیزدهم. تکبیر بگوید و اگر روز سیزدهم از منا کوچ نکرد، گفتن تکبیر پس از نمازهای مستحب نیز استحباب دارد.

۴) طبق روایت معاویه ابن عمّار از حضرت صادق علیه السلام، بگوید:
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى
 مَا رَزَقْنَا مِنْ بَيْمَةِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا».

❖ مستحبات مسجد خیف

۱) برای کسی که در مینا می ماند، مستحب است تمام نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بخواند و بهتر آن است که نمازها را در محل نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخواند. در حدیث آمده است: «خواندن صد رکعت نماز در مسجد خیف، قبل از کوچ از مینا، معادل هفتاد سال عبادت است.»

۲) صد بار بگوید: «سبحان الله»؛ که طبق روایت، معادل آزاد کردن یک بنده در راه خداست.

۳) صد بار بگوید: «لا اله الا الله»؛ که طبق روایت، معادل ثواب احیای نفس است.

۴) صد بار بگوید: «الحمد لله»؛ که طبق روایت، برابر با انفاق خراج عراقین در راه خداست.

۵) خواندن شش رکعت نماز؛ و بهتر است این نمازها را قبل از حرکت از مینا بخواند.

❖ مستحبات بازگشت به مکه

۱) غسل برای ورود به مسجد الحرام و ورود به مکه؛
 ۲) وارد شدن به مسجد از باب بنی شیبیه، بنا بر گفته مرحوم شهید رحمته الله علیه؛
 ۳) داخل شدن به خانه خدا (کعبه)؛ زیرا همان گونه که در روایت آمده است داخل شدن در کعبه به منزله داخل شدن در رحمت الهی، و خروج از آن به منزله خروج از گناهان است و برای کسانی که سال اول آنهاست،

اگر مرد هستند، این استحباب تأکید شده است، ولی برای زنان این استحباب تأکید نشده است.

❖ مستحبات ورود به کعبه شریفه

- (۱) قبل از ورود به کعبه غسل کند.
- (۲) با پای برهنه وارد کعبه شود.
- (۳) هنگام ورود بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ».
و برای کسی که سال اول اوست، سزاوار است که در چهار گوشه کعبه آن دعا را تکرار کند.
- (۴) اگر کسی تقاضای فرزند از خداوند متعال دارد، طبق روایت معاویه ابن عمّار از حضرت صادق علیه السلام، ظرفی از آب زمزم بر خود بریزد و سپس وارد بیت الله شود و وقتی که مقابل درب خانه ایستاده، حلقه درب را بگیرد و بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ، وَقَدْ قُلْتَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِّي مِنْ عَذَابِكَ، وَاجْزِي مِنْ سَخَطِكَ».
- (۵) سپس وارد بیت شود و بر سنگ قرمزی که در آنجاست دو رکعت نماز بخواند و سپس به طرف پایه ای که در مقابل حجر است بایستد و سینه خود را بچسباند و بگوید:
«يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَاجِدُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ، لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ».
- (۶) سپس نزدیک به پایه شود و پشت و شکم را به آن بچسباند و دعا را تکرار کند.
- (۷) خواندن دو رکعت نماز در هر زاویه از بیت؛
- (۸) این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاصِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتِي وَ تَعَبَّيْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخَيِّبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لِكَيْتِي أَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُدْرَ، فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلَ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي، وَ تُقْبِلَنِي عَشْرَتِي، وَ تُقْبِلَنِي بِرَغْبَتِي، وَ لَا تُرَدِّدَنِي مُجْبُوهاً مُنْعَوِهاً وَ لَا حَائِباً، يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمٌ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

۹) اگر به جهت ازدحام نتواند به هر زاویه برود، رو به آن بایستد.

۱۰) در محل نمازش، به خداوند متعال التماس کند و دعا نماید و تکبیر بگوید.

۱۱) در وسط کعبه به سجده افتد و طبق روایت از حضرت صادق علیه السلام، بگوید: «لَا يَزِدُّ غَضَبَكَ إِلَّا جِلْمُكَ، وَ لَا يُجِيرُ مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَ لَا نَجَاءَ مِنْكَ إِلَّا بِالْتَضَرُّعِ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُخَيِّئُ أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تُنْشِرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَ لَا تُهْلِكُنِي يَا إِلَهِي عَمّاً حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي، وَ تُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَ لَا تُشِمِّتْ بِي عَدُوِّي، وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، مَنْ ذَا الَّذِي يَزِفُعُنِي إِنْ وَضَعْتَنِي، وَ مَنْ ذَا الَّذِي يَصْعُنِي إِنْ رَفَعْتَنِي، وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ فِي أَمْرِهِ، فَقَدْ عَلِمْتُ يَا إِلَهِي أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَ لَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَ إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَ يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفِ، وَ قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ، إِلَهِي فَلَا تُجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضاً، وَ لَا لِغِقْمَتِكَ نَصَباً، وَ مَهْلَنِي وَ نَفْسِنِي وَ أَقْلِي عَشْرَتِي وَ لَا تُرَدِّدْ يَدِي فِي تَخْرِي وَ لَا تُتْبِعْنِي بِلَاءً عَلَى أَثَرِ بِلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ، وَ وَحْشَتِي مِنْ النَّاسِ وَ أُنْسِي بِكَ، أَعُوذُ بِكَ الْيَوْمَ فَأَعِدَّنِي، وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى الصَّرَاءِ فَأَعِنِّي، وَ أَسْتَنْصِرُكَ فَانصُرْنِي، وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي، وَ أُوْمِنُ بِكَ

فَأَمِّي، وَ أَسْتَهْدِيكَ فَاهِدِي، وَ أَسْتَرْجِعُكَ فَارْجِعِي، وَ أَسْتَعْفِرُكَ بِمَا تَعَلَّمْتُ فَأَعْفِرْ لِي، وَ أَسْتَرْزُقُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَارْزُقْنِي، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

۱۲) هنگام خروج از کعبه، سه بار تکبیر بگویند.

۱۳) طبق روایت از حضرت امام صادق علیه السلام، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا، وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الصَّارُ النَّافِعُ».

۱۴) هنگام خروج، از سمت چپ خارج شود و دو رکعت نماز بگزارد.

❖ استحباب نوشیدن آب زمزم

نوشیدن آب زمزم و سیراب کردن خود از آن مستحب است، زیرا خداوند در آن، شفا قرار داده و به وسیله آن، بیماری‌ها را از انسان دور می‌گرداند و موجب برآورده شدن حاجات و رسیدن به آرزوهاست.

و بهترین خواسته برای بنده مؤمن، طلب مغفرت از خداوند متعال و تقاضای رسیدن به رحمت الهی و نجات از عذاب برزخ و قیامت است. و نیز مستحب است که از آب زمزم بردارد و به دوستان خود هدیه کند. خواستن آب زمزم از حجاج استحباب دارد. در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که در مدینه بودند، از کسانی که از مکه می‌آمدند می‌خواستند که از آب زمزم به آن حضرت هدیه دهند.

و چه بسیار از علما که از آب زمزم برای توفیق در تحصیل علم و رفع بیماری‌ها و برآورده شدن حوائج، نوشیده و به آرزوی خود رسیده‌اند.

❖ مستحبات مکه مکرمه

۱) پس از فارغ شدن از طواف حج، برای هر یک از والدین و همسر و فرزندان و نزدیکان و هم‌شهریان خود، یک طواف همراه نمازش به جا آورد و می‌تواند از طرف همه یک طواف به جا آورد.

۲) در مدتی که حاجی در مکه است، سیصد و شصت طواف به جا

آورد و اگر امکان ندارد، سیصد و شصت و چهار شوط طواف کند که برابر پنجاه و دو طواف می‌شود و اگر نمی‌تواند، هر اندازه که امکان دارد طواف کند.

۳) زیارت و خواندن نماز و دعا در محلّ ولادت حضرت رسول ﷺ؛ این محل در گذشته در یکی از کوچه‌های سوق اللیل قرار گرفته بود و در وضع فعلی در مقابل میدان روبروی صفا و مروه قرار دارد که به صورت کتابخانه‌ای تحت اشراف وزارت جمع و اوقاف درآمده است.

۴) ختم قرآن در مکه معظمه؛

۵) تصمیم بر آمدن مجدد به حج؛ که این تصمیم موجب طول عمر است، همان‌گونه که تصمیم بر نیامدن، موجب کوتاهی عمر می‌شود.

۶) آمدن به «حطیم» که بین درب کعبه و حجرالاسود است و مکان توبه حضرت آدم علیه السلام می‌باشد و در روایت است که این مکان از شریف‌ترین بقاع ارض است؛ پس در این مکان نماز بگزارد و دعا کند و به پرده کعبه دست آویزد و در مستحجار. که مقابل حطیم، کنار رکن یمانی قرار دارد. نیز همین اعمال را انجام دهد.

۷) رفتن به خانه حضرت خدیجه علیها السلام؛ که پس از تزویج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت با او در آن خانه زندگی می‌کرده و در ضمن زادگاه حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد و نیز محلّ وفات حضرت خدیجه علیها السلام است که فعلاً به صورت مسجد درآمده است.

۸) رفتن به مسجد «ارقم» (راقم) و نماز خواندن و دعا کردن در آن مسجد؛

۹) رفتن به غار «حراء» که در «جبل‌النور» است؛ و آن غاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قبل از نبوت، در آن مکان خدا را عبادت می‌کرده و محلّ نزول وحی بر آن حضرت است.

۱۰) رفتن به غار «ثور» که در «جبل‌الثور» است؛ و آن کوهی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان هجرت به مدینه، از شرکفّار در آن محلّ مخفی شدند.

✽ زيارت قبر شريفه مکه مکرمه

(۱) زيارت قبر حضرت خديجه عليها السلام در قبرستان «حجون»:

«السلام عليك يا ام المؤمنين، السلام عليك يا زوجة سيد المرسلين، السلام عليك يا فاطمة الزهراء سيده نساء العالمين، السلام عليك يا اول المؤمنين، السلام عليك يا من أنفقت مالها في نصره سيد الانبياء، و نصرته ما استطاعت و دافعت عنه الاعداء، السلام عليك يا من سلم عليها جبريل، و بلغها السلام من الله الجليل، فهنيئا لك بما اولاك الله من فضل، و السلام عليك ورحمة الله و بركاته».

(۲) زيارت قبر حضرت ابوطالب عليه السلام:

«السلام عليك يا سيد البطحاء و ابن ريسها، السلام عليك يا وارث الكعبة بعد تأسيسها، السلام عليك يا كافل الرسول و ناصره، السلام عليك يا عم المصطفى و ابا المرتضى، السلام عليك يا بيضة البلد، السلام عليك أيها الذاب عن الدين، و الباذل نفسه في نصره سيد المرسلين، السلام عليك و على ولدك أمير المؤمنين ورحمة الله و بركاته».

(۳) زيارت قبر حضرت عبد مناف، جد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

«السلام عليك أيها السيد التبيل، السلام عليك أيها الغصن المثمر من شجرة إبراهيم الخليل، السلام عليك يا جد خير الوري، السلام عليك يا بن الأنبياء الاصفياء، السلام عليك يا بن الاوصياء الاولياء، السلام عليك يا سيد الحرم، السلام عليك يا وارث مقام إبراهيم، السلام عليك يا صاحب بيت الله العظيم، السلام عليك و على آباءك الظاهري ورحمة الله و بركاته».

(۴) زيارت قبر حضرت عبدالمطلب عليه السلام، جد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

«السلام عليك يا سيد البطحاء، السلام عليك يا من ناداه هاتف الغيب بأكرم نداء، السلام عليك يا بن إبراهيم الخليل، السلام عليك يا وارث النبيح إسماعيل، السلام عليك يا من أهلك الله بدعاءه أصحاب الفيل، و جعل كيدهم في تضليل، و أرسل عليهم طيرا أبابيل، ترممهم بحجارة من سجيل، فجعلهم كعصف مأكول، السلام عليك يا من تضرع في حاجاته إلى الله، و توكل في دعائه بنور رسول الله صلی الله علیه و آله،

السلام عليك يا من استجاب الله دعاءه، و نودي في الكعبة، و بشر بالاجابة في دعاءه، و أسجد الله الفيل إكراما و إعظاما له، السلام عليك يا من أنبع الله له الماء، حتى شرب و ارتوى في الارض القفراء، السلام عليك يابن الذبيح و أبا الذبيح، السلام عليك يا ساقى الحجيج و حافر زمزم، السلام عليك يا من جعل الله من نسله سيد المرسلين و خير أهل السموات و الأرضين، السلام عليك يا من طاف حول كعبة و جعله سبعة أشواط، السلام عليك يا من رأى في المنام سلسلة التور و علم أنه من أهل الجنة، السلام عليك يا شبيهة الحمد، السلام عليك و على آباءك و أجدادك و أبناءك جميعا و رحمة الله و بركاته».

٥) زیارت قبر حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم ﷺ:
 «السلام عليك أيّتها الطاهرة المطهرة، السلام عليك يا من خصها الله بأعلى الشرف، السلام عليك يا من سطع من جبينها نور سيد الأنبياء، فأضاءت به الأرض و السماء، السلام عليك يا من نزلت لاجلها الملائكة، و ضربت لها حجب الجنة، السلام عليك يا من نزلت لخدمتها الحور العين، و سقينها من شراب الجنة، و بشئها بولادة خير الأنبياء، السلام عليك يا أم رسول الله، السلام عليك يا أم حبيب الله، فهنيئا لك بما أتيك الله من فضل، و السلام عليك و على رسول الله صلى الله عليه و آله، و رحمة الله و بركاته».

٦) زیارت قبر حضرت قاسم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ:
 «السلام عليك يا سيدنا يا قاسم بن رسول الله، السلام عليك يا بن نبي الله، السلام عليك و على من حولك من المؤمنين و المؤمنات، رضى الله تعالى عنكم و ارضاكم احسن الرضا، و جعل الجنة منزلكم و مسكنكم و مأويكم، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته».

✽ مسجد غدیر خم

زیارت و نماز خواندن و دعا کردن فراوان در مسجد غدیر خم، که بین راه مدینه و مکه است، و در این محل بر پیامبر اکرم ﷺ آیه شریفه «یا ایها

الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» نازل گردید و آن حضرت مأمور به نصب حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای امامت پس از خود و اخذ بیعت از مردم برای آن حضرت گردید.

و پس از بیعت، این آیه شریفه بر آن حضرت نازل گردید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول این آیه فرمود:

«خدا بزرگ است و ستایش بر اوست که دین خود را کامل کرد و نعمت خود را تمام، و از آن راضی گشت و ولایت را به حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام اختصاص داد.»

✽ مستحبات وداع کعبه

برای وداع کعبه مستحبات فراوانی است که به بعضی آنها اشاره می شود:

(۱) مقداری خرما بخرد و مُشت مُشت به فقرا صدقه بدهد تا کفاره احتمالی بعضی از تروک احرام که از روی غفلت انجام داده است، قرار گیرد.

(۲) طواف وداع؛ که در آن رکن حجر و رکن یمانی را. در صورت امکان. در هر شوط استلام نماید، وگرنه فقط در ابتدا و اختتام طواف، استلام کند.

(۳) به مستحار برود و دعای روز ورود به مکه را. که اختصاص به این مکان داشت. بخواند و بسیار دعا کند.

(۴) استلام حجر کند و شکم خود را به بیت بچسباند.

(۵) حمد و ثنای حق را به جا آورد و بر پیامبر اکرم و خاندانش صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ، وَحَبِيبِكَ وَنَحْيِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ اقْبَلْ مِنِّي مُنْجِحاً مُفْلِحاً مُسْتَجَاباً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ»

وَالْبُرْكَهَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الرَّضْوَانَ وَ الْعَافِيَةَ، فيما يسعني أن أطلب أن تعطيني مثل الذي أعطيتهم أفضل من عبدك، و تزيدني عليه، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَى دَابَّتِكَ، وَ سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ، حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ، وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ ذُنُوبِي فَازِدْ عَنِّي رِضِي، وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، وَ لَا تُبَاعِدْنِي، وَ إِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَهِنَّ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَتَأَى عَن بَيْتِكَ دَارِي، فَهَذَا أَوْ أَنْ انْصِرَافِي، إِنْ كُنْتَ أُذِنْتَ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنكَ وَ لَا عَن بَيْتِكَ، وَ لَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَ لَا بِهِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي، حَتَّى تَبْلُغَنِي أَهْلِي، فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَاكْفِنِي مَثْوَى عِبَادِكَ وَ عِيَالِي، فَإِنَّكَ وَ لِي ذَلِكُ مِنْ خَلْقِكَ وَ مِثِّي».

۶) به چاه زمزم برود و از آن بنوشد، ولی به سر نریزد و سپس بگوید:

«أَيُّهُنَّ تَأْتِيهِنَّ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ رَاغِبُونَ، إِلَى اللَّهِ رَاغِعُونَ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

۷) به مقام حضرت ابراهیم عليه السلام برود و پشت مقام، دو رکعت نماز بخواند.

۸) به ملتزم برود و شکم را برهنه کند و به اندازه مدت هفت و یا هشت شوط در آنجا بماند.

۹) به طرف حجرالاسود برود و آن را ببوسد و مسح کند و دست را به صورت بکشد.

۱۰) به درب خانه کعبه برود و دستش را روی آن قرار دهد و بگوید:

«الْمَشْكِينُ عَلَى بَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْحِجَّةِ».

۱۱) در مقابل درب مسجد، سجده طولانی به جا آورد و سپس بایستد و رو به کعبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْقَلِبُ عَلَى آلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ».

۱۲) از باب حنطین خارج شود.

❖ اعمال عرفه

❖ دعای شب عرفه

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدئًا بِالتَّعَمُّ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادًا، يَا مَنْ لَا يُوَارَى مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا بَحْرٌ عَجَاجٌ، وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أُنْبُرَاجٍ، وَلَا ظُلْمٌ ذَاتُ اِرْتِبَاجٍ، يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَخْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمُخْزُونِ الْمُكْتُونِ الْمُكْتُوبِ الظَّاهِرِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ؛ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَبِاسْمِكَ الشُّبُوحِ الْقُدُوسِ الْبِزْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ السَّمَاوَاتِ فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّتْ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِضُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُنْطَلِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِالْأَسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخِضْرُ عَلَى قَلْبِ الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَأُنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَا عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ الْمُتَوَقِّ وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيئًا، وَأَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَبِيبِكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُتَقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَاؤَكَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَسِيَّةُ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَعَافَيْتَهُ وَأَتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً

مِنْ عِنْدِكَ وَذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدَتْ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَفَرَّ عَيْنَيْهِ يُوسُفُ وَجَمَعَتْ شَمْلَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ فَوَهَبَتْ لَهُ مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذْ قَالَ تَعَالَى: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»؛ وَقَوْلُهُ: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنْزَّلَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ فَعَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ، وَبِحَقِّ فَضْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ، وَالصُّخْفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى، وَاللُّوْحِ وَمَا أَحْصَى، وَبِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقِ وَالْدُنْيَا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرَ بِلَيْلِي عَامٍ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمُخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي اسْتَأْتَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَأَمَلِكَ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٍّ مُرْسَلٌ، وَلَا عَبْدٌ مُضْطَظٌّ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَفَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ، وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ، وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَبِحَقِّ طِهَ وَيَسَ وَكَهْيَعَصَ، وَحَمِصَقَ، وَبِحَقِّ تَوْرَةِ مُوسَى، وَإِنْجِيلِ عِيسَى، وَزَبُورِ دَاوُدَ، وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبَاهِيئاً شَرَاهِيئاً.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبَ عَلَى وَرَقِ الرَّيْثُونِ فَخَضَعَتِ النَّيْرَانُ لِتِلْكَ التَّورَةِ فَقُلْتَ: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا»، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُسْتَعَاثُ وَإِلَيْهِ يُلْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاذِ الْعَزِيزِ عَزِيزِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، وَجَدِّكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَامَاتِ الْعُلَى .

اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيحِ وَمَا ذَرَتْ، وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَالسَّيَاطِينِ وَمَا أَصَلَّتْ، وَالْبَحَارِ وَمَا جَرَتْ، وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ؛ وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَالْمُسْتَجِيبِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَمُوتُونَ، وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ، يَا مُجِيبُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُؤْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يَا مُؤْنِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيبِينَ، يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرَجِينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمُكْرُوبِينَ؛ يَا فَارِحَ هَمِّ الْمُهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دِيَانَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، أَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَعَفَّرُ النَّعَمَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي ثَوْرَتْ النَّدَمَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي ثَوْرَتْ السَّقَمَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَزُدُّ الدُّعَاءَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَحْسُ فِطْرَ السَّمَاءِ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَعْجَلُ الْفَنَاءَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ؛ وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ، وَأَعْفُزُ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَأَجْمَلُ عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً وَيُسْراً، وَأَنْزِلْ بَيِّنَاتِكَ فِي صَدْرِي، وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ .

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَعَافِنِي فِي مَقَامِي، وَاصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، وَمَنْ بَيْنَ يَدَيْ وَمَنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمَنْ فَوْقِي وَمَنْ تَحْتِي، وَيَسِّرْ لِي السَّبِيلَ، وَأَحْسِنْ لِي التَّيْسِيرَ، وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعُسْرِ، وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ؛ وَلَا تَكْلِئِنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ

وَلَقِنِي كُلَّ سُورٍ وَأَقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَجْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ، وَأَقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ؛ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ، وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ، وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ، وَأَخْبِنِي حَيَاةَ طَيِّبَةً، وَتَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْأَبْرَارِ، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ .

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ وَإِتِّبَاعِ السُّنَّةِ، يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَحَدِيثًا، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَجْتَهُ؟ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَسْتَهُ؟ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ؟ وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ؟ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَزَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ وَعَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرِ تَفْسِيمِهِ، أَوْ ضَرِّ تَكْشِفُهُ، أَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوِّفُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، أَوْ عَافِيَةٍ تُنْبِئُهَا، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطَى الَّذِي لَا يَبْرُدُ سَائِلُهُ، وَلَا يَحْتَبِئُ أَمَلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَطَيِّبًا وَعَطَاءً وَجُودًا، وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَنْفِي، وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

✽ بقیه اعمال عرفه

(۱) خواندن دعایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق روایت حضرت صادق علیه السلام به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آموخت و فرمود: این دعایی است که انبیای قبل از من، آن را می خوانده اند و آن دعا این است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ خَيْرٌ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ دِينِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ ثُرَاتِي وَ بِكَ حَوْلِي، وَ مِنْكَ قُوَّتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ الْوَسْوَاسِ الصَّدْرِيِّ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأُمُورِ وَ مِنَ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ، أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا وَ فِي بَصَرِي نُورًا، وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عَظْمِي وَ عُرْوِقِي وَ مَفَاصِلِي وَ مَفْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَذْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا، وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقَاكِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

✽ دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

(۲) بشر و بشیر فرزندان غالب می گویند: در عرفه خدمت حضرت امام حسین علیه السلام بودیم. آن حضرت با اهل بیت و فرزندان و پیروانش از خیمه خارج شد و در دامنه کوه، زیر آسمان، روی پا ایستاده بود و در حالی که دست ها را مقابل صورت گرفته بود، با خشوع و خضوع کامل، خداوند متعال را چنین می خواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَ لَا لِعِظَائِهِ مَانِعٌ وَ لَا كُصْنَعُهُ صُنْعٌ صَانِعٌ وَ هُوَ الْجَوَادُ الْأَوْسَعُ فَطَرَ أَحْبَابَ الْبِدَائِعِ وَ أَنْقَرَنَ مِحْجَمَتِهِ الصَّنَائِعَ وَ لَا تَحْفَى عَلَيْهِ الظَّلَانِعُ وَ لَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ أَتَى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ وَ بَسَّرَنَ الْإِسْلَامَ النُّورِ السَّاطِعِ وَ هُوَ لِلْخَلِيقَةِ صَانِعٌ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْفَجَائِعِ جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَ رَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ وَ رَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ

سَامِعٌ وَ لِلْمُطِيعِينَ نَافِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلكُرْبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ وَ رَاحِمٌ
عَبْرَةٌ كُلِّ صَارِعٍ وَ رَافِعٌ صِرْعَةٍ كُلِّ صَارِعٍ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ اللطيفُ الخبيرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ
إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي وَ أَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِبِعْمَتِكَ قَبْلَ
أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مذكوراً وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَشْكَنْتَنِي الأَصْلَابَ آميناً لِرَبِّبِ الْمُنُونِ
وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الأَيَّامِ المَاضِيَةِ وَ
التَّزْوِنِ الحَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَافَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيَّامِ الكُفْرِ
الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَافَةً مِنْكَ وَ تَحَنُّناً عَلَيَّ لِذِي
سَبَقٍ مِنَ الهُدَى الَّذِي فِيهِ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفْتَ بِي بِجَمِيلِ
صُنْعِكَ وَ سَوَابِجِ نِعْمَتِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَتِي مِئْتِي ثُمَّ أَشْكَنْتَنِي فِي طُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ
بَيْنَ الحِمِّ وَ جِلْدٍ وَ دَمٍ وَ لَمْ تُشْهَرْنِي بِخَلْقِي وَ لَمْ تُجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي
إِلَى الدُّنْيَا تَامِماً سَوِيّاً وَ حَفِظْتَنِي فِي المَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَ رَزَقْتَنِي مِنَ العِدَاءِ لَبناً طَرِيّاً
وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الحَوَاضِنِ وَ كَفَلْتَنِي الأُمَّهَاتِ الرَّحِيمَاتِ وَ كَلَّأْتَنِي مِنَ طَوَارِقِ الجَانِّ
وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقاً
بِالكَلامِ أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الإِنْعَامِ فَرَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا كَمَلْتُ فَطْرَتِي
وَ اعْتَدَلْتُ سَرِيرَتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ
فَطْرَتِكَ وَ أَنْطَقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَ نَبَّهْتَنِي لِذِكْرِكَ
وَ شُكْرِكَ وَ وَاجِبِ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ وَ فَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَ يَسَّرْتَ لِي
تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعُزْنِكَ وَ لُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حَرِّ
النَّارِ لَمْ تَرَضْ لِي يَا إِلَهِي بِبِعْمَةٍ دُونَ أُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ المَعَاشِ وَ صُوفِ
الرِّبَاسِ بِمِسْكِ العَظِيمِ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ القَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ
وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيْنِكَ أَنْ دَلَلْتَنِي عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي
إِلَيْكَ وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِيلُنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَ إِنْ
أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلَّ ذَلِكَ إِكْمالاً لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ
فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ حَمِيدٍ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ أَلْوَاكُ

فَأَيُّ أَنْعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا أَوْ ذَكَرًا أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَذَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَاءِ وَأَنَا أُشْهِدُكَ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْجِيدي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ صَمِيرِي وَعَلَائِقِي تَجَارِي نُورِ بَصْرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُزْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَائِفِ مَارِنِ عَرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاحِ سَمْعِي وَمَا صَمَّمْتَ وَأَطْبَقْتَ عَلَيْهِ شَفْتَيَّ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فِيهِ وَفِكَرِي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَا كَلِي وَمَشْرَبِي وَجِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي وَجَمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتَيْبِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَابِطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كِبْدِي وَمَا حَوْتَهُ شِرَاسِيفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي وَقَبْضِ عَوَامِلِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَعَصْبِي وَقَصْبِي وَعِظَامِي وَمُحِي وَعُزُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامُ رِضَاعِي وَمَا أَقْلَبْتُ الْأَرْضَ مِنِّي وَتَوَمَّيْتُ وَيَقَطَّطِي وَسُكُونِي وَحَرَكَتِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَخْفَابِ لَوْ عَمِدْتُهَا أَنْ أُوْدِي شُكْرًا وَاحِدَةً مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ شُكْرًا إِنْفَاءً جَدِيدًا وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلَ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ تُحْصِي مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفَةً وَأَنْفَةً مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَبَدًا هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ نَفْسِكَ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبِيَّ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصِيهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَنَبُوكَ وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجِدِّي وَجُهْدِي وَمَبَالِغِ طَاقَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مُورَثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ وَلَا وَليٌّ مِنَ الذَّلِيلِ فَيُرْفِذُهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا فِسْبِحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَعْدِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خِيَّتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ».

امام علیه السلام در حالی که اشک هایش از دیده های مبارکش جاری بود،
خواسته ها را عرضه داشت و بر دعا اهتمام نمود و بعد گفت:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْسَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَشْعِدْنِي بِتَفْوَاكَ وَلَا تُشَقِّقْ بِمَعْصِيَتِكَ وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالتَّيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالتَّوَرُّفَ فِي بَصْرِي وَالتَّوْبَةَ فِي دِينِي وَالتَّوَكُّلَ فِي مَجَارِحِي وَاجْعَلْ سَعْيِي وَبَصْرِي التَّوَارِثِينَ لِي مِنِّي وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَارزُقْنِي فِيهِ مَا رِبِّي وَتَارِي وَأَوْرِدْ لِكَ عَيْنِي اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَاشْتُرْ عَوْرَتِي وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَاحْسَأْ شَيْطَانِي وَفُكْ رَهَانِي وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الآخِرَةِ وَالأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي حَيّاً سَوِيّاً رَحِمَةً بِي وَكُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَحَسَنْتَ صُورَتِي يَا رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ بِي وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْيَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ آتَيْتَنِي وَأَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَفْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ الصَّافِي وَيسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَصُرُوفِ الأَيَّامِ وَالتَّلِيَالِي وَخِجْنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الآخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الأَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فِقْنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي وَفِي سَفْرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي فَاحْلُقْنِي وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي عَيْنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الحِنِّ وَالإِنْسِ فَسَلِّمْني وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضُخْنِي وَبِسِرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تُجَبِّلْنِي وَبِعَمَلِكَ فَلَا تُسَلِّبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى مَنْ تُكَلِّبْنِي إِلَى القَرِيبِ يَفْطَعُنِي أَمْ إِلَى البَعِيدِ يَتَجَهَّمُنِي أَمْ إِلَى المُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ عُزْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي اللَّهُمَّ فَلَا تُخْلِلْ بِي عَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ غَيْرَآنَ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي يَا رَبِّ فَاسْأَلْكَ بِتُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَانكشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ

الْأُولَئِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُؤْتِنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنَزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمَنَةً يَا مَنْ عَنَى عَنِ الْعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَشْبَعَ التَّعْمَةَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدْنِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدِي يَا عِيَانِي فِي كُرْبِي يَا مُؤْنِسِي فِي حُفْرِي يَا وَليَّ نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَهَ الْمُسْتَجِبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كَهيعص وَطه وَيس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَنْتَ كَهْنِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِرُحْمِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقْبِلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُورِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْزُهُ يَعْتَزُونَ يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطْوَاتِهِ خَائِفُونَ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْوَاحُ وَالذُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقْبِضَ الرَّكْبِ لِيُوسَفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْتِصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ يَا مُمَسِّكَ يَدِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَنْبِ ابْنِهِ بَعْدَ أَنْ كَبَّرَ سِنَّهُ وَفَتِي عُمُرُهُ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَرَّقَ الْبَحْرَيْنِ إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمَا وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرِقِينَ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ بَعْدَ طَوْلِ الْجُحُودِ وَقَدْ عَدَّوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كَلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادَوْهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا إِلَهَ يَا بَدِيءُ لَا بَدءَ لَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ يَا يُحْيِي الْمَوْتَىٰ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قُلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي وَعَظَمْتَ عِنْدَهُ حَظِيَّتِي فَلَمْ

يَفْضَحِنِي وَرَأَيْتَنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَحْذُلْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي
 كِبَرِي يَا مَنْ أَيَّدَنِي عِنْدِي لَا تُحْصِي يَا مَنْ نِعْمُهُ عِنْدِي لَا تُجَازِي يَا مَنْ عَارَضَنِي
 بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَ عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ
 أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي وَ عَزِيَاناً فَكَسَانِي وَ جَائِعاً
 فَأَطْعَمَنِي وَ عَطْشَاناً فَأَرْوَانِي وَ ذَلِيلاً فَأَعَزَّنِي وَ جَاهِلاً فَعَرَّفَنِي وَ وَحِيداً فَكَتَبَنِي وَ
 غَانِباً فَزِدَّنِي وَ مُقْلَباً فَأَغْنَانِي وَ مُنْتَصِراً فَتَصَرَّنِي وَ غَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسَكْتُ عَنْ
 جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفَسَ كُرْبَتِي وَ أَجَابَ دَعْوَتِي وَ
 سَتَرَ عَوْرَتِي وَ ذُنُوبِي وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَ إِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَ مِثْلَكَ
 وَ كَرَامَتِكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ
 الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي
 رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ
 أَنْتَ الَّذِي أَوَيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ
 الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْلَقْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي
 أَعَزَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ
 أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ رَبِّي وَ تَعَالَيْتَ
 فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِماً وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُتَعَرِّفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي أَنَا
 الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي أَغْفَلْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ
 أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ أَنَا الَّذِي
 أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ أَنَا يَا إِلَهِي اعْتَرَفُ بِنِعْمِكَ عِنْدِي وَ أَبُوءُ
 بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعِنِّي عَنْ طَاعَتِهِمُ وَ الْمُتَوَقِّفُ
 مِنْ عَمَلِ مِثْلِهِمْ صَالِحاً بِمِعْوَنَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَ تَهَيَّيْتَنِي
 فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأُصْبِحُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ فَأَعْتَدِرُ وَ لَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ
 اسْتَقْبَلْتُكَ يَا مَوْلَايَ أَسْمَعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي أَلَيْسَ كُلُّهَا
 نِعْمَكَ عِنْدِي وَ بِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِيلُ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي
 مِنَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَ مِنَ الْعَشَائِرِ وَ الْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي وَ مِنَ السَّلَاطِينِ

أَنْ يَعْاقِبُونِي وَ لَوْ أَظْلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَ
 لَرَفُصُونِي وَ قَطَعُونِي فَهَذَا أَنَا ذَابِنٌ يَدِيكَ يَا سَيِّدِي خَاصِعًا ذَلِيلًا حَاصِرًا حَقِيرًا لَا دُو
 بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرُ وَلَا دُو فَوْهٍ فَأَنْتَصِرُ وَلَا حُجَّةَ لِي فَأُحْتَجُّ بِهَا وَ لَا قَائِلَ لَمْ أُجْتَرَحْ وَ لَمْ
 أَعْمَلْ سُوءً وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي فَكَيْفَ وَ أَنَّى ذَلِكَ وَ
 جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَلِمْتَ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي
 مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَ أَنَّكَ الْحَكِيمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَ عَدْلُكَ مَهْلِكِي وَ مِنْ كُلِّ
 عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِن تَعَذَّبْنِي فَبِدُنُوبِي يَا إِلَهِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَ إِن تَعَفَّ عَنِّي
 فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَعْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
 الْمُتَوَجِّهِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِحِينَ الرَّاجِحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
 مِنَ الْمُتَهَلِّلِينَ الْمُتَسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَ رَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ اللَّهُمَّ هَذَا سَنَائِي
 عَلَيْكَ مُمَجَّدًا وَ إِخْلَاصِي لِدِكْرِكَ مُوَجَّدًا وَ إِفْرَارِي بِآلَتِكَ مُعَدَّدًا وَ إِن كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي
 لَا أَحْصِيهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغَهَا وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَفَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَنْزَلْ تَتَعَمَّدُنِي
 بِهِ مَعَهَا مُذْ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِعْنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ وَ كَشْفِ الضَّرِّ وَ
 تَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَ دَفْعِ الْعُسْرِ وَ تَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَ الْعَاقِبَةِ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ
 وَ لَوْ فَدَّنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِنِعْمِكَ عَلَيَّ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ لَمَا قَدَرْتُ وَ
 لَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسْتَ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ عَظِيمٍ كَرِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصَى الْأَوْكُ وَ لَا
 يُبْلَغُ سَنَاؤُكَ وَ لَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْمَ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَ
 أَسْعَدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُحِبُّ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ
 وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ وَ تُجَبِّرُ الْكَاسِرَ وَ
 تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ
 يَا مُطَّلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُتَسَجِّجِ يَا مَنْ لَا
 شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا

أَعْطَيْتَ وَ أَنْتَلْتِ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا وَ آيَةً تُجَدِّدُهَا وَ بَلِيَّةً تُصَرِّفُهَا وَ كُزْبِيَّةً تُكْشِفُهَا وَ دَعْوَةً تُسْمِعُهَا وَ حَسَنَةً تُتَقَبَّلُهَا وَ سَيِّئَةً تُغْفِرُهَا إِنَّكَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ دُعَايِ وَأَسْرَعُ مِنْ أَجَابِ وَأَكْرَمُ مِنْ عَفَا وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعْوَتِكَ فَأَجِبْتَنِي وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَ وَبِقَتِكَ بَكَ فَنَجَيْتَنِي وَ فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ تَمِّمْ لَنَا عَمَاءَكَ وَ هَيِّئْ لَنَا عَطَاءَكَ وَ اجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لِأَوْلَادِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَّرَ وَ قَدَّرَ فَفَهَّرَ وَ عَصِي فَسْتَرَّ وَ اسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاجِعِينَ وَ مُتَمَّتِي أَمَلِ الرَّاجِعِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ وَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ ذَلِكَ يَا عَظِيمُ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِنَّكَ عَجَبَتِ الْأَصْوَاتُ بِضُوفِ اللَّغَاتِ وَ اجْعَلْ لَنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ بَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَفْلَيْنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ مَبْرُورِينَ غَائِمِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَ لَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُخْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا تُؤَدِّدْنَا خَائِبِينَ وَ لَا عَن بَابِكَ مَظْزُودِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَ لَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَايَاكَ قَانِطِينَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَفْبَلْنَا مُؤْمِنِينَ وَ لَبِيتْنَاكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ فَأَعِنَّا عَلَى مَنْسَكِنَا وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّتَنَا وَ اعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا وَ عَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيِّدِينَا وَ هِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مُوسُومَةٌ اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْتَنَا فَلا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمَكَ مُحِيطٌ بِمَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ أَفْضَلُ لَنَا الْخَيْرِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ

الْحَيِّرِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ وَكَرِيمِ الذَّخْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ وَاعْفِرْ لَنَا
 ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ بِمَنْ سَأَلَكَ فَأَعْظَيْتَهُ وَ شَكَرَكَ فَرِذْتَهُ وَ تَابَ
 إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ
 وَفَقْنَا وَ سَدَدْنَا وَ اعْصَمْنَا وَ اقْبَلْ تَصَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجَمَ
 يَا مَنْ لَا يَحْتَقِ عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَ لَا حُطُّ الْعُيُونِ وَ لَا مَا اسْتَفْرَفِي الْمُكْتُونِ وَ لَا
 مَا انْطَوَّتْ عَلَيْهِ مُمْصِرَاتُ الْقُلُوبِ أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ جِلْمُكَ
 سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ
 الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْإِيَادِي الْحِسَامِ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ
 الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي وَ أَمْنِ
 خَوْفِي وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمَكُّرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَخَذَلْنِي وَ اذْرَأْ
 عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحِنِّ وَ الْإِنْسِ».

پس سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیده های مبارکش، مانند دو مشك، آب می ریخت و به صدای بلند گفت:

«يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْظَيْتَنِيهَا لَمْ
 يَصْرَفْنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْظَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنْ
 النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ».

پس مکرر می گفت: «یا رب» و کسانی که دور آن حضرت بودند، همگی به دعای آن حضرت، گوش داده بودند و به «آمین گفتن» اکتفا کرده بودند. پس صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد تا آفتاب غروب کرد و بار کردند و روانه جانب مشعرالحرام شدند.

سیدبن طاوس در اقبال بعد از «یا رب یا رب یا رب» این زیادتى را ذکر فرموده:

«إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي إِلَهِي إِنَّ إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بِلَاءِ إِلَهِي مَتَى مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَ مِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ صَعْبِي أ فَتَمَنُّعْنِي [أ تَمَنُّعْنِي] مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ صَعْبِي إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمُحَاسِنُ مِنِّي فَبِمُضْلِكَ وَ لَكَ الْإِثْنُ عَلَيَّ وَ إِنْ ظَهَرَتِ الْمُسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ تَكِلُنِي وَ قَدْ تَوَكَّلْتُ لِي وَ كَيْفَ أَصَامُ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أَحِبُّ وَ أَنْتَ الْحَقِيُّ فِي هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ تَخْتِيبُ آمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ يَا إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ قَدْ أَبْعَدَنِي عَنْكَ وَ مَا أَرْأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقَّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ إِلَهِي كَلَّمَا أَحْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ وَ كَلَّمَا آيَسَّنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِثْنُكَ إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ [حَقَائِقِي] دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ وَ مَسِيئَتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتَرَكْهَا لِيذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَ لَا لِيذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا وَ حَالَةٍ شَيْدَتْهَا [شَيْدَتْهَا] هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ بَلْ أَقَالِي مِنْهَا فَضْلُكَ إِلَهِي إِنَّكَ تَعَلَّمَ أَنِّي وَ إِنْ لَمْ تَدْمِ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَ عَزْمًا إِلَهِي كَيْفَ أَعْرِمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ وَ كَيْفَ لَا أَعْرِمُ وَ أَنْتَ الْأَمْرُ إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيْ كَيْفَ لِيغْنِيكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُنْظَهَرُ لَكَ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تَوْصِلُ

إِلَيْكَ عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَزَالُ [تَرَكَ] عَلَيَّهَا رَقِيْبًا وَ حَسَرْتُ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ فَأَزْجِعُنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٌ السَّرْعِ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا وَ مَرْفُوعَ الْهَمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَ بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ وَ أَقْنِنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْزُونِ وَ صُنِّي بِسِرِّكَ [بِسِرِّكَ] الْمُصُونِ إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُورِ وَ اسْأَلُكَ فِي مَسَلِّكَ أَهْلَ الْجُذْبِ إِلَهِي أَقْنِنِي [أَغْنِنِي] بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَ اخْتِيَارِكَ أَوْ بِاخْتِيَارِكَ لِي عَنْ اخْتِيَارِي وَ أَوْفِقْنِي عَلَى مَرَكَزِ اضْطِرَارِي إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّي نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي [الرَّمْسِ] بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي وَ عَلَيْكَ اتَّوَكَّلُ فَلَا تَكْلِبْنِي وَ إِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَ فِي فَضْلِكَ أَرْعَبُ فَلَا تُخْرِمْنِي وَ جَنَابِكَ أَنْتَسَبُ فَلَا تَبْعُدْنِي وَ بِيَابِكَ أَقْفُ فَلَا تَطْرُدْنِي إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي إِلَهِي أَنْتَ الْعَيْبِيُّ بَدَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَ الْقَدْرَ يُمَيِّنِي [أُمَيِّنِي] وَ إِنَّ الْهُوَاءَ بِوَنَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تُبْصِرَنِي وَ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعِينِي بِكَ عَنْ طَلْبِي [طَلْبِي] أَنْتَ الَّذِي أَسْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَانِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ وَحَدُّوكَ [أَوْ وَجَدُوكَ] وَ أَنْتَ الَّذِي أَرَلْتَ الْأَعْيَانَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ الْمُؤْنِسُ هُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوْلَامُ وَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ هُمْ الْمُعَالِمُ [إِلَهِي] مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَ لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَعَى عَنْكَ مَتَحَوَّلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَ أَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ وَ كَيْفَ يَطْلُبُ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ أَدَاكَ أَحِبَّاءُهُ حَلَاوَةَ الْمُنَاسَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَ يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَائِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَعْفِرِينَ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَ أَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعِظَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الظَّالِمِينَ وَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَفْرِضِينَ إِلَهِي

اَظْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ وَ اجْذِبْنِي بِمَتْنِكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقُطِعُ عَنْكَ وَ إِنَّ عَصِيئَتَكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزَالِنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ رَفَعْتَنِي [دَفَعْتَنِي] الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَوْفَعَنِي عَلَمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَ أَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَ عَلَيْكَ [وَأَنْتَ] مَتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ أَشْتَعِرُ وَ فِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا أَشْتَعِرُ وَ إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي بِمُجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَ أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَصَا جَهْلَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَمَّتِ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ وَ مَحَمَّتِ الْأَعْيَانَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَ أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ».

❖ دعای حضرت سجاد علیه السلام در روز عرفه

۳) خواندن سایر ادعیه مأثوره از معصومین (صلوات الله عليهم اجمعین) استحباب دارد، به ویژه دعایی که از حضرت سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه روایت شده است و آن دعا چنین است:

«(۱) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيحِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَ إِلَهَ كُلِّ مَالُوهٍ، وَ خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَ وَارِثَ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ.

(۳) أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ (۴) وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَطِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ (۵) وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمُحَالِ (۶) وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.

(۷) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ (۸) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، (۹) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ (۱۰) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ (۱۱) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمُجَدِّ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ (۱۲) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِتَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُشْتَدَّعَاتِ بِإِلَاحْتِدَائِهِ.

(۱۳) أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا (۱۴) أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ، وَلَمْ يُوَارِزِكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ. (۱۵) أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَ فَصَّيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا فَصَّيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ. (۱۶) أَنْتَ الَّذِي لَا يَخْوِيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعْيِكَ بَرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ. (۱۷) أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا. (۱۸) أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ، وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَنْبِيَّتِكَ. (۱۹) أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مُحْدُودًا، وَلَمْ تُثَمَّلْ فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا. (۲۰) أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَايِنُكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيُكَاتِرُكَ، وَلَا نِدًّا لَكَ فَيُعَارِضُكَ.

(۲۱) أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأْتَ، وَ اخْتَرَعْتَ، وَ اسْتَحَدَّثْتَ، وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ. (۲۲) سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ، وَ أَسَنَى فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ، وَ أَضْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ (۲۳) سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ، وَ رَزَّوْفٍ مَا أَرَأَفَكَ، وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ (۲۴) سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكٍ مَا أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَ رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمُجَدِّ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. (۲۵) سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهُدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَهَنْ التَّمَسُّكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ (۲۶) سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ

(۲۷) سُبْحَانَكَ لَا تَحْسُ وَلَا تُحْسُ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُنَاطُ وَلَا تُنَاطُ وَلَا تُتَنَازَعُ وَلَا تُتَنَازَعُ

تُجَارَى وَلَا تُتَارَى وَلَا تُخَادَعُ وَلَا تُتَاكَّرُ (٢٨) سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدِّدٌ. وَأَمْرُكَ رَشِيدٌ،
وَأَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ.

(٢٩) سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَصَاؤُكَ حَكْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ.

(٣٠) سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيئَتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ. (٣١) سُبْحَانَكَ بَاهِرَ الْآيَاتِ،
فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِئِ السَّمَمَاتِ (٣٢) لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ (٣٣) وَلَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ. (٣٤) وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُؤَاوِي صُنْعَكَ (٣٥) وَلَكَ الْحَمْدُ
حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ.

(٣٦) وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْضُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ (٣٧)
حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ (٣٨) حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ
يُسْتَدَعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ. (٣٩) حَمْدًا يَتَصَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَيَتَزَايِدُ أضعافًا
مُتَرَادِفَةً.

(٤٠) حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفِظَةُ، وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتُهُ فِي كِتَابِكَ الْكَتَبَةُ
(٤١) حَمْدًا يُوَارِثُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ. (٤٢) حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ
نَوَائِبُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ (٤٣) حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ
لِصِدْقِ النَّبِيَّةِ (٤٤) حَمْدًا لَمْ يَحْمَدْكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ (٤٥)
حَمْدًا يُعَانُ مِنَ اجْتِهَادٍ فِي تَعْدِيدِهِ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيئِهِ. (٤٦) حَمْدًا يَجْمَعُ
مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ. (٤٧) حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبَ إِلَى
قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِنْ يَحْمَدُكَ بِهِ. (٤٨) حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَ
تَصَلُّهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ

(٤٩) حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. (٥٠) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَنَجِّبِ الْمُضْطَظِّ الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أُمَّ
بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحْمَاتِكَ.

(٥١) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَبِي مِنْهَا، وَصَلِّ
عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أُنْمِي مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ
صَلَاةً فَوْقَهَا. (٥٢) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ

صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةٌ تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَصَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةٌ لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ هَذَا أَهْلًا. (٥٣) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَتَيْتَسَّلُ اتِّصَالَهَا بِبِقَائِكَ، وَلَا يَنْفَعُ كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتُكَ. (٥٤) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّتِكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. (٥٥) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْتِفَةٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِإِنِّ دُونَكَ، وَتُنَبِّئُنِي مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتِ تَضَاعَفَ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ. (٥٦) رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمُسْلِكَ إِلَى جَنَّتِكَ (٥٧) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ خَلْقِكَ وَكِرَامَتِكَ، وَتُجِلُّ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عِظَائِكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُوقِرُ عَلَيْهِمُ الْحَطَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ. (٥٨) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوْهَانِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَلَا نِهَائِيَةَ لِآخِرِهَا.

(٥٩) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُفَرِّجُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونُ لَكَ وَهُمْ رِضَى، وَمُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا.

(٦٠) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقْبَتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَالِانْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَأَلَّا يَتَقَدَّمَ مُمْتَقَدِّمًا، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِضْمَةُ اللَّائِيْدِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ. (٦١) اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِيُؤْتِكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فِتْحًا يَسِيرًا، وَاعْنِهِ بِرُكْنِكَ الْأَعْمَرِ، وَاشْدُدْ أَرْزُهُ، وَقَوِّ عَصُدَهُ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاجْمِهِ بِحِفْظِكَ وَانْصُرُهُ

بِمَلَائِكَتِكَ، وَ اِهْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَعْلَبِ. (٦٢) وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ خُدُودَكَ وَ شِرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .. وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنِ بِهِ الصَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ اَحْمُقْ بِهِ بُعَاةَ قَصْدِكَ عَوَاجًا.

(٦٣) وَ الْبِنِ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ. صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. (٦٤) اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَتَّبِعِينَ مِنْهُمْ جَهْمُ، الْمُتَقَرِّبِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمُتَادِينَ إِلَيْهِمْ أَغْيَمَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّاحَاتِ. (٦٥) وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلِحْ هُمْ سُؤْيَتَهُمْ، وَ تَبِّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْعَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٦٦) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَّتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجْرَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. (٦٧) اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِبَاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِنْ هَدْيَتِهِ لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حِرْزِكَ، وَ أَرْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاتِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ. (٦٨) ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتُمْ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى تَهْيِكَ، لَا مُعَادَاةَ لَكَ، وَ لَا اشْتِكَابَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ، فَاقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِعًا لِعَفْوِكَ، وَ اِثْقًا بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَّتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ.

(٦٩) وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنِ يَدَيْكَ صَاحِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِثْلِ الذُّنُوبِ تَحَلُّتُهُ، وَ جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لِأَنِّي بِرَحْمَتِكَ مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَ لَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. (٧٠) فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعَوَّدُ بِهِ

عَلَىٰ مَنِ افْتَرَفَ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَ جُدَّ عَلَيَّ بِمَا تَجَوَّدُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَلْقَىٰ بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ اَمِنُنَّ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمَلِكَ مِنْ عَفْرَانِكَ. (٧١) وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تُزِدْنِي صَفْرًا إِذَا تَنَقَّلْتُ بِهِ الْمُتَعَمِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ (٧٢) وَ إِنِّي وَ إِنَّمَا أَقْدِمُ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْيَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَ أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَىٰ مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. (٧٣) ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِتَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّدَلُّلِ وَ الِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَحْيِبُ عَلَيْهِ رَاحِيكَ. (٧٤) وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ خِيَفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّدًا وَ تَلَوُّدًا، لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبُرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةِ الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيلًا بِسَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ. (٧٥) وَ أَنَا بَعْدَ أَقْلِ الْأَقْلِينَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَ مِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَ لَا يَنْدُهُ الْمُشْرَفِينَ، وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْعَارِيينَ، وَ يَتَفَضَّلُ بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ. (٧٦) أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَارِئُ. (٧٧) أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا. (٧٨) أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. (٧٩) أَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ.

(٨٠) أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ. (٨١) أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ، وَ لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ. (٨٢) أَنَا الْخَائِبُ عَلَىٰ نَفْسِهِ (٨٣) أَنَا الْمُؤْتَمِنُ بِبِلِيَّتِهِ.

(٨٤) أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ. (٨٥) أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. (٨٦) بِحَقِّي مَنِ انْتَجَبْتِ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنِ اضْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّي مَنِ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مَنِ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّي مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتُهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّي مَنْ قَرَنْتَ مَوْلَاتَهُ بِمَوْلَاتِكَ، وَ مَنْ نُظِمَتْ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مِنْ جَارِ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا، وَ عَادَ بِاسْتِعْفَارِكَ تَائِبًا. (٨٧) وَ تَوَلَّيْتُ بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الرَّؤْفَىٰ لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ. (٨٨) وَ تَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مِنْ وَفَىٰ بِعَهْدِكَ، وَ أَنْعَبَ نَفْسَهُ فِي دَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ.

(٨٩) وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعَدِّي طُورِي فِي حُدُودِكَ، وَ مَجَاوِزَةَ

أَحْكَامِكَ. (٩٠) وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَانِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ
 لَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. (٩١) وَنَهَيْتَنِي مِنْ رَقْدَةِ الْعَافِلِينَ، وَسِنَّةِ الْمُسْرِفِينَ،
 وَنَعْسَةِ الْمُخْذُولِينَ (٩٢) وَحَذُّ بَقْلِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَانِتِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ
 بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَاسْتَنْقَدْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ. (٩٣) وَأَعَذَّنِي بِمَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ،
 وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوُلُ لَدَيْكَ (٩٤) وَسَهَّلَ لِي
 مَسَلِكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَالمُشَاحَاةَ فِيهَا عَلَى
 مَا أَرَدْتَ. (٩٥) وَلَا تَمَحَّفِنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسْتَحْفِينَ بِمَا أُوَعِدْتَ (٩٦) وَلَا
 تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ (٩٧) وَلَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ
 الْمُتَحْرِفِينَ عَن سُبُلِكَ.

(٩٨) وَنَحَّيْتَنِي مِنَ عَمَرَاتِ الْفِئْتَةِ، وَخَلَّصْتَنِي مِنَ هَوَاتِ الْبُلُوَى، وَأَجْرَنْتَنِي مِنْ أَخْذِ
 الإِمْلَاءِ. (٩٩) وَحُلَّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يَصِلُنِي، وَهَوَى يُوبِقُنِي، وَمَنْقَصَةَ تَرْهُقُنِي
 (١٠٠) وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ عَصَبِكَ (١٠١) وَلَا تُؤْيِسْنِي
 مِنَ الأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ القُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ (١٠٢) وَلَا تَمْنِخْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ
 فَتَبْهَظُنِي بِمَا تَحْمِلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. (١٠٣) وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِسْرَافًا مِنْ لَا
 خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنَابَةَ لَهُ (١٠٤) وَلَا تُرْمِ بِي رَمِيٍّ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ
 رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اسْتَمَلَ عَلَيْهِ الحِزْبُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ حُذِّ بِيَدِي مِنَ سَفْطَةِ المُتَرَدِّينَ، وَ
 وَهْلَةِ المُتَعَبِّفِينَ، وَزَلَّةِ المُعْرُورِينَ، وَوَرْطَةِ الهَالِكِينَ. (١٠٥) وَعَافِنِي بِمَا ابْتَلَيْتَ بِهِ
 طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَإِمَانِكَ، وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنَيْتَ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَرَضَيْتَ
 عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيدًا، وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيدًا (١٠٦) وَطَوَّفْنِي طَوَقَ الإِفْلَاحِ عَمَّا يُحِيطُ
 الحُسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالبُرْكَاتِ (١٠٧) وَأَشْعِرْ قَلْبِي الأَزْدَجَارَ عَن قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ
 فَوَاضِحِ الحُوبَاتِ. (١٠٨) وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أَدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُؤْصِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ
 (١٠٩) وَانزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَا تَهْمَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الوَسِيلَةِ
 إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. (١١٠) وَزَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 (١١١) وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعُنِي عَن رُكُوبِ حَمَارِمِكَ، وَ
 تُكْفِنُنِي مِنَ أَسْرِ العِظَامِ. (١١٢) وَهَبْ لِي التَّظْهِيرَ مِنَ دَنَسِ العِضْيَانِ، وَأَذْهِبْ عَنِّي

دَرَنَ الْخَطَايَا، وَ سَرَّبَلْنِي بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ، وَ رَدَّنِي رِدَاءَ مُعَافَاَتِكَ، وَ جَلَّلْنِي سَوَاعِجَ نَعْمَائِكَ، وَ ظَاهَرَكُدِّي فَضْلَكَ وَ طَوْلَكَ.

(۱۱۳) وَ اَيَّدْنِي بِتَوْفِيْقِكَ وَ تَسْدِيْدِكَ، وَ اَعِنِّي عَلَي صَالِحِ النَّيِّةِ، وَ مَرَضِي الْقَوْلِي، وَ مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِي، وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ. (۱۱۴) وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ، وَ لَا تَفْضُخْنِي بَيْنَ يَدَيِّ اَوْلِيَائِكَ، وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تُدْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ. بَلْ اَلْزِمْنِيهِ فِي اَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِيْنَ لِاَلَاتِكَ، وَ اُوْرِعْنِي اَنْ اُنْتَبِهَ بِمَا اَوْلَيْتَنِيهِ، وَ اَعْتَرَفَ بِمَا اَشَدَيْتَهُ اِلَيَّ.

(۱۱۵) وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي اِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاْغِبِيْنَ، وَ حَمْدِي اِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِيْنَ (۱۱۶) وَ لَا تُخَذِّلْنِي عِنْدَ فَاَقَتِي اِلَيْكَ، وَ لَا تُهْلِكْنِي بِمَا.

اَشَدَيْتَهُ اِلَيْكَ، وَ لَا تُجَبِّهْنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِيْنَ لَكَ، فَاِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، اَعْلَمُ اَنْ الْحُجَّةَ لَكَ، وَ اَنْتَ اَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ اَعُوذُ بِالْاِحْسَانِ، وَ اَهْلِ التَّقْوَى، وَ اَهْلِ الْمُغْفِرَةِ، وَ اَنْتَ اَبَانٌ تَغْفُوْ اَوْلَى مِنْكَ اَبَانٌ تُعَاقِبُ، وَ اَنْتَ اَبَانٌ تَشْتُرُ اَقْرَبُ مِنْكَ اِلَى اَنْ تَشْهَرَ. (۱۱۷) فَاَحْبِبْنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا اُرِيْدُ، وَ تَبْلُغُ مَا اُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا اَتِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا اُرْتَكِبُ مَا تَهَيْتَ عَنْهُ، وَ اَمْسِكْنِي مِيْتَةً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَن يَمِيْنِهِ.

(۱۱۸) وَ دَلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ اَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ صَعْنِي اِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ اَرْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ اَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ عَنِّي عَنِّي، وَ رِزْنِي اِلَيْكَ فَاَقَةً وَ فَقْرًا. (۱۱۹) وَ اَعِزَّنِي مِنْ سَمَاتَةِ الْاَعْمَدَاءِ، وَ مِنْ حُلُوْلِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ الدَّلِّ وَ الْعَنَاءِ، وَ تَعَمَّدْنِي فِيمَا اَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَي الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ اَلْاِخْذُ عَلَي الْجَرِيْرَةِ لَوْ لَا اَنَاتُهُ (۱۲۰) وَ اِذَا اُرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً اَوْ سُوءَ اَفْتِنَجِي مِنْهَا لِيُوَاذِكْ بِكَ، وَ اِذْ لَمْ تُقَمِّنِي مَقَامَ فَضِيْحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقَمِّنِي مِثْلَهُ فِي اٰخِرَتِكَ.

(۱۲۱) وَ اَشْفَعْ لِي اَوَّلِيْ مِنْكَ بِاَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيْمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَفْسُوْ مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تُفْرِعْنِي قَارِعَةً يَدْهَبُ هَا بِهَايَ، وَ لَا تُسَمِّنِي حَسِيْسَةً يَصْغُرُ هَا قَدْرِي وَ لَا نَقِيْسَةً يُجْهَلُ مِنْ اَجْلِهَا مَكَانِي. (۱۲۲) وَ لَا تُرْعِنِي رَوْعَةً اُبْلِسَ بِهَا، وَ لَا خِيْفَةً اُوْجَسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيْدِكَ، وَ حَذْرِي مِنْ اِعْذَارِكَ وَ اِنْذَارِكَ، وَ رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ اَيَاتِكَ. (۱۲۳) وَ اَعْمُرْ لِيْلِي بِاِبْقَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرَّدِي

بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ حَوَاجِحِي بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَأِكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. (١٢٤) وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيهَا، وَلَا فِي عَمْرَتِي سَاهِيَا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَّةً لِمَنْ أَعْطَى، وَلَا نَكَالًا لِمَنْ أَعْتَبَرَ، وَلَا فِئْتَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمَكُّرِي فِي مَنْ تَمَكَّرَ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِحَلْفِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَلَا تَتَّبِعْ إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا تُمْتَهِنَا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ. (١٢٥) وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَحِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرُوحَكَ وَرَيْحَانِكَ، وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفِرَاقِ لِمَا نُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْاجْتِهَادِ فِيمَا يُؤَلِّفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأُحْفِنِي بِشُحْفَةِ مِنْ مُخْفَاتِكَ. (١٢٦) وَأَجْعَلْ تِجَارَتِي رَاجِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَأُحْفِنِي مَقَامَكَ، وَلَا شَوْفُنِي لِقَاءَكَ، وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً.

(١٢٧) وَانزِعِ الْعِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّبْنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَائِبِينَ، وَذِكْرًا نَامِيًا فِي الْأَخْرِينِ، وَوَافٍ بِي عَرَضَةَ الْأَوَّلِينَ. (١٢٨) وَتَمِّمْ سُبُوعَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، أَمْلَأُ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَشَقِّ كَرَامَتِهَا مَوَاهِبَكَ إِلَيَّ، وَجَاوِزِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَانِكَ، وَجَلِّبْنِي شَرَائِفَ مَخْلَقِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ. (١٢٩) وَأَجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُظْمِئًا، وَمَتَابَةً أَتَبَوَّؤُهَا، وَأَقْرُبْ عَيْنَا، وَلَا تُفَاقِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبَلِّ السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَأَجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَهْمَةٍ، وَأَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَقِّرْ عَلَيَّ حُطُوطَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْصَالِكَ. (١٣٠) وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَائْتِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ دُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ وَالْمَعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالظَّمَأُنِيَّةَ وَالْعَافِيَةَ. (١٣١) وَلَا تُحِطِّظْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوهُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَغْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِئْتَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ

ذُنْبِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. (۱۳۲) وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهْرًا، وَلَا لَهْمَ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُظْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاظَةً تَقِينِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقَكَ الْوَاسِعَ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَأَتَمُّ لِي إِعْنَامَكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ (۱۳۳) وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِعَاءً وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبَدِينَ».

✽ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

(۴) یکی از مستحبات روز عرفه، زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است و زیارت مخصوص آن حضرت چنین است:

پس وقتی به در حائریسی، بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا هَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلًا رَبَّنَا بِالْحَقِّ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى الْحَلْفِ الصَّالِحِ الْمُتَنَتِّظِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ الْمُؤَلِّي لَوْلِيكَ الْمُعَادِي لِعَدْوِكَ اسْتَجَارَ بِسَهْدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقَصْدِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ».

پس داخل روضه شو و بایست محاذی سرو بگو

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيَّ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُتَرَضَى
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَارِهُهُ وَابْنَ شَارِهِ وَالْوَثْرَ الْمُتَوَثِّرَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ
وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَاكَ
الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَبَعَتْ بِذَلِكَ
فَرَضَيْتَ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ وَرُسُلُهُ
أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِآبَائِكُمْ مُوقِنٌ بِسَرَاحِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي (وَمُنْقَلَبِي إِلَى
رَبِّي) فَصَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ
وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَابْنَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ
وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى وَإِمَامُ التَّقَى وَالْغُرُورَةِ الْوُثْقَى وَ
الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَخَامِسُ أَصْحَابِ (أَهْلِ) الْكِسَاءِ عَدَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ
وَرُضِعْتَ (رَضَعْتَ) مِنْ تَدْيِ الْإِيمَانِ وَرَبِيتَ فِي جِجْرِ الْإِسْلَامِ فَالْتَفُسُ غَيْرُ
رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ وَلَا شَاكِيَةٍ فِي حَيَاتِكَ صَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعَبْرَةِ السَّابِكَةِ وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِيَةِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمُحَارِمَ (وَانتَهَكَتْ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ) فَتَلَّتْ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكَ مَفْهُورًا وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْثُورًا وَأَصْبَحَ
كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ وَ
عَلَى الْأُمَّةِ مِنْ بَنِيكَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَاقِقِينَ بِقَبْرِكَ
وَالشَّاهِدِينَ لِزُورَاكِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَى دُعَاءِ شِعْبَتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ

اللَّهُ لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَجْمَعَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ فَصَدْتُ حَرَمَكَ وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ أَشْأَلَ اللَّهُ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَ
بِالمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ».

پس ضریح را ببوس و سپس دو رکعت نماز در بالای سربخوان و در این
دو رکعت هر سوره که می خواهی بخوان و چون فارغ شدی بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَأَشْرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ
وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَابْلُغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ اللَّهُمَّ
وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا
السَّلَامَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ
أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس برخیز و به سوی پای مبارک حضرت حسین علیه السلام برو و علی بن
الحسین علیه السلام را زیارت کن. سر آن جناب در نزد پای ابی عبد الله علیه السلام
است. پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الشَّهِيدُ ابْنَ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُظْلُومُ ابْنَ الْمُظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ
وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مَوْلَايَ) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ
بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

پس به جانب شهدا توجه کن و ایشان را زیارت کن و بگو:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ

وَ أَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ نَبِيِّهِ وَ أَنْصَارَ أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي
 مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ
 الشَّهِيدِ الْمُظْلُومِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ يَا أَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي طِبْتُمْ وَ طَابَتِ
 الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَ فُزْتُمْ وَ اللَّهُ فَوْزاً عَظِيماً يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأُفُوزَ
 مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقاً وَ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

پس به جانب سر امام حسین علیه السلام برگرد و برای خود و اهل و عیال و
 برادران مؤمن خود، بسیار دعا کن و سید بن طاوس و شهید فرموده‌اند
 پس به مشهد جناب عباس رضی الله عنه برو. همین‌که به آنجا رسیدی، نزد قبر
 آن جناب بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَاماً وَ أَقْدَمِهِمْ إِيمَاناً وَ أَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ
 وَ أَحْوْطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي
 فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمُحَارِمَ
 وَ انْتَهَكَتْ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ وَ
 الْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أُخِيهِ الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ
 الْجَزِيلِ وَ الثَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَ الْحَقِّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي دَارِ النِّعَمِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

پس خود را بر قبر بیفکن و بگو:

«اللَّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ وَ لِرِيَازَةِ أَوْلِيَانِكَ فَصَدْتُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ وَ رَجَاءً لِغُفْرَتِكَ وَ
 جَزِيلٍ إِحْسَانِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَاراً وَ
 عَيْشِي بِهِمْ قَاراً وَ رِيَازَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفوراً وَ أَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحاً مُنْجِحاً
 مُسْتَجَاباً دُعَائِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِهِ وَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

❖ اعمال مدینه منوره

❖ فضیلت زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

بدون شك، حج خانه خدا بدون زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه منوره و متبرک شدن با حضور در آن اعتبار مقدسه، عملی ناقص است، زیرا زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذاتاً و بالخصوص برای شخص حاجی استحباب دارد و تارك آن، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله جفا کرده است.

در حدیث آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکسی که به حج بیاید و مراد مدینه زیارت نکند، من نیز در قیامت به او پی مهر خواهم بود، و هرکس به زیارت من آید، شفاعت او بر من واجب است و هرکس شفاعت او بر من واجب باشد، بهشت بر او واجب خواهد بود.»

و نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «با زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله حج خود را به پایان برید، زیرا ترك زیارت آن حضرت جفا است و شما موظفید که آن را ترك ننمایید. و همچنین حجتان را با زیارت قبور اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جمعین). که خداوند مراعات حق آنان و زیارتشان را بر شما واجب کرده است. به پایان برید و در کنار قبور آنان از خداوند طلب روزی کنید.»

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: «زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله برابر است با ثواب حجی که با خود آن حضرت انجام شده باشد.»

و نیز آن حضرت فرمود: «چون حج به جا آورید، آن را با زیارت ما ختم نمایید، زیرا موجب کامل شدن حج است.»

به نظر می رسد که ذکر این مقدار از احادیث برای ترغیب زائران آن حضرت کافی است. امید است خداوند متعال همگان را به زیارت و شفاعت آن حضرت و خاندان گرامی اش (صلوات الله علیهم اجمعین) موفق گرداند.

✽ حدّ حرّم مدینه النبی ﷺ

برای مدینه منوره نیز مانند مکه مکرمه، حرم معینی است و حدّ حرّم مدینه منوره دو کوه «عائر» و «وعیر» در شرق و غرب مدینه است که این شهر را دربر گرفته است.

و اگرچه در این حرم، داشتن احرام واجب نیست، لکن درخت این حرم را، مخصوصاً اگر سبز است، نباید قطع نمود، مگر در همان مواردی که قطع درخت در حرم مکه مکرمه نیز جایز است. همچنین بنا بر احتیاط (اگر نگوییم بنا بر اقری) باید از صید در حرم شهری پیامبر اکرم ﷺ پرهیز نمود.

✽ مستحبات مدینه منوره

- (۱) غسل برای ورود به مدینه منوره؛
- (۲) غسل برای ورود به حرم پیامبر ﷺ و زیارت آن حضرت؛ و داشتن غسل اول نیز کفایت می‌کند.
- (۳) خواندن این دعا هنگام غسل، که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است: «اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ اجْرِ عَلَي لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».
- (۴) و این دعا را نیز پس از فراغ بخواند: «اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ زَكِّ عَمَلِي، وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ النَّوَابِيْنِ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِيْنَ».

(۵) ورود به مسجد شریف نبوی از باب جبرئیل؛

(۶) اذن دخول خواستن؛ به این صورت که مقابل درب حرم با حالت خضوع و خشوع بایستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابِ بَيْتِ مَنْ بِيُوتِ نَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيمُ السَّلَامِ وَ قَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ الدُّخُولَ إِلَيَّ بِيُوتِهِ إِلَّا بِإِذْنِ نَبِيِّكَ فَفُؤَلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيُوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي

غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَ خُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ
يَرُونَ مَكَانِي فِي وَفْتِي هَذَا وَ زَمَانِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي فِي وَفْتِي هَذَا وَ يَرُدُّونَ عَلَيَّ
سَلَامِي وَ أَنْتَ حَجَبْتَ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ
فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ
خَلِيفَتَكَ الْمُفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ وَ أَسْتَأْذِنُ
مَلَائِكَتَكَ الْمُؤَكِّدِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةَ لِلَّهِ السَّامِعَةَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا
الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكِّلُونَ بِهَذِهِ الْمَشَاهِدِ الْمُبَارَكَةِ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا
الْمَشْهَدِ يَا مَوْلَايَ أَتَأْذَنُ لِي بِالْدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَخِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ
أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ».

۷) هنگام ورود به حرم، پای راست را مقدم دارد و با آرامش و وقار و
خضوع و خشوع وارد حرم مطهر شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ
أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي،
وَ تَبَّ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

۸) صد بار «الله اکبر» بگوید.

۹) دو رکعت نماز تحیت در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخواند.

۱۰) به طرف قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برود و در صورت ممکن سلام دهد
و آن را ببوسد و به طرف حجره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قسمتی که سر مطهر
آن حضرت است، برود و رو به حجره شریفه (نه رو به قبله) بایستد.

✽ زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

✽ زیارت اول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، اشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ

اتَيْتَ الرُّكُوعَ، وَامْرَأَتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى اتَيْتَ الْيَقِينَ، فَصَلَّوْا اللَّهَ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الظَّاهِرِينَ».

* زیارت دوم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَّ وَحْيِكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَالَاتِكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الرِّكَاعَةَ وَدَعَا إِلَى دِينِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بوعُدِّكَ وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْعَمَاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأُمُوالَ وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنْفَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَتَبَيَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا».

* زیارت سوم:

مستحب است که بالای سر آن حضرت، رو به قبله بایستد و بگوید:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْقِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَفِيعَ الْقِيَامَةِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَنَصَحْتَ أُمَّتَكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ طِبْتَ حَيًّا وَطِبْتَ مَيِّتًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَخِيكَ وَوَصِيَّتِكَ وَابْنِ عَمِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى ابْنَتِكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَفْضَلَ السَّلَامِ وَأَطْيَبَ النَّجِيَّةِ وَأَظْهَرَ الصَّلَاةَ وَعَلَيْنَا مِنْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

در دعا برای خود و مؤمنان و والدین خود، جدیت کن و بعد دو رکعت نماز زیارت بخوان و ثوابش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه کن. سپس بالای سر آن حضرت، از طرف والدین و خانواده و دوستانت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام برسان و بگو:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ وُلْدِي وَ خَاصَّتِي وَ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَ عِبْدِهِمْ وَ أَبْنِيهِمْ وَ أَسْوَدِهِمْ وَ مِنْ ...»

و هرکس را که می خواهی نام ببر.

✽ زیارت چهارم:

زیارت دیگر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله طبق روایت حضرت رضا علیه السلام:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدَ ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولَ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدَ ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ، فَحَرَّكَ اللَّهُ - يَا رَسُولَ اللَّهِ - أَفْضَلَ مَا حَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»

سپس رو به قبله کن و طبق روایت حضرت سجّاد علیه السلام، پس از زیارت آن حضرت، بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ أَمْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَ عِبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْتَنْدُ ظَهْرِي وَ الْقَبْلَةَ الَّتِي رَضَيْتَ لِمُحَمَّدٍ صَ اسْتَقْبَلْتُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مِمَّا أَرْجُوهَا وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا أَحْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحْتُ الْأُمُورُ بِيَدِكَ وَ لَا فَاقِرٌ أَفْقَرُ مِنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ اللَّهُمَّ أَرِدُنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَ لِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالتَّعَمُّعِ وَ اعْمُرْنِي بِالعَافِيَةِ وَ ارزُقْنِي شُكْرَ العَافِيَةِ.»

❖ زیارت پنجم:

نزد استوانه پیش‌رو که در طرف راست قبر قرار گرفته، درحالی‌که رو به قبله است و قبر مطهر در طرف چپ او، و شانه راست او مقابل منبر شریف است، بایستد، زیرا این جایگاه محل سر مطهر حضرت پیامبر اکرم ﷺ است، و بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحُجَّةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَعَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُتَقَرِّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَحِيَّتِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْظُمُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ اْمُنِّحْهُ أَشْرَفَ مَرْتَبَةٍ وَارْفَعْهُ إِلَى أَسْنَى دَرَجَةٍ وَمَنْزِلَةٍ وَأَعْطِهِ الْوَسِيلَةَ وَالرُّتْبَةَ الْعَالِيَةَ الْجَلِيلَةَ كَمَا بَلَغَ نَاصِحاً وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَبَرَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنبِكَ وَأَوْضَحَ دِينَكَ وَأَقَامَ حُجَجَكَ وَهَدَى إِلَى طَاعَتِكَ وَأَرْشَدَ إِلَى مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى الْأَنْبِيَاءِ الْأَكْبَرَارِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الْأَخْيَارِ مِنْ عِثْرَتِهِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ تَسْلِيماً اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَجِدُ سَبِيلاً إِلَيْكَ سِوَاهُمْ وَلَا أَرَى شَفِيعاً مَقْبُولَ الشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ غَيْرَهُمْ بِهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَيَوْلَايَتِهِمْ أَزْجُو جَنَّتَكَ وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَمَلُ الْخُلَاصِ مِنْ عَذَابِكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُتَقَرِّبِينَ وَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سپس رو به قبله کند و بگوید:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

و سپس در صورت امکان درحالی که دست ها را به دیواره حجره گذارده است ، بگوید:

«أَتَيْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُهَاجِرًا إِلَيْكَ قَاضِيًا لِمَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ قَصْدِكَ وَإِذْ لَمْ أَحْقُقْ حَيًّا فَقَدْ قَصَدْتُكَ بَعْدَ مَوْتِكَ عَالِمًا أَنَّ حُرْمَتَكَ مَيْتَانًا كَحُرْمَتِكَ حَيًّا فَكُنْ لِي بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ شَاهِدًا».

و کف دست های خود را به صورت بکشد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ ذَلِكَ بِنِعْمَةِ مَرْضِيَّةٍ لَدَيْكَ وَعَهْدًا مُؤَكَّدًا عِنْدَكَ تُخَيِّبُنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَعَلَى الْوَفَاءِ بِشَرَائِطِهِ وَحُدُودِهِ وَحُقُوقِهِ وَأَحْكَامِهِ وَمَيْتِنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلَيْهِ وَتَبَعْتَنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ».

و سپس رو به قبله و رو به قبر مطهر نماید و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَالسِّرَاحِ الْمُنْبِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا».

أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَيْتَ بِالْحَقِّ وَقُلْتَ بِالصِّدْقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِلْإِيمَانِ وَالتَّصَدِيقِ، وَمَنْ عَلَيَّ بِطَاعَتِكَ وَاتِّبَاعِ سَبِيلِكَ، وَجَعَلَنِي مِنْ أُمَّتِكَ وَالمُحِبِّينَ لِدَعْوَتِكَ، وَهَدَانِي إِلَى مَعْرِفَتِكَ وَمَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ مِنْ دُرِّيَّتِكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَا يُرْضِيكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ بِمَا يُسْخِطُكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ.

حِثُّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَائِرًا، وَقَصَدْتُكَ رَاغِبًا، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَأَنْتَ صَاحِبُ الْوَسِيلَةِ، وَالمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ، وَالشَّفَاعَةِ الْمُقْبُولَةِ، وَالدَّعْوَةِ الْمَسْمُوعَةِ، فَاشْفَعْ لِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْعُفْرَانِ وَالرَّحْمَةِ، وَالتَّوْفِيقِ وَالعِصْمَةِ، فَقَدْ عَمَرَتِ الدُّنُوبُ، وَسَمِلَتِ الْعُيُوبُ، وَانْقَلَبَ الظُّهْرُ، وَتَصَاعَفَ الْوُزْرُ.

وَقَدْ أَخْبَرْتَنَا وَحَبْرَكَ الصِّدْقُ أَنَّهُ تَعَالَى قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» وَ قَدْ حِثُّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُسْتَعْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي، تَائِبًا مِنْ مَعَاصِيٍّ وَ سَيِّئَاتِي، وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَاشْفَعْ لِي يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ، وَ اجِرْنِي يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْنِكَ وَ عَلَى آلِكَ الطَّاهِرِينَ».

سپس رو به قبله کند و طبق روایت حضرت سجّاد علیه السلام، پس از زیارت آن حضرت، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّيكَ أَلْبَأْتُ أَمْرِي وَ إِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَ إِلَى الْقَبْلَةِ الَّتِي ارْتَضَيْتَهَا اسْتَقْبَلْتُ بِوَجْهِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مِنْ أَرْجُو وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مِنْ أَحْذَرُ وَ الْأُمُورَ كُلَّهَا بِيَدِكَ فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عِشْرَتِهِ وَ قَبْرِهِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ وَ حَرَمِهِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ جُرْمِي وَ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَعَاصِي فِي مُسْتَقْبَلِ عُمْرِي وَ تُثَبِّتَ عَلَيَّ الْإِيمَانَ قَلْبِي وَ تُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي وَ تُسَبِّحَ عَلَيَّ النَّيِّمَ وَ تَجْعَلَ قِسْمِي مِنَ الْعَاقِبَةِ أَوْفَرَ قِسْمٍ وَ تَحْفَظَنِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ تَكَلِّمَنِي مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ تُحَسِّنَ لِي الْعَاقِبَةَ فِي الدُّنْيَا وَ مُنْقَلَبِي فِي الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس یازده بار سوره قدر را بخواند و حاجات خود را طلب کند که برآورده می‌شود، ان شاء الله.

و بعد دو رکعت نماز زیارت بخواند و ثوابش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه کند. پس از نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ جَعَلْتَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَ شَرَفْتَهُ عَلَى بَقَاعِ أَرْضِكَ بِرَسُولِكَ وَ فَضَّلْتَهُ بِهِ وَ عَظَّمْتَ حُرْمَتَهُ وَ أَظْهَرْتَ جَلَالَتَهُ وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ التَّيْبَرَكَ بِالصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ فِيهِ وَ قَدْ أَقْتَنِي فِيهِ بِلَا حَوْلٍ وَ لَا قُوَّةٍ كَانَ مِنِّي فِي ذَلِكَ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا أَنَّ حَبِيبَكَ لَا يَتَقَدَّمُهُ فِي الْفَضْلِ خَلِيلُكَ فَاجْعَلْ اسْتِجَابَةَ الدُّعَاءِ فِي مَقَامِ حَبِيبِكَ أَفْضَلَ مَا جَعَلْتَهُ

فِي مَقَامِ حَلِيلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الطَّاهِرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَتَرْحَمَ مَوْفِقِي وَتَغْفِرَ زَلَّتِي وَ
 تُزَكِّيَ عِلْمِي وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي وَتُدِيمَ عَافِيَتِي وَرُشْدِي وَتُسَبِّحَ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ
 تَحْفَظَنِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَتَحْرُسَنِي مِنْ كُلِّ مُتَعَدِّ عَلَيَّ وَظَالِمٍ لِي وَتُطِيلَ عُمْرِي
 وَتُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَتَعْصِمَنِي عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ
 بِنَبِيِّكَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَآيَاتِكَ فِي أَرْضِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي
 دُعَائِي وَتُبَلِّغَنِي فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا أَمَلِي وَرَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ قَدْ سَأَلْتُكَ
 فَلَا تُخَيِّبَنِي وَرَجُوتُ فَضْلِكَ فَلَا تُحْرِمَنِي فَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَى رَحْمَتِكَ الَّذِي لَيْسَ لِي
 غَيْرُ إِحْسَانِكَ وَتَفَضُّلِكَ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُحَرِّمَ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَتُؤَيِّبَنِي
 مِنَ الْحَيْرِمَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَادْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي
 مِنَ الشَّرِّ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَالمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

✽ زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از راه دور

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دور نیز مستحب است، و در حدیث از پیامبر
 اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که:
 اگر نتوانستید مرا از نزدیک زیارت کنید، از دور به من سلام بفرستید که
 به من می رسد.

✽ زیارت اول:

در بحار الانوار است که بنظری گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم
 کیفیت درود بر پیامبر پس از نماز واجب چگونه است، حضرت فرمود بگو:
 «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ
 اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ
 اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا امِينَ اللَّهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ

اللَّهِ، وَاشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى اتَيْكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

✽ زیارت دوّم:

زیارت دیگر پیامبر اکرم ﷺ از راه دور، طبق روایت مرحوم علامه سید محسن عاملی در *مفتاح الجنات*:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ وَالْحَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمُتَّهِمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَدَفِّقِينَ بِالْمَدِينَةِ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَّصِرِ الْمُؤَيَّدِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

✽ زیارت سوّم:

ابتدا غسل کن و شبیه به قبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آن حضرت را بر آن بنویس و دل خود را متوجه آن حضرت گردان و بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَمْجَةِ الطَّيِّبِينَ»

سپس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبْلَغًا عَنِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَشِيرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ

السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا مُنْذِرَ السَّلَامِ عَلَيْنِكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ وَ
 عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِينَ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ وَعَلَى جَدِّكَ
 عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلَى أَبِيكَ عَبْدَ اللَّهِ وَعَلَى أُمِّكَ أَمْنَةَ بِنْتِ وَهْبِ السَّلَامِ عَلَى عَمِّكَ
 حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ السَّلَامِ عَلَى عَمِّكَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ السَّلَامِ عَلَى عَمِّكَ
 وَكَفِيلِكَ أَبِي طَالِبِ السَّلَامِ عَلَيْنِكَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا أَحْمَدُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا
 حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ السَّابِقِ إِلَى طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْمُتَّهَمِينَ عَلَى رُسُلِهِ
 وَالْحَاتِمِ لِأَنْبِيَائِهِ الشَّاهِدِ عَلَى خَلْقِهِ الشَّفِيعِ إِلَيْهِ وَالْمَكِينِ لَدَيْهِ وَالْمُطَاعِ فِي مَلَكُوتِهِ
 الْأَحْمَدِ مِنَ الْأَوْصَافِ الْمُحَمَّدِ لِسَائِرِ الْأَشْرَافِ الْكَرِيمِ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمِ مِنْ وَرَاءِ
 الْحُجُبِ الْفَائِزِ بِالسَّابِقِ وَالْفَائِتِ عَنِ الْبَحَاقِ تَسْلِيمٍ عَارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالْتَّقْصِيرِ
 فِي قِيَامِهِ بِوَاجِبِكَ غَيْرِ مُنْكَرٍ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ مُوقِنٍ بِالْمَزِيدَاتِ مِنْ رَبِّكَ
 مُؤْمِنٍ بِالْكِتَابِ الْمُنْزَلِ عَلَيْنِكَ مُحِلِّ حَلَالِكَ مُحَرِّمِ حَرَامِكَ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ
 كُلِّ شَاهِدٍ وَأَحْتَمِلُهَا عَنْ كُلِّ جَاوِدٍ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ
 وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَصَدَعْتَ بِأَمْرِهِ وَاحْتَمَلْتَ الْأَدْيَ فِي جَنْبِهِ وَدَعَوْتَ إِلَى
 سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ وَأَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْنِكَ وَإِنَّكَ
 قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ
 فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ
 حَيْثُ لَا يَلْحَقُكَ لِاحِقٌّ وَلَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ وَلَا يَسْبِقُكَ سَابِقٌ وَلَا يَظْمَعُ فِي إِذْرَاكَ
 طَامِعٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ وَهَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَنَوَّرَنَا
 بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَازَى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ وَرَسُولاً عَمَّنْ
 أَرْسَلَ إِلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ زُرْتِكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُؤمِراً بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِراً
 بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَخَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ عَارِفاً بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ
 وَ أُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَمَالِي أَنَا أَصْلِي عَلَيْنِكَ كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْنِكَ وَصَلَّى
 عَلَيْنِكَ مَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ وَرُسُلُهُ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً وَافِرَةً مُتَوَاصِلَةً لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا
 أَمَدَ وَلَا أَجَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْنِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ».

سپس دست هایت را باز کن و بگو:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ فَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَ شَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَ تَسْلِيمَاتِكَ وَ كَرَامَاتِكَ وَ رَحْمَاتِكَ وَ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِكَ مَلَائِكَتِكَ الْمُتَقَرِّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُتَسَلِّمِينَ وَ أُمَّتِكَ الْمُتَتَّبِعِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ شَاهِدِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ نَذِيرِكَ وَ أَمِينِكَ وَ مَكِينِكَ وَ نَحِيَّتِكَ وَ نَجِيَّتِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَلِيلِكَ وَ صَفِيَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ خَيْرِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ خَازِنِ الْمُغْفَرَةِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَةِ وَ مُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْمَلَكَةِ بِإِذْنِكَ وَ دَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِثَاقًا وَ آخِرِهِمْ مَبْعَأًا الَّذِي عَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ لِلْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَ الْمُرْتَبَةِ الْخُطْبِيَّةِ فَأَوْدَعْتَهُ الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ وَ نَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفًا مِنْكَ وَ مَحْنًا مِنْكَ عَلَيْهِ إِذْ وَكَلْتَ لِصَوْنِهِ وَ حِرَاسَتِهِ وَ حِفْظِهِ وَ حِيَاطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْنًا عَاصِمَةً حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَائِسَ الْعُهْرِ وَ مَعَايِبَ السِّفَاحِ حَتَّى رَفَعْتَ عَنْهُ نَوَاطِرَ الْعِبَادِ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ مَيِّتَ الْبِلَادِ بِأَنْ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ ظُلْمَ الْأَسْتَارِ وَ التَّبَسُّتَ حَرَمَكَ فِيهِ حُلُلَ الْأَنْوَارِ اللَّهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ بِشَرْفِ هَذِهِ الْمُرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ وَ دُخِرَ هَذِهِ الْمُتَنَبِّئَةِ الْعَظِيمَةِ صَلَّى عَلَيْهِ كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ وَ بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَ قَاتَلَ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى تَوْحِيدِكَ وَ قَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ وَ لَبَسَ ثَوْبَ الْبُلُوغِ فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ وَ أَوْجِبَ لَهُ بِكُلِّ أَدَى مَسَّهُ أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِتْنَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ فَصِيْلَةً تَفُوقُ الْفَضَائِلَ وَ يَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوَالِكَ فَلَقَدْ أَسْرَّ الْحُسْرَةَ وَ أَخْفَى الرَّفْرَةَ وَ تَجَرَّعَ الْغُصَّةَ وَ لَمْ يَتَخَطَّ مَا مُثِّلَ لَهُ مِنْ وَحْيِكَ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَاةً تَرْضَاهَا هُمْ وَ يَبْلَغُهُمْ مَنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا وَ آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالِيهِمْ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا وَ رَحْمَةً وَ عُفْرَانًا إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ».

و بعد دو رکعت نماز زیارت بخوان و ثوابش را به پیامبر اکرم ﷺ هدیه کن.

و سپس تسبیحات حضرت زهرا عليها السلام بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَهُمُ الرَّسُولَ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»، وَ لَمْ أَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ».

اللَّهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا، تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي، وَ مُسْتَغْفِرًا لَكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَ مُقِرًّا لَكَ بِهَا، وَ أَنْتَ اعْلَمُ بِهَا مِنِّي، وَ مُتَوَجِّهًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُتَقَرِّبِينَ .
يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللَّهِ يا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يا نَبِيَّ اللَّهِ، يا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيعْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ يَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي، وَ يَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، فَكُنْ لِي شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَ رَبِّي، فَنِعْمَ الْمُسْتَوْجِبُ رَبِّي وَ نِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ. يا مُحَمَّدُ، عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ وَ أَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمُغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ، كَمَا أَوْجَبْتَ لِمَنْ أَتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ حَيٌّ، فَأَقْرَهُ بِذُنُوبِهِ، وَ اسْتَغْفِرْ لَهُ رَسُولُكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَفَوْتَ لَهُ، بِرَحْمَتِكَ يا اِرْحَمِ الرَّاجِينَ.

اللَّهُمَّ وَقَدْ اْمَلْتُكَ وَ رَجَوْتُكَ وَ هُنْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ رَغَبْتُ إِلَيْكَ عَنَنْ سِوَاكَ، وَقَدْ اْمَلْتُ جَزِيلَ ثَوَابِكَ، وَ إِنِّي لِمُقَرَّرٌ غَيْرُ مُنْكَرٍ وَ تَائِبٌ إِلَيْكَ بِمَا افْتَرَفْتُ، وَ عَائِدٌ بِكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ بِمَا قَدَّمْتُ مِنَ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَقَدَّمْتُ إِلَيْ فِيهَا وَ نَهَيْتَنِي عَنْهَا وَ أَوْعَدْتُ عَلَيْهَا الْعِقَابَ.

وَ أَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ أَنْ تُقِيمَنِي مَقَامَ الْحَزْبِيِّ وَ الذَّلِيلِ يَوْمَ تُهْتَكُ فِيهِ الْأَسْتَارُ وَ تَبْدُو فِيهِ الْأَسْرَارُ وَ الْفَضَائِحُ، وَ تَرَعَدُ فِيهِ الْفَرَائِصُ، يَوْمَ الْحُسْرَةِ وَ التَّدَامَةِ، يَوْمَ الْإِفْكِ، يَوْمَ الْأَرْفَةِ، يَوْمَ التَّعَابِينِ، يَوْمَ الْفَضْلِ، يَوْمَ الْحَزَاءِ، يَوْمًا كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، يَوْمَ النَّفْخَةِ.

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ، تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ، يَوْمَ النَّشْرِ، يَوْمَ الْعَرْضِ، يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، يَوْمَ يَفِرُّ الْمُرءُ مِنْ أَخِيهِ وَ امِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِيهِ وَ بَنِيهِ، يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ وَ أَكْتَأَفُ السَّمَاءُ، يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا.

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ، أَلَا مَنْ رَجَمَ اللَّهُ أَنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ مَوْلِيَهُمُ الْحَقُّ، يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَادِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُؤْفُضُونَ، وَ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ،

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ إِلَى اللَّهِ، يَوْمَ الْوَأَقِعَةِ، يَوْمَ تَرُجُّ الْأَرْضُ رَجًّا، يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ، وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ، وَلَا يُسْتَلُّ حِمِّمْ حَمِيماً، يَوْمَ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ، يَوْمَ تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا.

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْفِقِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ بِمَوْفِقِي فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَلَا تُخْزِنِي فِي ذَلِكَ الْمَوْقِفِ بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مُنْطَلِقِي، وَ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْشَرِي، وَ اجْعَلْ حَوْضَهُ مُؤَيِّدِي، وَ فِي الْغُرِّ الْكِرَامِ مَصْدَرِي، وَ اعْطِنِي كِتَابِي بِبِمِينِي حَتَّى أَفُوزَ بِحَسَنَاتِي، وَ تُبَيِّضَ بِهِ وَجْهِي، وَ تَسِيرِي حِسَابِي، وَ تُرَجِّحَ بِهِ مِيزَانِي، وَ امْضِنِي مَعَ الْفَائِزِينَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَفْضَحَنِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ بَيْنَ يَدَيْ الْخَلَائِقِ بِجَرِيرَتِي، أَوْ أَنْ أَلْقَى الْحِزْبِيَّ وَ النَّدْمَةَ بِحَطْبَتِي، أَوْ أَنْ تُظْهِرَ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي، أَوْ أَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ بِإِسْمِي، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ، السِّتْرُ السِّتْرُ.

اللَّهُمَّ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ مَوْفِقِي، أَوْ فِي مَقَامِ الْأَشْقِيَاءِ مُقَامِي، وَ إِذَا مَيَّرْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلًّا بِأَعْمَالِهِمْ زُمْرًا إِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جَنَانِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

❖ دعادروضه شريفه

مستحب است به قدری که می تواند در مسجد النبی ﷺ نماز بگزارد، زیرا نماز در آن مسجد، خصوصاً بین قبر و منبر برابر با ده هزار نماز در مساجد دیگر است، زیرا در حدیث صحیح آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: در بین قبر و منبر من باغی از باغ های بهشت است.

و حد روضه منوره، از نظر طولی از قبر مطهرتا منبر آن حضرت، و از جهت عرضی از منبرتا ستون چهارم است، که امروزه این ستون ها با سنگ های مرمر سفید پوشیده شده و از سایر ستون ها ممتاز شده اند.

دعای در روضه شریفه:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَ شُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ رَحْمَتِكَ الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ وَ أَبَانَ عَنْ فَضْلِهَا وَ شَرَفِ التَّعَبُّدِ لَكَ فِيهَا وَ قَدْ بَلَّغْتِنِيهَا فِي سَلَامَةٍ نَفْسِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ وَ عَلَى مَا رَزَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَ طَلَبِ مَرْضَاتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ ص بِزِيَارَةِ قَبْرِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَ التَّرَدُّدِ فِي مَسَاهِدِهِ وَ مَوَاقِفِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ حَمْدًا يَنْتَظِمُ بِهِ حَمَامِدُ حَمَلَةِ عَرْشِكَ وَ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ لَكَ وَ يَقْضُرُ عَنْهُ حَمْدُ مَنْ مَضَى وَ يَفْضَلُ حَمْدُ مَنْ بَقِيَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ حَمْدَ مَنْ عَرَفَ الْحَمْدَ لَكَ وَ التَّوْفِيقَ لِلْحَمْدِ مِنْكَ حَمْدًا يَمْتَلَأُ مَا خَلَقْتَ وَ يَبْلُغُ حَيْثُ مَا أَرَدْتَ وَ لَا يَحْجُبُ عَنْكَ وَ لَا يَنْقُضِي دُونَكَ وَ يَبْلُغُ أَقْصَى رِضَاكَ وَ لَا يَبْلُغُ آخِرَهُ أُوَائِلُ حَمَامِدِ خَلْقِكَ لَكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ مَا عَرَفَ الْحَمْدُ وَ اعْتُقِدَ وَ جُعِلَ ابْتِدَاءُ الْكَلَامِ الْحَمْدُ يَا بَاقِيَ الْعِزِّ وَ الْعَظَمَةِ وَ دَائِمِ السُّلْطَانِ وَ الْقُدْرَةِ وَ شَدِيدِ الْبَطْشِ وَ الْقُوَّةِ وَ نَافِذِ الْأَمْرِ وَ الْإِرَادَةِ وَ وَاسِعِ الرَّحْمَةِ وَ الْمُعْفِرَةِ وَ رَبِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ يَقْضُرُ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي وَ لَا يَبْلُغُ أَذْنَاهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ صَنَائِعِ مِنْكَ إِلَيَّ لَا يُحِيطُ بِكَثْرَتِهَا وَ هَمِي وَ لَا يَقْتَدِرُهَا فِكْرِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى عَيْنِ الْبَرِّيَّةِ طِفْلاً وَ خَيْرِهَا شَابًا وَ كَهْلاً أَظْهَرَ الْمُظْهِرِينَ شَيْمَةً وَ أَجْوَدَ الْمُسْتَمْطِرِينَ دِيمَةً وَ أَعْظَمَ الْخَلْقِ جُرْتُمَةً الَّذِي أَوْصَحْتَ بِهِ الدَّلَالَاتِ وَ أَقْنَتَ بِهِ الرِّسَالَاتِ وَ حَتَمْتَ بِهِ النُّبُوتَاتِ وَ فَتَحْتَ بِهِ بَابَ الْخَيْرَاتِ وَ أَظْهَرْتَهُ مَظْهَرًا وَ ابْتَعَثْتَهُ نَبِيًّا وَ هَادِيًّا أَمِينًا مُهْدِيًّا دَاعِيًّا إِلَيْكَ وَ دَالًّا عَلَيْكَ وَ حُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُعْصُومِينَ مِنْ عِتْرَتِهِ وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ أُسْرَتِهِ وَ شَرَفِ لَدُنِكَ بِهِ مَنَازِلَهُمْ وَ عَظْمِ عِنْدَكَ مَرَاتِبَهُمْ وَ اجْعَلْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ وَ اذْفَعْ إِلَى قُرْبِ رَسُولِكَ دَرَجَاتِهِمْ وَ تَمِّمْ بِلِقَائِهِ سُورَهُمْ وَ وَفِّرْ بِمَكَانِهِ أَنْسَهُمْ».

✽ خواندن نماز در جایگاه نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

نماز در جایگاه نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مستحب است.

✽ خواندن نماز و دعانزد ستون ابولبابه

(۱) خواندن دو رکعت نماز نزد ستون «ابولبابه» که معروف به ستون «توبه» است.

و پس از نماز نزد این ستون، این دعا را بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ لَا تُهَيِّ بِالْفَقْرِ، وَلَا تُذِلَّنِي بِالذَّيْنِ، وَلَا تَزِدَّنِي إِلَى الْهَلَاكَةِ، وَاعْصِمْنِي كَيْفَ أَعْتَصِمَ، وَأَصْلِحْ كَيْفَ أَنْصَلِحَ، وَاهْدِنِي كَيْفَ أَهْتَدِي، اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي، وَلَا تُعَذِّبْنِي بِسُوءِ ظَنِّي، وَلَا تُهْلِكْنِي وَأَنْتَ رَجَاءِي، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَقَدْ أَخْطَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَغْفُوَ عَنِّي وَقَدْ أَفْرَزْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَقِيلَ وَقَدْ عَثَرْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ أَسَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، فَوْقَ قِنِّي لِمَا حُبُّ وَتَرْضَى وَيَسِّرْ لِي الْيَسِيرَ وَجَبِّبْ لِي كُلَّ عَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَعْنِي بِالْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي، وَبِالغِنَى عَنِ الْفَقْرِ، وَبِالْحِنَّةِ عَنِ النَّارِ، وَبِالْإِبْرَارِ عَنِ الْفَجَارِ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس حاجات خود را بطلب و از گناهانت استغفار کن، که ان شاء الله حاجات برآورده خواهد شد.

(۲) مستحب است شب و روز چهارشنبه نزد ستون ابولبابه نماز بخواند و شب و روز پنجشنبه نزد ستونی نماز بگزارد که کنار ستونی باشد که

۱. ابولبابه از صحابه رسول خدا ﷺ بود که بشیر بن عبدالمنذر نام داشت. گفته شده است که او در جنگ تبوک از فرمان رسول خدا ﷺ تخلف کرد و سپس پشیمان شد و خود را با ریسمانی به ستون مسجد بست و قسم یاد کرد که چیزی نخورد و نیاشامد، مگر آنکه خداوند توبه او را بپذیرد و یا بمیرد. هفت روز چنین گذشت تا بیهوش شد. سپس خداوند از او گذشت و این آیه شریفه نازل شد: «وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخِرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛» و دیگری هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با [کاری] دیگری بد است درآمیخته اند. امید است خدا توبه آنان را بپذیرد که خدا آمرزندهٔ مهربان است.»

پیامبر اکرم ﷺ تشریف آوردند و او را از آن ستون باز کردند و بشارت دادند که خداوند او را بخشیده است. از این جهت این ستون به ستون توبه و ستون ابولبابه معروف شد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در کنار آن، اقامه نماز می فرمود، و شب و روز جمعه نزد ستونی که کنار محل اقامه نماز آن حضرت است، نماز بخواند و دعا کند و حوائج دنیوی و اخروی خود را از خداوند متعال بخواهد. و این دعا را حتماً بخواند:

«اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ شَرَعْتُ فِي طَلِبِهَا أَوْ التَّمَسُّسِ أَوْ لَمْ أَشْرَعْ، سَأَلْتُكَهَا أَوْ لَمْ أَشَأَلْكَهَا، فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله، نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَ كَبِيرِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشَأَلُكَ بِعَزَّتِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

❖ روزه گرفتن برای برآورده شدن حوائج به مدت سه روز

مستحب است. اگرچه انسان در مدینه منوره مسافر است. سه روز را برای قضای حوائج روزه بگیرد و سزاوار است روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را برای این امر انتخاب کند.

❖ زیارت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام

پس از آنکه زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله به پایان رسید، زیارت پاره تن پاک او، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از مستحبات مؤکد است که فضیلتی کثیر و ثوابی فراوان دارد، و از بین احادیثی که در این باره وارد شده است به ذکر یک حدیث اکتفا می شود.

شیخ طوسی رحمته در تهذیب فرموده است: احادیث وارد شده در فضیلت زیارت آن حضرت، بیش از حدّ شمارش است، و از جمله روایتی است که با سند معتبر از یزید بن عبدالملک از پدرش از جدّش نقل شده است که گفت: بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدم. آن حضرت سبقت در سلام جست و فرمود: به دنبال چه می گردی؟ عرض کردم: در جستجوی برکتتم. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: پدرم مرا خبر داد و مطلب هم

همین است، هرکس براو و بر من سه بار درود بفرستد، بهشت براو واجب می‌شود. عرض کردم: در زمان حیات او و شما؟ حضرت فرمود: آری، و بعد از فوت ما نیز.

و به درستی که علما در اینکه قبر شریف آن حضرت کجاست، اختلاف کرده‌اند؛ گروهی آن را در بقیع می‌دانند و بعضی می‌گویند که آن حضرت در روضه شریفه بین قبر و منبر، و برخی می‌گویند آن حضرت در خانه خودش که متصل به حجره رسول خدا ﷺ است، به خاک سپرده شده است، و امروزه با توسعه مسجد شریف نبوی، منزل آن حضرت در قسمت آخر ضریح مطهر نسبت به قبله قرار گرفته است و الآن نیز صندوق کوچکی در داخل پنجره‌ها و ضریح بزرگ، در قسمت شمال شرقی وجود دارد که به قبر آن حضرت معروف است و سزاوار است بنا بر اخباری که در این باره وارد شده است، در آن مکان نیز آن حضرت را زیارت کنند.

❁ زیارت اول:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صَنِيعِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَةَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصَّادِقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمُرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْحُورِيَّةُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمُنْطَلَمَةُ الْمُعْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمُنْظَهْدَةُ الْمُفْهُورَةُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَصِيْبَةٌ عَلَى بَيْنَتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَأَنَّ مَنْ سَرَكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَنْ أَذَاكَ فَقَدْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَ لِأَنَّكَ بَصْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَصَلَوَاتِهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَيُّ رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّاتٍ مِنْهُ مَوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً».

سپس بگو:

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى أَبِيكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى بَعْلِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى أَبْنَائِكَ الْأَيْمَةِ الظَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيماً كَثِيراً».

✽ زیارت دوم:

«يَا مُتَحَنِّتَهُ اْمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اْمْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَرَعْمَنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ عَ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِيْنَا بِتَصَدِيقَتَا هُمَا بِالْبُشْرَى لِتُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَالِدَتِكَ».

سپس می گوئی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَّجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمُمْتَوَعَةُ حَقُّهَا».

و سپس بگو:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَ ابْنَتِهِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، صَلَاةً تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ».

در روایت است که هرکس آن حضرت را به این زیارت بخواند و از خداوند طلب مغفرت نماید، خداوند او را می آمرزد.

❖ زیارت سوّم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
 بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
 بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رُوحَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ
 يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الرَّضِيَّةُ
 الْمُرَضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ
 السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْخَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّفِيَّةُ التَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ
 أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمُعْضُومَةُ الْمُظْلُومَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ
 أَيُّهَا الظَّاهِرَةُ الْمُظَهَّرَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُعْضُوبَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ
 أَيُّهَا الْعِرَاءُ الرَّهْرَاءُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَاتِي وَبِنْتَ مَوْلَائِي وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَصْصِيَّتِ
 عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ وَأَنَّ مِنْ سَرِّكَ فَقَدْ سَرَّ اللَّهُ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَ
 مَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ
 رَسُولَ اللَّهِ لِأَنَّكَ بَصْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ
 أَكْمَلُ السَّلَامِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكِ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكِ وَحَرْبٌ
 لِمَنْ حَارَبَكَ أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكَ وَبِأَبِيكَ وَبِعَلِّكَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ مَوْقِنٌ وَبَوْلَاتِهِمْ
 مُؤْمِنٌ وَلِطَاعَتِهِمْ مُلتَرَمٌ أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمُ الْحُكْمُ حُكْمُهُمْ وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ وَدَعَا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ
 لَائِمٌ وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْكَ وَعَلَى أَبِيكَ وَبِعَلِّكَ وَذُرِّيَّتِكَ الْأَيْمَةِ الظَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبُولِ الظَّاهِرَةِ الصِّدِّيقَةِ الْمُعْضُومَةِ النَّفِيَّةِ التَّقِيَّةِ
 الرَّضِيَّةِ الْمُرَضِيَّةِ الرَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ الْمُظْلُومَةِ الْمُفْهُورَةِ الْمُعْضُوبَةِ حُفَّهَا الْمُتَمُوعَةُ إِزْهُمُ
 الْمَكْسُورِ ضِلْعُهَا الْمُظْلُومِ بَعْلُهَا الْمُقْتُولِ وَلَدُهَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَبَصْعَةَ لَحْمِهِ

وَ صَمِيمٍ قَلْبِهِ وَ فَلَذَّةٍ كَبِيدِهِ وَ النُّجْبَةِ مِنْكَ لَهُ وَ التُّخْفَةِ خَصَصْتَ بِهَا وَصِيَّهَ وَ حَبِيْبَةَ الْمِصْطَفَى وَ قَرِيْبَةَ الْمُتَرْتَضَى وَ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ وَ مُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ حَلِيْفَةَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ وَ تَفَاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَ الْخُلْدِ الَّتِي شَرَّفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ وَ سَلَّلْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيْمَةِ وَ أَرْحَمْتَ دُونَهَا حِجَابَ الشُّبُوَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْنَا صَلَاةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَ شَرَفَهَا لَدَيْكَ وَ مَنَزِلَهَا مِنْ رِضَاكَ وَ بَلِّغْهَا مِنَّا مَحْيَةً وَ سَلَاماً وَ آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلاً وَ إِحْسَاناً وَ رَحْمَةً وَ غُفْرَاناً إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ».

پس از زیارت، مستحب است دو رکعت نماز بخواند و ثوابش را به آن حضرت هدیه کند.

بعد از نماز زیارت، این دعا را می خوانی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوْجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوَكَ بِهَا وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَدْعُوَهُ الطَّيْرُ فَأَجَابْتَهُ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْداً وَ سَلَاماً عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْداً وَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَ أَشْرَفَهَا وَ أَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَ أَسْرَعَهَا إِجَابَةً وَ أَنْجَحَهَا طَلِبَةً وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ فَإِنَّ فِيهَا أَسْمَاءَ الْأَعْظَمِ وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِيَعَتِهِمْ وَ مُحِبِّيهِمْ وَ عَنِّي وَ تُفَتِّحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِذَعَائِي وَ تَرْفَعَهُ فِي عِلِّيِّينَ وَ تَأْتِنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَ إِعْطَاءِ أَمَلِي وَ سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَ قُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْأَهْوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي يَقْضَى بِهِ حَاجَةٌ مِنْ يَدْعُوهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُقْضِيَ فِي حَوَائِجِي وَ تَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ

مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةِ الْمُتَنَتِّظِ لِإِذْنِكَ صَلَوَاتِكَ وَ سَلَامِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَسْفَعُوا لِي إِلَيْكَ وَ تَشْفَعَهُمْ فِيَّ وَ لَا تَزِدْنِي حَائِباً بِحَيِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

سپس حوائج خود را بخواه که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

❖ بقیه مستحبات مسجد النبی ﷺ

پس از فارغ شدن از زیارت پیامبر اکرم ﷺ و فرزند گرامی اش، حضرت زهرا علیها السلام سزاوار است نزد منبر آن حضرت بروی؛ منبری که آن حضرت بر فراز آن می نشست و معارف بلند اسلامی و مواعظ و ارشادات ارزشمند خود را برای امت اسلامی مطرح می فرمود و این منبر در واقع کرسی تدریس دانشگاه بزرگ اسلامی بود که صحابه گران قدری را پروراند. وقتی نزد منبر رفتی، دو دستگیره اناری شکل آن را در دستانت نگه دار و صورت و چشمانت را به آن و به منبر بکش که موجب شفای چشم می شود. با توجه به اینکه منبر مذکور در حال حاضر وجود ندارد و منبر فعلی به حسب ظاهر در همان محل گذارده شده، بد نیست آنچه را درباره منبر اصلی گفته شده است، به امید مطلوبیت، درباره منبر فعلی نیز انجام بدهند و در آنجا حمد و ثنای الهی را به جا آورند و حوائج خود را از خداوند بخواهند.

❖ نماز و دعای در مقام جبرئیل

مستحب است در مقام جبرئیل، که برای اذن از پیامبر در آنجا می ایستاد، نماز بگزارد و پس از نماز این دعا را بخواند:

«يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ مَلَآهَا جُنُوداً مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ لَهُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ وَ الْمَمْجُودِينَ لِقُدْرَتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ أَفْرَغَ عَلَىٰ أَبْدَانِهِمْ حُلُلَ الْكَرَامَاتِ وَ أَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغَاتِ وَ أَلْبَسَهُمْ شِعَارَ التَّقْوَىٰ وَ قَلَّدَهُمْ قَلَائِدَ النُّهَىٰ وَ جَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْنَاسِ خَلْقِهِ مَعْرِفَةً بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَ قُدْرَتِهِ وَ جَلَالَتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ أَكْمَلَهُمْ عِلْماً بِهِ وَ أَشَدَّهُمْ فِرْقاً

وَأَدْوَمَهُمْ لَهُ طَاعَةً وَ خُضُوعاً وَ اسْتِكَانَةً وَ خُشُوعاً يَا مَنْ فَضَّلَ الْأَمِينَ جَبْرِئِيلَ
عِ بِحَصَائِصِهِ وَ دَرَجَاتِهِ وَ مَنَازِلِهِ وَ اخْتَارَهُ لِرُوحِهِ وَ سَفَّارَتِهِ وَ عَهْدَهُ وَ أَمَانَتِهِ وَ
إِنزَالِ كُتُبِهِ وَ أَوَامِرِهِ عَلَى أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَعَلَهُ وَاسِطَةً بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَهُمْ أَشَأَلُكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ أَعْلَمُ
خَلْقِكَ بِكَ وَ أَخُوفُ خَلْقِكَ لَكَ وَ أَقْرَبُ خَلْقِكَ مِنْكَ وَ أَعْمَلُ خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ
الَّذِينَ لَا يَعْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ وَ لَا سَهُوُ الْعُقُولِ وَ لَا فِتْرَةُ الْأَبْدَانِ الْمُكْرَمِينَ بِحِوَارِكَ
وَ الْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ الْمُجْتَبِينَ الْأَقْبَاتِ وَ الْمُتَوَقِّينَ السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ وَ اخْصُصِ
الرُّوحَ الْأَمِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ بِأَضْعَافِهَا مِنْكَ وَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُتَقَرِّبِينَ وَ طَبَقَاتِ
الْكُرُوبِيِّينَ وَ الرُّوحَانِيِّينَ وَ زِدْ فِي مَرَاتِبِهِ عِنْدَكَ وَ حُقُوقِهِ الَّتِي لَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ
بِمَا كَانَ يُنزَلُ بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكَ وَ مَا بَيَّنَّتُهُ عَلَى أَلْسِنَةِ أَنْبِيَائِكَ مِنْ مُحَلَّاتِكَ وَ
مُحَرَّمَاتِكَ اللَّهُمَّ أَكْثِرْ صَلَوَاتِكَ عَلَى جَبْرِئِيلَ فَإِنَّهُ قُدُوءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ هَادِي الْأَصْفِيَاءِ
وَ سَادِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ وَفُوفِي فِي مَقَامِهِ هَذَا سَبَباً لِنُزُولِ رَحْمَتِكَ
عَلَيَّ وَ تَجَاوُزِكَ عَنِّي».

سپس بگوید:

«أَيُّ جَوَادٍ أَيُّ كَرِيمٍ أَيُّ قَرِيبٍ أَيُّ بَعِيدٍ أَشَأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ
تُؤَقِّعَنِي لِطَاعَتِكَ وَ لَا تُزِيلَ عَنِّي نِعْمَتَكَ وَ أَنْ تُرْزِقَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ تُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ
فَضْلِكَ وَ تُغْنِيَنِي عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ لَا تُخَيِّبْ يَا رَبِّ دُعَائِي
وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

❖ اعتكاف در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

در صورت امکان، اعتكاف در مسجد نبوی مستحب است و نیز
مستحب است که در ایام اعتكاف، جز در موارد ضرورت، با کسی سخن
نگوید و اگر می‌تواند شب چهارشنبه و روزش را و شب پنجشنبه و روزش
را نزد استوانه ابولبابه، و شب جمعه و روزش نزد ستون اقامه نماز آن
حضرت بماند.

❁ زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

۱) از مستحبات مؤکد پس از زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام، زیارت ائمه بقیع (علیهم صلوات الله) است که این امامان عبارتند از:

یک. حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام؛

دو. حضرت علی بن الحسین، امام سجاد علیه السلام؛

سه. حضرت محمد بن علی، امام باقر علیه السلام؛

چهار. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام.

سپس فاطمه بنت اسد و حضرت زهرا علیها السلام را - که بنابر قولی در بقیع مدفون است - زیارت کنی.

۲) غسل زیارت و خواندن این دعا در زمان غسل استحباب دارد:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهُورًا وَحِزْبًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَأَقْبَةً وَعَاهَةً اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي».

مستحب است که زائر بهترین لباس تمیز خود را بپوشد و خود را به بهترین عطر خوشبو کند و با آرامش و وقار به زیارت آنان برود و هنگامی که نزدیک آن بارگاه شد، بایستد و چنین استیذان کند:

«يَا مَوْلِي يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلًا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ بِكُمْ أَدْخُلْ يَا مَوْلِي أَدْخُلْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُتَقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ».

سپس قدم راست را پیش گذارد و با خشوع و خضوع وارد شود و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمُنَاجِدِ الْأَحَدِ الْمُتَّفَضِّلِ الْمُنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنْ يَطْوِلُهُ وَ سَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَتِي بِإِحْسَانِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ».

و پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْقَوَامَ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ يُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ وَلَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ - يَنْسُخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُظْهَرٍ وَيَنْقَلِبُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُظْهَرَاتِ لَمْ تَدْتَسِكُمْ الْجَاهِلِيَّةَ الْجُهْلَاءَ وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنَبِتُكُمْ مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بَيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمْ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْمَعِينَ بِفَضْلِكُمْ مُتَعْرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَأٍ وَاسْتِكَانٍ وَأَقْرَبِيَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَالِصِ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكَى مِنَ الرَّدى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَقَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُوُ وَدَائِمٌ لَا يَلْهُوُ وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمُنَى بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا اسْتَمْتَنَيْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُمْ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَحْفَظُوا حَقِّهِمْ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتْ الْإِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا وَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيْمَا دَعَوْتُ».

پس هشت رکعت نماز (چهار تا دو رکعتی) برای زیارت ائمه بقیع (علیهم صلوات الله) بخواند و ثواب هر دو رکعت آن را به یکی از امامان هدیه کند.

❁ زیارت فاطمه بنت اسد

زیارت فاطمه بنت اسد، والده حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز که در کنار ائمه بقیع علیهم السلام مدفون است، مستحب است. پس برای زیارت آن حضرت بگو:

«السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَخْرِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ الْهَاشِمِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَوَبَّعَتْهَا لَوْلِي اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الظَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكِفَالَهَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَ اجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ بِالْعَمَلِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَهُ بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ مُحْتَارَةً رِضَاهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَ التَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً طَاهِرَةً رَاضِيَةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً فَرَضِي اللَّهُ عَلَيْكَ وَ أَرْضَاكَ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ مَاوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعِنِي بِزِيَارَتِهَا وَ تَبَيَّنِّي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَ لَا تُخْرِمْني شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ الْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَ ارْزُقْني مُرَافَقَتَهَا وَ احْشُرْني مَعَهَا وَ مَعَ أَوْلَادِهَا الظَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَ ارْزُقْني الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْني فِي زُمْرَتِهَا وَ ادْخُلْني فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ مَحْفَظُهَا عِنْدَكَ وَ مَنْزِلَتُهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لي وَ لِيُؤَدِّي وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ».

سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و هرچه دوست داری بخواه.

❖ زیارت ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَنِيعِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ سَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ

عَلَى الشَّهَدَاءِ وَ الشُّعَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الرَّاكَبِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّلَالَةُ الظَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الرَّاكَبِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُحْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِي وَ الْجَانِّ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ الْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِعْطَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ
حَالَهُ وَ حَرَامَهُ، فَتَقَلَّكَ إِلَيْهِ طَيْبًا زَاكِيًا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجْسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ
دَنَسٍ، وَ بَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَ رَفَعَكَ إِلَى دَرَجَاتِ الْعُلَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ
بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ، وَ يَبْلُغُهُ بِهَا أَكْبَرُ مَأْمُولِهِ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَ أَرْكَأَهَا، وَ أَمْتَى بَرَكَاتِكَ وَ أَوْفَاهَا، عَلَى رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ
وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلَى مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَ عَلَى
مَا خَلَّفَ مِنْ عَشْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيكَ، وَ إِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ
مَشْكُورًا، وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَ حَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَ عَافِيَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَ حَوَاجِي
بِهِمْ مُقْضِيَةً، وَ أَعْمَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَ شُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً.

اللَّهُمَّ وَ أَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَ نَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ، وَ
امْتَحِنِي ثَوَابَكَ، وَ أَسْكِنِّي جَنَّاتِكَ، وَ ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ، وَ أَشْرِكْ فِي صَالِحِ
دُعَائِي وَ الْوَلَدِيِّ وَ الْوَلَدِيِّ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَهْمَاتِ، إِنَّكَ
وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

سپس حوائج خود را طلب کن و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

✽ مساجد و مشاهد مشرفه اطراف مدینه منوره

بازدید از مساجد و مشاهد مشرفه اطراف مدینه منوره مستحب است و سزاوار است این بازدید از مسجد «قبا» آغاز شود.

✽ مسجد قبا

مسجد «قبا» مسجدی است که از ابتدا بر پایه تقوا بنیان‌گذاری شده است. زمانی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه منوره هجرت کردند، قبل از ورود به مدینه در قریه قبا نزول اجلال فرمودند و حدود بیست و چند شب در آن مکان به انتظار پسرعمویشان، حضرت علی ابن ابی طالب عَلِيٌّ ماندند و قبل از آنکه مسجد نبوی را احداث فرمایند، این مسجد را بنا کردند. در شأن این مسجد این آیه شریفه نازل شده است:

«لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ».

دعا و نماز در این مسجد مستحب است، و از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: هرکسی در خانه خود تطهیر کند و به مسجد قبا بیاید و دو رکعت نماز گزارد، برابر یک عمره به او پاداش دهند.

این مسجد اکنون در کنار شهر مدینه واقع شده است و پشت آن، خانه‌ای است که منسوب به حضرت علی ابن ابی طالب عَلِيٌّ است و در مقابل آن قبلاً چاهی بود که آبی زلال داشت و گفته شده انگشتری و یا آب دهان رسول خدا در این چاه افتاده و بدین وسیله آب چاه، گوارا و زلال گردیده است و از این رو آن چاه را «بئر الخاتم» و «بئر التفلة» نامیده‌اند.

✽ مسجد فضیخ

سپس به مسجد «فضیخ» می‌روی و در آن نماز می‌خوانی و دعا می‌کنی.

❖ مشربۀ ام ابراهیم

سپس به مشربۀ ام ابراهیم، همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ماریۀ قطبیه نام داشت، برو و در آنجا که منزل و محل نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، نماز بخوان.

❖ مساجد احد

(۱) سپس به جانب احد برو و در اوّلین مسجد که معروف به «مسجد الحره» است نماز بگزار و خداوند متعال را برای حاجاتت بخوان.

(۲) سپس به زیارت قبر عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت حمزه بن عبدالمطلب در احد برو و نزد قبرش بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا. يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَضَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي.

أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى مَوْلِي، وَ أَتَقَرَّبُ بِبَيْتِهِ إِلَيْهِ لِيَقْضِيَ لِي بِكَ حَوَائِجِي، أَتَيْتُكَ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْفَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ أَتَيْتُ مَا أَسْخَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَ كُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فِقْرِي وَ حَاجَتِي.

فَقَدْ سَرَتْ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَ أَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَ سَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَ صَرَخْتُ إِلَيْكَ مُنْفَرِدًا، أَنْتَ مَنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَ حَتَّنِي عَلَى بَيْتِهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِحُبِّهِ، وَ رَغَبْنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَسْقَى مِنْ تَوْلَاكُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ آتَاكُمْ، وَ لَا يَحْسُرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ، وَ لَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاكُمْ».

و چون از زیارت فارغ شدی، دو رکعت نماز بگزار و بعد این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِتُجِيرَنِي مِنْ نَقَمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ، فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَ تَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَمَتْ، وَ تُجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَ لَا حُزْنَ، وَ إِنْ تَعَاقَبَ قَوْلِي لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَ لَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي.

فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ رَجَاءِ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانظُرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ لَا تَحْتَسِبْ سَعْيِي، وَ لَا يَهْوَسَنَّ عَلَيْنِكَ ابْتِهَالِي، وَ لَا تَحْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَ لَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي.

يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ، يَا مُفْرَجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ، الْعَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَداً، وَ اِرْحَمْ تَصَرُّعِي وَ عَجْزِي وَ انْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ الْحَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدُّ أَمَلِي.

اللَّهُمَّ إِنْ تَعَاقَبَ قَوْلِي لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَ جِرَاؤُهُ فَعَلُهُ، فَلَا أُخَيِّبَنَّ الْيَوْمَ، وَ لَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَ لَا يَخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَ وَفَادَتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي، وَ أَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَ حَلَفْتُ بِالْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ مَا حَوَّلْتَنِي، وَ أَتَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي، وَ لُذْتُ بِقَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمٌ».

۳) سپس به طرف قبور شهدای احد رضی الله عنهم برو و در کنار قبورشان بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْنِكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَ إِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ».

۴) سپس به مسجدی که در زمین وسیع کنار کوه، که هنگام آمدن به احد در طرف راست قرار دارد، برو، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز احد از این محل برای جنگ با مشرکان خارج شدند و خداوند متعال ایشان را یاری نمود.

۵) سپس به مسجد احزاب برو و در آن مکان نماز گزار و دعا بخوان، زیرا خداوند در این مکان دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حمله احزاب در جنگ خندق مستجاب کرد؛ زمانی که مسلمانان به ستوه آمدند و آن حضرت پروردگارش را چنین ندا می کرد:

«يَا صَرِيحَ الْمُكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا كَاشِفَ غَمِّي أَكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكُذِّبِي فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي وَ أَكْفِنِي هَوْلَ عَدُوِّي».

و این همان «مسجد فتح» است که دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن برای نصرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر عمر بن عبدود مستجاب شد و با کشتن او، کفار به هزیمت رفتند و این مسجد نیز همان «مسجد ردّ شمس» است که برای حضرت علی علیه السلام خورشید بازگشت تا آن حضرت، نماز عصرش را، که به خاطر خوابیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله برزانش به تأخیر افتاده بود، در وقتش بخواند.

۶) سپس به مسجد ذوقبلتین و مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام و مسجد سلمان رفته و نماز می گزاری و به دعا و تضرع در پیشگاه خداوند متعال می پردازی.

✽ زیارت انصار رسول الله صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَ التَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَبِعَمِّ عُقْبَى الدَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ - وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ ذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَ أَشْهَدُ

أَنْتُمْ قُتِلْتُمْ عَلَىٰ مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَأَكُمُ اللَّهُ عَنِ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَفْنَا وُجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ زَفِيحًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حَزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَإِنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَعَصَبُهُ وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَيْبِنِي عَلَىٰ قُصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَىٰ مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا قَرِطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لِأَحِقُونَ».

سپس هر مقدار می توانی سوره قدر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) بخوان و بعد نزد مزار شهدا دو رکعت نماز زیارت به پا دار.

❖ وداع پیامبر اکرم ﷺ

۱) وداع اول

چون قصد وداع با رسول خدا ﷺ را کردی، غسل کن و لباس پاک و پاکیزه بپوش و به زیارت آن حضرت مشرف شو و زیاراتی را که گذشت بخوان و با این عبارات با آن حضرت وداع کن:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَّكَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِن تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَىٰ مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

و بگو:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ السَّلَامَ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

سپس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا السِّرَاحُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِحَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُذْهَبَاتِ نِسَابِهَا وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا أَتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ ع وَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِيَاؤُكَ وَأَنْصَارُكَ وَحُجَجُكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَأَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ وَخُرَّانَ عِلْمِكَ وَحَفْظَةَ سِرِّكَ وَتَرَاجِمَهُ وَحِكْمَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ أَحْمَدَ وَآلِهِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحْيِيَّتِهِ مِنِّي وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْنِكَ».

۲) وداع دوم

چون قصد وداع با رسول خدا صلی الله علیه و آله را کردی، غسل کن و به زیارت آن حضرت مشرف شو و با این عبارات با آن حضرت وداع کن:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ زِيَارَتِي هَذِهِ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ رَسُولِكَ وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَحْيَيْتَنِي فَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

✽ وداع با ائمه بقیع علیهم السلام

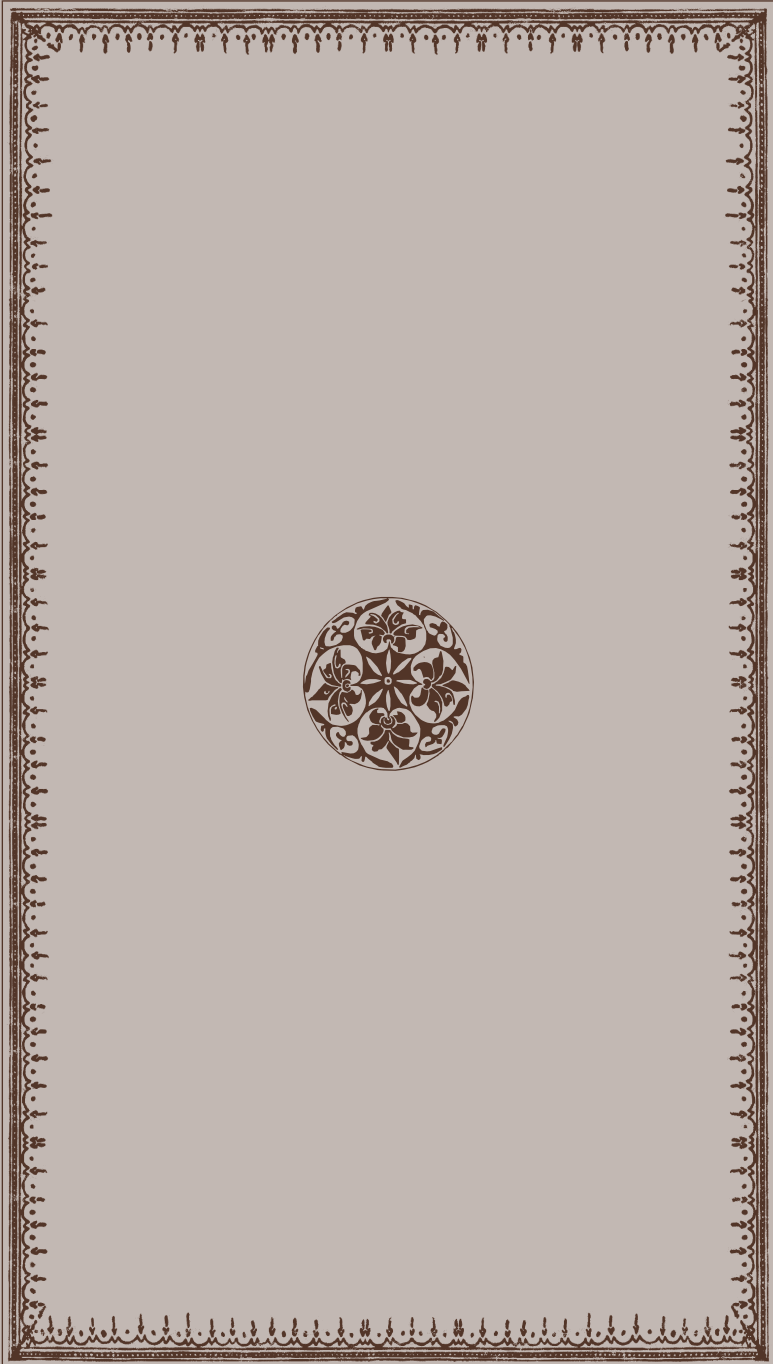
پس از وداع با قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، قبور ائمه بقیع علیهم السلام را زیارت کن و با

آنان وداع نما و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ
السَّلَامَ أَمَّنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّلْتُمْ عَلَيهِ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

و سپس بگو:

«وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ
اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».



فہرست آثار علمی حضرت آیت اللہ العظمیٰ کریمی جہرے

✽ الف) فقہ

- ۱ - رسالہ توضیح المسائل
- ۲ - شرح عروہ الوثقی در ۴۰ جلد (دردست چاپ)
- ۳ - محاضرات فی القضاء دروس و مباحث
- ۴ - محاضرات فی الشهادات دروس و مباحث
- ۵ - الدر المنضود فی احکام الحدود ۳ جلد (تقریرات دروس آیت اللہ العظمیٰ گلپایگانی)
- ۶ - نتائج الافکار فی نجاسة الکفار (تقریرات دروس آیت اللہ العظمیٰ گلپایگانی)
- ۷ - صلاة الجمعة في غيبة الحجة
- ۸ - دیدگاه شیخ مفید در مسئلہ حبوہ
- ۹ - مع محقق الاردبیلی فی مسائل من الفقہ
- ۱۰ - حول مسائل ہامہ من قضاء النراقی
- ۱۱ - احکام القرآن
- ۱۲ - احکام کارپردی در فقہ امامیہ
- ۱۳ - مناسک حج
- ۱۴ - احکام روزہ

✽ (ب) تفسیر و معارف قرآن کریم

- ۱۵ - رازهای آسمانی تفسیر سوره حدید
۱۶ - نظام اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات
۱۷ - تجلی انسان در قرآن تفسیر سوره انسان
۱۸ - نمونه هایی از تأثیر و نفوذ قرآن
۱۹ - شناخت قرآن از رهگذر قرآن
۲۰ - سیمای عباد الرحمن در قرآن
۲۱ - چهره های محبوب در قرآن
۲۲ - قرآن و هدایت اندیشه ها
۲۳ - دختر و پسر نمونه در قرآن
۲۴ - مبارزه طاغوتیان با قرآن
۲۵ - جاذبه قرآن
۲۶ - سیمای قرآن در نهج البلاغه
۲۷ - نشانه های او در قرآن
۲۸ - یکصد و یک پیام از قرآن
۲۹ - اولیاء الله در قرآن و روایات
۳۰ - دولت قرآن (درآمدی بر پیامهای اخلاقی قرآن)
۳۱ - تفسیر آیات مشکله قرآن کریم
۳۲ - تفسیر سوره صف
۳۳ - تفسیر سوره ابراهیم
۳۴ - خاطرات قرآنی
۳۵ - صراط مستقیم در قرآن

✽ (ج) شرح حدیث و دعا

- ۳۶ - سرورش رحمت تحلیلی از خطبه شعبانیه پیامبر اکرم

۳۷ - جذبات نهج البلاغه

۳۸ - صبح سعادت (منشور اخلاق در مکتب امیرالمومنین علیه السلام ، شرح نامه

امام به حارث همدانی)

۳۹ - سیمای پرهیزکاران (شرح خطبه متقین)

۴۰ - هشداری از امیرمؤمنان علیه السلام به فرماندار بصره (شرح نامه امام به

عثمان ابن حنیف)

۴۱ - به سوی مدینه فاضله شرح نامه حیات بخش امام علی علیه السلام به

امام حسن علیه السلام

۴۲ - اشعه حیات از بستر شهادت (شرح آخرین وصایای حضرت علی علیه السلام)

۴۳ - فریاد غربت (ترجمه خطبه فدکیه)

۴۴ - شرح غربت (شرح خطبه فدکیه)

۴۵ - در کشتی نجات (شرح صلوات شعبانیه)

۴۶ - تکرار حماسه علی علیه السلام در خطبه زینب علیها السلام

۴۷ - شرح خطبه حضرت زینب علیها السلام در شام

۴۸ - بحثهایی پیرامون زیارت ناحیه مقدسه

۴۹ - جرعه ای از چشمه سار غدیر

۵۰ - صحیفه آفتاب (سخنان گهربار مهدی آل محمد صلوات الله علیهم)

۵۱ - حدیث آرزومندی (شرح دعای ندبه)

۵۲ - زمزمه عاشقان (شرح دعای افتتاح)

۵۳ - بهارجانها (دعاهایی منتخب و ماثور از بزرگان دین)

* (د) سیره اهل بیت علیهم السلام

۵۴ - العترة و القرآن

۵۵ - سیری گذرا در سیره رسول الله صلوات الله علیه

۵۶ - الامام امیرالمومنین علیه السلام في وصف الواصفين

- ۵۷ - سیمای امام علی علیه السلام در نهج البلاغه
- ۵۸ - سیره و سخن فاطمه علیها السلام
- ۵۹ - در ستایش فاطمه علیها السلام (مروری بر ثناگویی از حضرت صدیقه کبری علیها السلام در محفل ملکوت)
- ۶۰ - ریحانه محمد امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۶۱ - سیمای امام حسین علیه السلام
- ۶۲ - در مکتب امام حسین علیه السلام
- ۶۳ - حسین علیه السلام رحمت واسعه خدا
- ۶۴ - امام حسین علیه السلام آینه آیه های قرآن
- ۶۵ - عقلیه بنی هاشم زینب علیها السلام
- ۶۶ - مهر ولایت از آسمان ایران (نگرشی بر زندگانی و ابعاد شخصیتی حضرت رضا علیه السلام)
- ۶۷ - بانوی ملکوت حضرت معصومه علیها السلام

✽ (ه) مهدویت

- ۶۸ - عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع تقلید
- ۶۹ - مهدی مقتدای مسیح علیه السلام
- ۷۰ - حقوق فراموش شده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۷۱ - به یاد مهدی زهرا علیها السلام
- ۷۲ - بررسی مقایسه ای بین حضرت مهدی و امام حسین علیه السلام
- ۷۳ - موعود آخرالزمان در قرآن
- ۷۴ - شاخصه های مرجعیت و نواب امام زمان علیه السلام در عصر غیبت
- ۷۵ - صحیفه آفتاب (کلمات گوهر بار حضرت ولی عصر ارواحنا فداه)

* (و) تراجم و سیره علما

- ۷۶ - المقدس الاردبیلی اضواء علی حیاته و شخصیته
۷۷ - مقدس اردبیلی سرخیل قدسی فقاہت
۷۸ - مقتطفات بقیة السلف
۷۹ - صورة موجزة من حياة المرجع الكبير السيد گلپایگانی
۸۰ - حياة آية الله آيت الله الجهرمی
۸۱ - آيت الله مؤسس (مرحوم حاج شيخ عبدالكريم حائری)
۸۲ - يادى از شيخ المراجع آيت الله العظمى حائری
۸۳ - خورشيد آسمان فقاہت آيت الله العظمى گلپایگانی
۸۴ - مهاجرالى الله در خط جهاد و اجتهاد (مرحوم آيت الله سيد عبدالحسين لاری)
۸۵ - اسوه صالحان (مرحوم آيت الله سيد ابراهيم حق شناس جهرمی)
۸۶ - سلاله پاكان (مرحوم آيت الله سيد على اكبر آيه اللهى جهرمی)
۸۷ - چهار گفتار پيرامون نام آوران بيدار

* (ز) اخلاق و معارف دين

- ۸۸ - چشمه سار تربيت علوى (نگرشى براخلاق از منظر اميرمؤمنان عليه السلام و نهج البلاغه)
۸۹ - آواى رحيل (نگرشى برحالت احتضار)
۹۰ - آستان دوست (نگرشى برآثار و آداب زيارت)
۹۱ - اسرار ليالى قدر
۹۲ - ارزشهاى اصيل و انساني
۹۳ - الصيام و شهر رمضان المبارك
۹۴ - آيين روزه دارى
۹۵ - پيام رمضان

- ۹۶ - جهان اسلام و مسئله تحریف
- ۹۷ - سیمای رمضان در صحیفه سجادیه
- ۹۸ - خط سرخ شهادت
- ۹۹ - لقاء الله در معراج شهادت (در دست چاپ)
- ۱۰۰ - اذان نغمه آسمانی
- ۱۰۱ - شهید ربذه ابوذر غفاری
- ۱۰۲ - مع معلم الاخلاق فی صفحات المكاسب
- ۱۰۳ - دیار دوست (نصایح و نامه هایی به زائران خانه ی خدا)

دفتر حضرت آیت الله العظمی کریمی جهرمی مد ظله العالی

پایگاه اطلاع رسانی:

www.karimijahromi.ir

نشانی: قم، خیابان ۱۹ دی (باجک)، کوچه ۱۷،
پلاک ۱۵

تلفن پاسخ گویی به مسائل شرعی و مشاوره دینی:

۰۲۵-۳۷۷۲۴۷۶۸

تلفن همراه پاسخ گویی به مسائل شرعی و مشاوره

دینی: ۰۹۱۲۶۷۵۷۵۶۹

اینستاگرام: @karimijahromi

تلگرام: @karimijahromi

ایتا: @karimijahromi

